

پیام‌های آسمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تربیت اسلامی

پایه نهم

دوره اول متوسط

۱۳۹۴



برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب: پیام‌های آسمان پایه نهم دوره اول متوسطه - ۱۳۵

■ شورای برنامه‌ریزی و تألیف: پرویز آزادی، لیلا اخوان، محمد مهدی اعتصامی، سیدصادق پیشنمازی،

سید محمد حسین تقوی، سید محمد دلبری، یاسین شکرانی، علی کاظمی و محمود متوسل آرانی

■ مؤلفان: پرویز آزادی، یاسین شکرانی و علی کاظمی

■ آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی-ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت: www.chap.sch.ir

■ مدیر امور فنی و چاپ: لیدا نیک روش

■ مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی

■ طراح گرافیک، طراح جلد: سید علی موسوی

■ تصویرگران: مسعود قره باغی، محمد یاسینی اردکانی، مهدی خواجویی، علی نور پور، حسین یوزباشی،

حسین صالحی، صادق همتی و زنده یاد منوچهر درفشه

■ صفحه آرا: مهناز خسروپناه

■ حروفچین: فاطمه باقری مهر

■ مصحح: شاداب ارشادی، فرشته ارجمند

■ امور آماده‌سازی خیر: زینت بهشتی شیرازی، سپیده ملک‌ایزدی

■ امور فنی رایانه‌ای: ناهید خیام‌باشی، راحله زادفتح‌اله

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران-کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج-خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۴

حقوق چاپ محفوظ است.



مقام معظم رهبری:

آن چیزی که امام را بر هدایت و اداره و رهبری ملت ایران و انقلاب عظیمش قادر می‌کرد، عبارت بود از: ارتباط با خدا و اتصال و توجه و توکل به او. او واقعاً «عبد صالح خدا» بود. او الگوی کامل یک مسلمان و نمونه بارز یک رهبر اسلامی بود.



فصل دوم: راهنماشناسی



درس سوم

دین راستین

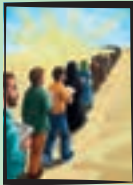
۳۳



درس چهارم

راهنمایان الهی

۴۳



درس پنجم

آخرین پیامبر و
آخرین پیام

۵۵



درس ششم

خورشید پنهان

۶۵



درس هفتم

رهبری در عصر
غیبت

۷۵

فصل اول: خداشناسی



درس اول

تورا چگونه بشناسم؟

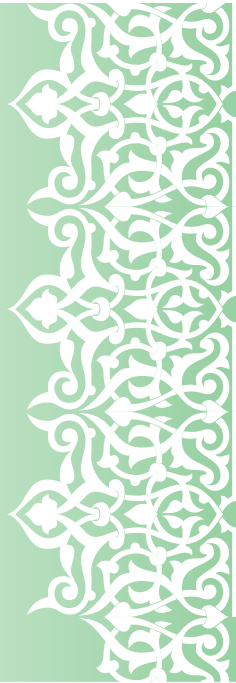
۱۱



درس دوم

در پناه ایمان

۲۱



فصل پنجم: جامعه اسلامی



درس یازدهم
مسئولیت همگانی

۱۱۷



درس دوازدهم
اتفاق

۱۲۷



درس سیزدهم
انقلاب اسلامی
ایران

۱۳۹



درس چهاردهم
جهاد

۱۵۱

فصل سوم: راه و توشه



درس هشتم
وضو و تیمم

۸۵



درس نهم
مُبطَّات نماز

۹۵

فصل چهارم: اخلاق



درس دهم
همدلی و همراهی

۱۰۳



دیران محترم دینی سلام علیکم

کتابی که امسال تدریس می کنید، آخرین کتاب از مجموعه کتابهای پیام های آسمان است. کتابی که در بردارنده مطالبی اثرگذار، مهم و عمیق است و آموزش آن به دلیل رشد فکری مخاطب به این سال موکول شده است. دانش آموزان با ورود به این سن توانایی آن را می یابند که با نگاهی عطفانی به جهان پیرامون خود بنگرند و عقاید خویش را از نو و بر بنای برهان و استدلال بازسازی کنند.

از همین رو، در این کتاب سعی شده است عقاید دینی مورد نیاز مخاطبان با نگاهی عطفانی و از طریق استدلال آموزش داده شود تا هم آنان را در رسیدن به اقعاع عقلی یاری کند و هم بنیان محکمی برای عقاید دینی آنان بنا کند. از شما همکاران محترم انتظار می رود تا در این پایه با همی مضاعف به آموزش این کتاب بپردازید و پاسخگوی سؤالات و چالش های فکری مخاطبان خود باشید.

این کتاب مشابه پیام های آسمان سال های هشتم و نهم است. توصیه جدی ما در زمینه ارزشیابی، روش تدریس و تحلیل محتوای کتاب، مطالعه مقدمه کتاب های سال های گذشته و مراجعه به راهنمای معلم و راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه است.

همکاران محترم می توانند جهت مطالعه «راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه»، مطالعه راهنمای معلم، دریافت نمونه سؤالات، اظهار هرگونه پیشنهاد و انتقاد درباره کتاب، طرح پرسش های محتوایی کتاب و دریافت جواب از کارشناسان مربوطه، و بهره برداری از محتواهای مختلف ارائه شده به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی به نشانی زیر مراجعه فرمایند.

دانش آموزان کرامی!



دوستان خوبم، سلام

به شما تبریک می‌گوییم که توانستید با تلاش و کوشش خود، پایه هشتم را با موفقیت، پشت سر گذاشته و به مرحله جدیدی از زندگی تحصیلی‌تان قدم بگذارید. راستی ۹ سال پیش را یادتان هست؟! وقتی تازه می‌خواستید پا به کلاس و مدرسه بگذارید. شاید آن زمان با خود می‌گفتید: ۱۲ سال! یعنی من باید ۱۲ سال در مدرسه درس بخوانم؟! اما حالا وقتی به پشت سر نگاه می‌کنید، می‌بینید بخش زیادی از این مسیر را طی کرده‌اید!

یک سؤال!

آیا همان‌طور که سال به سال بر عمر ما افزوده می‌شود و از کلاسی به کلاس بالاتر می‌رویم، بر اخلاق و ایمان ما هم اضافه می‌شود؟ آیا پله‌های خوب شدن را هم مثل پله‌های عمر و زندگی به سرعت طی می‌کنیم؟

امیدواریم پاسخ تک‌تک شما به این سؤال، مثبت باشد. ما هم از خدا می‌خواهیم که سرعت رشد و پیشرفت شما در علم و اخلاق و ایمان از سرعت گذران عمرتان، بیشتر باشد. البته در کنار دعای ما، خودتان هم برای هر چه بهتر شدن تلاش کنید. سعی کنید به آنچه تاکنون در کتاب‌های درسی و به خصوص کتاب‌های دینی خوانده‌اید، عمل کنید و تصمیم جدی بگیرید تا به آن دسته از تعالیم دین که از این پس نیز فرا می‌گیرید به خوبی عمل کنید تا هر روز خوب‌تر از گذشته باشید و طعم شیرین با خدا بودن را بچشید.

امیدواریم این کتاب بتواند شما را در طی نمودن مسیر سعادت و خوشبختی کمک کند. در این کتاب، مطالب تازه‌ای خواهید آموخت. مطالبی همچون راه‌های شناخت خدا، راه‌های افزایش ایمان به خدا، آشنایی با دین راستین خداوند و نیز خاتم پیامبران، دوران غیبت و چگونگی رهبری جامعه در این دوران، ویژگی‌های دوران ظهور، آشنایی با برخی از احکام نماز، راه شناخت دوستان خوب و دهها مطلب جذاب و خواندنی دیگر.



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴ - گروه درسی مربوط و پیام نگار (Email) talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

خداشناسی

فراوان

در کتاب پیام‌های آسمان سال هفتم و هشتم به مطالعه برخی از صفات خداوند پرداختیم. در این کتاب با دو موضوع مهم دیگر در بحث خداشناسی آشنا می‌شویم:

درس اول (تورا چگونه بشناسم): در سال‌های گذشته با برخی از صفات خداوند آشنا شدیم؛ اینکه خدای مهربان مراقب ما و شاهد اعمال ماست، مستعان و یاری‌رسان است، عالم است و قادر، غفار است و پرده‌پوش و... . حتماً بسیاری از شما دوست دارید با صفات بیشتری از خداوند آشنا شوید تا او را بهتر از گذشته بشناسید. ما در این درس دو راه مطمئن به شما نشان می‌دهیم تا با مراجعه به آنها بتوانید با صفات بیشتری از خالق هستی آشنا شوید. این دو راه عبارت‌اند از: ۱- تفکر در کتاب آسمانی خداوند یعنی قرآن ۲- تفکر در جهان آفرینش. این دو راه به ما کمک می‌کند تا با صفات فراوان خداوند آشنا شویم (صفات ثبوتی) و بدانیم که او برخی از صفات و ویژگی‌ها را که نشان از نقص و ناتوانی است ندارد (صفات سلبی).

درس دوم (در پناه ایمان): با توجه به اینکه تاکنون درس‌های زیادی درباره خداوند خوانده‌ایم، حال باید بدانیم چگونه می‌توان با تمام وجود به خدایی که شناختیم، ایمان آوردیم و بر ایمان به او بیفزاییم. همچنین می‌آموزیم که ایمان داشتن به خداوند چه ثمرات ارزشمندی در زندگی ما دارد.



درس اول

تو را چگونه بشناسم؟

نروم جز به همان ره که توام راهنمایی
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
تو نمایندهٔ فضلی، تو سزاوار ثنایی
بری از بیم و امید، بری از عیب و خطایی
نتوان شبهه تو جستن، که تو در وهم نیایی
نه بجنبی نه بگردی، نه بگاهی نه فزایی
همه نوری و سروری، همه جودی و سخایی

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم
تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی
بری از رنج و گدازی، بری از درد و نیازی
نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی
تبد این خلق و تو بودی، نبؤد خلق و تو باشی
همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی

فعالیت کلاسی

۱- صفتهایی را که در این شعر به خدا نسبت داده شده است، بیان کنید.

۲- چه صفات دیگری از خدا می‌شناسید، که در این شعر به آن اشاره نشده است؟

راه‌های شناخت صفات خداوند

یکی از مسائلی که همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است، یافتن راهی برای شناخت هرچه بیشتر خالق و آفریدگار هستی است. بشر همواره به دنبال یافتن پاسخ این پرسش بوده است که خدایی که او و هستی را خلق کرده، و قرار است روزی به سوی او بازگردد، چگونه خدایی است؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا او به همه چیز علم دارد؟ او قادر به انجام دادن چه کارهایی است؟ او با بندگان خود چگونه رفتار می‌کند؟

یافتن پاسخ این پرسش‌ها، نیازمند دستیابی انسان به منبعی است که اطلاعاتی دقیق و غیرقابل خدشه به او بدهد تا با تکیه بر آن بتواند به شناختی صحیح و به دور از اشتباه و خطا در مورد خداوند، دست یابد. البته ما انسان‌ها به دلیل توانایی‌های محدود خود، امکان شناخت کامل خدای نامحدود را نداریم، اما به قدر توان و درک خود، می‌توانیم به شناختی محدود از خداوند، دست یابیم؛ به همین دلیل است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ^۱

آن چنان که شایستهٔ معرفت توست، تو را نشناختیم.

تفکر در کتاب آسمانی

یکی از بهترین راه‌های دستیابی به شناخت صفات خداوند، مراجعه به کلام خود اوست. توصیفی که خداوند از خود می‌کند، توصیفی دقیق و بی‌نقص است که می‌تواند ما را در شناخت صحیح از او، یاری دهد. با مطالعهٔ کلام الهی، با آیات زیادی روبه‌رو می‌شویم که هر کدام به بیان بخشی از ویژگی‌ها و صفات خداوند می‌پردازد. قرآن کریم به ما می‌آموزد که:

خداوند بر همه چیز آگاه است. او از آنچه در قلب ما می‌گذرد^۲، از آنچه چشم‌های ما می‌بیند^۳، و آنچه در گوش دیگران نجوا می‌کنیم آگاه است^۴، او حتی از فرو افتادن برگ درختی در گوشه‌ای از جهان نیز باخبر است^۵؛ خلاصه اینکه هیچ چیز آشکار و مخفی‌ای نیست مگر آنکه خدا به آن علم دارد:

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى^۶

او هر آشکار و نهانی را می‌داند.

۳- سورهٔ غافر، آیهٔ ۱۹.

۲- سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۱.

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۳.

۶- سورهٔ اعلیٰ، آیهٔ ۷.

۵- سورهٔ انعام، آیهٔ ۵۹.

۴- سورهٔ توبه، آیهٔ ۷۸.

خداوند مهربان است و مهربانی او همه چیز و همه کس را در بر گرفته است^۱، او آن قدر مهربان است که مهرورزی بر بندگان را بر خود واجب کرده^۲ و خود را دوستدار آنان نامیده است:

وَهُوَ الْعَفْوُ الْوَدُودُ^۳
او آمرزنده و دوستدار بندگان است.*

با این وجود، او مجازات کننده نیز هست و کسانی را که به مبارزه با حق برخیزند و از گناه و سرکشی دست برندارند از رحمت خویش محروم و به عذابی دردناک گرفتار می کند:

وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ، فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۴
و هر که با خدا دشمنی کند بداند که خداوند به سختی عقوبت می کند.

او به بندگان ظلم نمی کند بلکه این انسان ها هستند که با گناهان و خطاهایشان به خود ظلم می کنند و خود را در مسیر گرفتاری و هلاکت قرار می دهند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا، وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ^۵
خداوند به مردم هیچ ستمی نمی کند بلکه این مردمند که به خود ستم می کنند.

البته، کسانی را که از گناه خویش پشیمان شوند و توبه کنند با آغوش باز می پذیرد^۶؛ چرا که او خود را خدای بسیار توبه پذیر معرفی می کند^۷ و توبه کنندگان را دوست می دارد.

۱- سوره اعراف، آیه ۱۵۶. ۲- سوره انعام، آیه ۱۲. ۳- سوره بروج، آیه ۱۴.
۴- سوره حشر، آیه ۴. ۵- سوره یونس، آیه ۴۴. ۶- سوره نساء، آیه ۲۷.
۷- سوره بقره، آیه ۱۶۰. * آیه با ترجمه حفظ شود.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ^۱ همانا خداوند توبه کنندگان را دوست دارد.

او با احکام و قوانینش قصد سخت گرفتن بر بندگانش را ندارد بلکه می‌خواهد با این قوانین انسان‌ها را از پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها دور کند^۲ و آنها را به سوی زندگی سرشار از خوشبختی و سعادت در این جهان^۳ و بهشتی آباد و پر نعمت در جهان آخرت هدایت نماید^۴.

او شکرگزار است؛ شکرگزار و قدردان کارهای خوبی که از سوی بندگانش انجام می‌شود، حتی اگر هیچ کس آن خوبی‌ها را نبیند و یا به چشم دیگران کوچک و بی‌ارزش بیاید. خداوند تمام این خوبی‌ها را ثبت می‌کند و با پاداش فراوان از انجام دهندگان این اعمال سپاسگزاری و قدردانی می‌کند:

وَ كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا^۵ خداوند شکرگزار و آگاه است.

و سرانجام اینکه خدایی که قرآن توصیف می‌کند بهترین روزی دهنده^۶، بهترین یاری کننده^۷ و بهترین سرپرست است^۸.



سوره حمد و توحید را بخوانید و بگویید خداوند در این سوره‌ها خود را با چه صفاتی معرفی کرده است.

۳- سوره نحل، آیه ۹۷.

۶- سوره جمعه، آیه ۱۱.

۲- سوره مائده، آیه ۶.

۵- سوره نساء، آیه ۱۴۷.

۸- سوره انفال، آیه ۴۰.

۱- سوره بقره، آیه ۲۲۲.

۴- سوره انفال، آیه ۶۷.

۷- سوره آل عمران، آیه ۱۵۰.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۱ نهج البلاغه در توصیف خداوند می فرماید :

«... خداوند از اندرون لانه‌های تابستانی مورچگان و خانه‌های زمستانی حشرات، از آهنگ اندوهبار زنان غمگیده و صدای آهسته قدم‌ها آگاهی دارد. خدای سبحان از جایگاه پرورش میوه در درون برده‌های شکوفه و از مخفی‌گاه حیوانات وحشی در دل غارها و کوه‌ها و اعماق دره‌ها، از نهانگاه پشه‌ها بین ساقه‌ها و پوست درختان و از محل پیوستگی برگ‌ها به شاخسارها آگاه است.

خدا از آنچه برده ابر را به وجود می آورد و به هم می پیوندد و از قطرات بارانی که از ابرهای متراکم می بارد و از آنچه گردبادهای روی زمین بر می دارند و باران‌ها با سیلاب آن را فرو می نشاندند و نابود می کنند، از ریشه گیاهان زمین که میان انبوه شن و ماسه پنهان شده است، از لانه پرندگانی که در قله بلند کوه‌ها جای گرفته‌اند و از نغمه مرغان در آشپانه‌های تاریک، از مرواریدهایی که در دل صدف‌ها پنهان است، و امواج دریاهایی که آنها را در دامن خویش پروراندند، آگاهی دارد. این همه آگاهی هیچ‌گونه زحمت و دشواری برای او ندارد و برای نگهداری این همه مخلوقات رنگارنگ که پدیدآورده است، دچار نگرانی نمی‌شود و در تدبیر امور مخلوقات، سستی و ملالی در او راه نمی‌یابد. . . .

خدا با تو سزاوار زیباترین توصیف‌هایی و درخور آئی که فراوان ستایشت کنند. اگر تو را آرزو کنند

پس بهترین آرزویی و اگر به تو امید بندند پس بهترین امیدی.»

تفکر در کتاب خلقت

راه دیگر شناختن صفات خداوند، تفکر در کتاب خلقت است؛ یعنی از طریق آثار و نشانه‌های او، که در سراسر جهان آفرینش متجلی است به ویژگی‌های او بی‌بیریم؛ همانگونه که با دیدن نوشته‌ای علاوه بر بی‌بردن به وجود نویسنده، به میزان علم و دانایی و نوع افکار و اندیشه‌هایش پی می‌بریم، یا همان‌گونه که با دیدن ساختمانی، از وجود سازنده و میزان مهارت و توانایی وی باخبر می‌شویم، با تفکر در جهان خلقت نیز می‌توان علاوه بر بی‌بردن به وجود خالق بی‌همتا با برخی از ویژگی‌ها و صفات او نیز آشنا شد. تنها کافی است به تفکر در عالم، بنشینیم، آنگاه این جهان را همچون جاده‌ای رهنمون به سوی او خواهیم یافت. زیبایی‌های عالم، جلوه‌ای از زیبایی او، خوبی‌های آن، روایتگر نیکی او و عظمت‌های آن، پرتوی از قدرت و بزرگی اوست. گویی تمام اجزای عالم از او سخن می‌گویند.



هرورش دقمری است معرفت کردگار

برک درخان سبز در نظر، هوشیار

البته به هر میزان که علم و دانش ما افزایش می‌یابد، بیشتر از گذشته آثار علم و قدرت خداوند را در جهان درمی‌یابیم و در برابر این همه عظمت، به شگفتی می‌آییم؛ آن‌چنان که عقل و اندیشه بزرگ‌ترین دانشمندان نیز در برابر این همه شگفتی، به حیرت می‌آید.

اینشتین، فیزیک‌دان نامی معاصر، درباره مواجهه انسان با شگفتی‌های بی‌پایان طبیعت می‌گوید: «ما انسان‌ها همچون طفلی خردسال هستیم که وارد کتابخانه‌ای بزرگ می‌شود که همه دیوارهای آن از زمین تا سقف با کتاب‌هایی به زبان‌های گوناگون پوشیده شده است. کودک می‌داند که باید کسی آن کتاب‌ها را نوشته باشد... کودک طر‌حی مشخص در ترتیب کتاب‌ها می‌بیند، نظمی اسرارآمیز که او آن را درک نمی‌کند ولی می‌تواند با حسی مبهم حدس بزند. به نظر من وضعیت این کودک همانند وضعیت عقل انسان در برابر خداست...»^۱

۱- فیزیک‌دانان غربی و مسئله خدا باوری، مهدی گلشنی، صص ۴۶ و ۴۷.

صفات ثبوتی و سلبی

در اینجا ممکن است این سؤال پیش بیاید که اگر مخلوقات و موجودات جهان، آیات و نشانه‌های الهی هستند و از طریق آنها می‌توان به صفات خالقشان پی برد، آیا می‌توان هر صفتی را که در مخلوقات می‌بینیم به خداوند متعال نسبت دهیم؟ به‌طور مثال، آیا می‌توان خداوند را دارای جسم و محدود به زمان و مکان دانست؟

هر کمال و خوبی که مخلوقات دارند، از خالق دریافت کرده‌اند و کسی می‌تواند کمال و خوبی را به دیگری دهد که خود نیز آن را دارا باشد. بنابراین خداوند سرچشمه همه خوبی‌ها و کمالات است. اما صفاتی که از مخلوق بودن و محدود بودن موجودات سرچشمه می‌گیرد، در خدای متعال نیست؛ زیرا خداوند مخلوق و محدود نیست. مثلاً جهل، ظلم، ضعف و جسمانی بودن همه نوعی نقص و کاستی است. پس با توجه به اینکه خداوند موجودی کامل و بی‌نقص است، نمی‌تواند دارای چنین صفاتی باشد. به‌عنوان نمونه این‌گونه نیست که خداوند همچون ما اگر در این مکان حضور داشته باشد از مکان دیگری بی‌خبر باشد، یعنی خدا مثل اجسام محدود به یک مکان خاص نیست. نتیجه اینکه: صفات را در رابطه با خداوند به دو دسته کلی تقسیم می‌کنیم:

۱- صفاتی که جنبه کمال دارند؛ مثل قدرت، علم، عدالت، رحمت، رازقیت، حیات، مهربانی و بخشندگی. این صفات را «صفات ثبوتی» می‌نامیم و به خدا نسبت می‌دهیم. یعنی خداوند این صفات را داراست.

۲- صفاتی که از نقص ناشی می‌شوند؛ مانند جهل، خستگی، خواب، مرگ، عجز و نیاز به پدر و مادر. این صفات را «صفات سلبی» می‌نامیم و از خداوند سلب می‌کنیم. یعنی خداوند این صفات را ندارد و از آنها مبرا است.



با مراجعه به شعر ابتدای درس، صفات ثبوتی و سلبی را که در شعر آمده است، استخراج کنید و در جدول زیر جای دهید.

صفات سلبی	صفات ثبوتی
.....
.....
.....

حمد و تسبیح

شما با ذکرهای زیر به خوبی آشناید؛ زیرا در هر نماز بارها آنها را تکرار می‌کنید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ
سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

آیا می‌دانید معنی این ذکرها چیست؟

«حمد» به معنای «ستایش» و «تسبیح» به معنی «پاک دانستن» و «منزه دانستن» است. وقتی می‌گوییم «الحمد لله»، می‌خواهیم بگوییم که «هر ستایش برای خداست» و وقتی می‌گوییم «سبحان الله»، می‌خواهیم بگوییم «خداوند از هر نقص و عیبی، منزه است». کسی و چیزی قابل ستایش است که کمالات و زیبایی‌هایی در او باشد. می‌دانیم که همه زیبایی‌ها و خوبی‌های جهان از خداست. پس ستایش حقیقی و حمد واقعی از آن اوست.

وقتی می‌گوییم خدایا تو پروردگار جهانی، تو رحمان و رحیمی، تو بخشنده و مهربانی، او را ستوده‌ایم. در حمد و ستایش، همواره «صفات ثبوتی» خدا را بیان می‌کنیم. و در تسبیح، خداوند را از «صفات سلبی» پاک و منزه می‌داریم؛ می‌گوییم: خدایا تو نیازمند نیستی، تو شریک نداری، تو فرزند نداری و ...

۱- صفات ثبوتی و سلبی را تعریف کنید و برای هر یک دو مثال بزنید.

۲- راه‌های شناخت صفات خداوند را نام ببرید و درباره هر کدام به اختصار توضیح دهید.

۳- حمد و تسبیح خداوند به چه معناست؟ و ارتباط آن با صفات ثبوتی و سلبی چیست؟

خودت را امتحان کن

پیشنهاد

با مراجعه به آیات ۵۸ تا ۶۵ سوره حج و آیات ۲۵ تا ۳۰ سوره شوری، آیاتی از سوره‌های قرآن را که در آن به شناخت خدا اشاره شده یادداشت کرده و آنها را با خطی زیبا بنویسید و در کلاس نصب کنید.

الهی

ای خدایی که هرگاه بنده ای به تو روی آورد، او را جزء مقربان خود می گردانی؛
ای خدایی که هرگاه بنده ای به تو امید بندد، ناامیدش نمی کنی؛
چگونه فراموش کنم تو را، در حالی که تو همیشه به یاد منی؛
و چگونه دل از یاد تو بردارم در حالی که همیشه در کنار منی؛
خدایا دست خود را به سوی لطف و کرم تو دراز کردم
و دل به مویت های تو بستم؛
پس مرا برای خود پاک و خالص کن
و ما را از بندگان برگزیده ات قرار ده.



درس دوم

در سناه امان

بسیار اتفاق می افتد که فایده کاری را می دانیم، اما در انجام آن کوتاهی می کنیم. می دانیم که چند دقیقه ورزش در روز، سلامت و شادابی می آورد؛ یا زود خوابیدن در شب و زود برخاستن در صبح، نشاط و طراوت به همراه دارد، اما برخی از ما برای انجام آنها برنامه ریزی نمی کنیم. همچنین به زیان برخی کارها آگاهی داریم، اما از آنها دوری نمی کنیم. مثلاً می دانیم که عاقبت تنبلی و از دست دادن فرصت‌ها چیزی جز پشیمانی نیست و یا رفتارها و کارهای ناشایست پایان خوبی به همراه ندارد اما برای ترک آن تصمیم جدی نمی گیریم.

فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا با اینکه می دانیم برخی کارها نتیجه و ثمرات خوبی دارند، اما بدان عمل نمی کنیم و یا با اینکه می دانیم نتیجه برخی کارها به زیان ما خواهد بود، از انجام آنها خودداری نمی ورزیم؟

دو دوست جدایی ناپذیر!

در درس قبل با برخی از صفات خداوند، آشنا شدیم. دانستیم که خالق هستی از تمام اعمال و رفتار ما آگاه است، او خیر و صلاح بندگان خویش را می‌خواهد و... با این حال افرادی را می‌بینیم که با اینکه خدا را به عنوان خالق هستی می‌شناسند، اما به دستورات او چندان توجهی نمی‌کنند؛ اینان با آنکه خداوند را آگاه بر تمام اعمال آشکار و پنهان خود می‌دانند، اما گاهی در حضور او گناه می‌کنند؛ با آنکه می‌دانند قوانین الهی برای نجات انسان از پلیدی‌ها و سوق دادن او به سوی زندگی سعادت‌مندانه است، بازهم سرپیچی می‌کنند.

همه این موارد نشان می‌دهد که شناخت ما از خالق خویش و فرمان‌های او، به تنهایی منجر به اطاعت از او نخواهد شد، بلکه این شناخت نیازمند حقیقت دیگری به نام «ایمان» است؛ به عبارت دیگر، علم و شناخت مانند چراغی است که راه را نشان می‌دهد، اما داشتن چراغ، به تنهایی انگیزه لازم را برای رفتن به سمت راه در انسان ایجاد نمی‌کند، بلکه حقیقتی به نام ایمان برانگیزاننده و محرک ما برای رفتن به سمت عمل و انجام دستورهای الهی است.

حضرت علی علیه‌السلام درباره ارتباط ایمان و عمل می‌فرماید:

ایمان و عمل دو برادر همراه و دو دوست جدایی ناپذیرند.^۱

اگر کسی ایمان داشته باشد عمل نیز به همراه آن خواهد آمد؛ پس اگر کسی ادعا کند که در قلب به خدا ایمان دارد اما در ظاهر و اعمال او اثر ایمان به خدا مشاهده نشود، باید در ایمان خود شک کند.



به نظر شما چه رفتارهایی در جامعه ما وجود دارد که با ادعای ایمان داشتن به خدا در تعارض است؟

۱- غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۳۶.

از کوزه همان برون تراود که در اوست

اتاقی را با چند پنجره باز تصور کنید. شما بیرون از اتاق ایستاده‌اید. اگر هنگام شب و در حالی که همه جا تاریک است، یک نورافکن بزرگ را در این اتاق روشن کنند، از بیرون اتاق چه چیزی دیده می‌شود؟ آیا امکان دارد در حالی که پنجره‌ها باز هستند و مانعی هم بر سر راه نور قرار ندارد، از این اتاق روشن هیچ نوری خارج نشود؟

چشم، گوش، زبان و بقیه اعضای بدن ما، پنجره‌های قلب ما هستند.

اگر نور ایمان واقعی در قلب کسی وجود داشته باشد، بدون شک این نور از قلب او فراتر می‌رود و در گفتار و رفتار او نمایان می‌شود و اگر قلب کسی به دلیل گناهان تیره و تار شده باشد، تأثیر آن در گفتار و کردار او نیز ظاهر می‌شود؛ به قول معروف: از کوزه همان برون تراود که در اوست.

حقیقت ایمان

حال این سؤال مهم پیش می‌آید که «ایمان» چیست؟

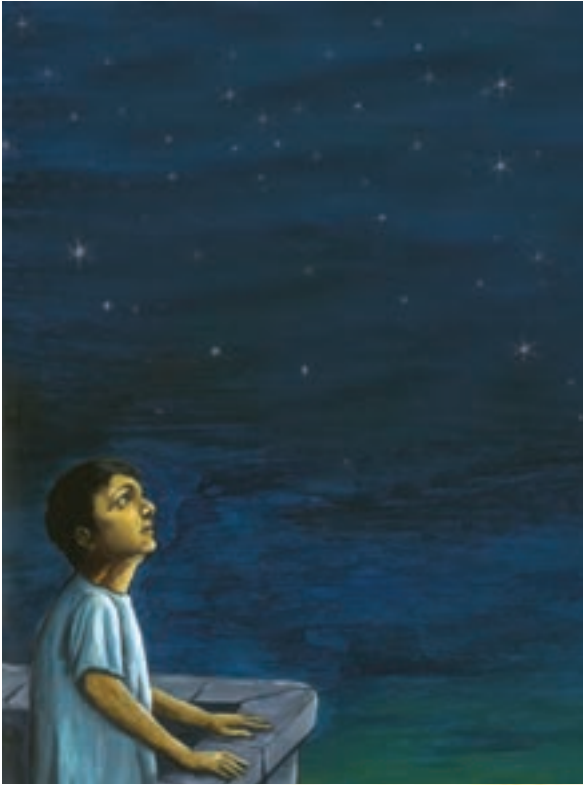
ایمان، اعتماد و باور قلبی کامل به یک موضوع و یا حقیقت است. باوری که شوق عمل به آن حقیقت را در انسان ایجاد می‌کند و آدمی را به سمت آن می‌کشاند. جایگاه ایمان قلب است. اگر قلب انسان به مطلبی ایمان آورد، انگیزه عمل به آن نیز در انسان ایجاد می‌شود؛ بنابراین اگر می‌خواهیم به سوی خدایی که او را به عنوان خالق هستی و دربردارنده همهٔ ویژگی‌ها و صفات خوب شناخته‌ایم، حرکت کنیم، باید علاوه بر شناخت او، قلب خود را نیز برای پذیرش وی آماده سازیم و از صمیم قلب به او ایمان آوریم.

اما قلب ما چگونه می‌تواند برای پذیرش خداوند، آماده شود و ایمان به خدا را در درون خود

جای دهد؟

راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا

قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام راه‌های رسیدن به ایمان را به ما نشان داده‌اند. این راه‌ها، ما را از مرحلهٔ شناخت خدا به مرحلهٔ ایمان واقعی می‌رساند و سبب تقویت و محکم شدن ایمان نیز می‌شود.



۱- تفکر پیرامون آیات

خدا در جهان آفرینش: آنچه در جهان است نشانه‌های زیبایی، علم، قدرت و رحمت خداست. توجه به این نشانه‌ها یاد خدا را در دل‌ها زنده می‌کند و لطف و رحمت او را به ما یادآور می‌شود و در نهایت بر دوستی و محبت ما به خدا می‌افزاید.

۲- یاد و ذکر خداوند:

حضور خداوند در خاطر ما در همه لحظات زندگی، در آغاز صبح، در طول روز و در هنگام کار و تحصیل و در انتهای شب، سبب افزایش ارتباط ما با خدا و تقویت ایمان به او می‌شود. یکی از حکمت‌های نمازهای پنج‌گانه، زنده نگاه‌داشتن یاد

خدا در تمام طول شبانه‌روز است. همچنین توصیه فراوان به قرائت قرآن در طول شبانه‌روز نیز برای تقویت ایمان در دل است، تا آنجا که خداوند گوش سپردن به آیات قرآن را یکی از عوامل افزایش ایمان برشمرده است.

همانا مؤمنان کسانی هستند

که وقتی یاد خدا شود، دل‌هایشان ترسان است

و چون آیات خدا بر آنها تلاوت شود

ایمانشان افزوده می‌گردد.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ

زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

کارهای روزانه، مشغله‌های مداوم، وسوسه‌های شیطان و خواهش‌های نفسانی، آدمی را از یاد خدا غافل می‌کند. برای زدودن غفلت‌های مداوم، تلاوت روزانه قرآن کریم توصیه شده است. داشتن برنامه‌ای روزانه برای خواندن آیات قرآن یکی از کارهای ثابت بزرگان و پیشوایان دین بوده است به گونه‌ای که

امام خمینی رحمه‌الله علیه در طول شبانه‌روز در هشت زمان مختلف به قرائت قرآن می‌پرداختند.

علاوه بر خواندن قرآن، به جا آوردن نماز در پنج زمان، هم حال غفلت را به حال ذکر و یاد خدا مبدل می‌کند و هم گناهان را می‌شوید.

پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید:

«تا زمانی که مؤمن بر نمازهای پنج‌گانه در وقت آن محافظت کند، شیطان پیوسته از او در هراس است»^۱.



مراجع عالیقدر از جمله رهبر کبیر انقلاب

اسلامی علاوه بر اینکه خود بر رعایت این موضوع مراقبت می‌کردند، همواره در رهنمودهای اخلاقی خود بر اقامه نماز اول وقت تأکید داشتند و می‌فرمودند: نمازهای پنج‌گانه را در پنج وقت بخوانید.

۳- انجام نیکی‌ها و دوری از گناهان: همان‌طور که ایمان به خداوند، عمل به دستورات او را به دنبال دارد، باید دانست که عمل به دستورات الهی نیز موجب تقویت ایمان می‌شود؛ یعنی میان این دو، رابطه دوسویه است و هر کدام دیگری را تقویت می‌کند. هر عمل نیکی، ایمان ما را قوی می‌کند و هر گناه، چون غباری صفحه دل را می‌پوشاند و به اندازه خود، مانع رسیدن نور ایمان به آن می‌گردد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

آنچه ایمان را در دل پایدار می‌کند، دوری از گناهان است.^۲*

۱- عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۸. ۲- خصال، ج ۱، ص ۹. * روایت حفظ شود.



امام علی علیه السلام می‌فرماید: هم‌نشینی با انسان‌های هوسران، موجب از یاد رفتن ایمان می‌شود.^۱
با توجه به این حدیث، بیان کنید دوستی با افراد فاسد چگونه موجب از بین رفتن ایمان می‌شود؟

بیشتر بدانیم

نشانه‌های انسان مؤمن

بسیاری از ما دوست داریم بدانیم که انسان‌های مؤمن چه ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دارند تا خودمان را با این ویژگی‌ها بسنجیم و در صورت نداشتن برخی از این صفات و ویژگی‌ها، آنها را در خود ایجاد کنیم.
خداوند در آیات ابتدایی سوره مؤمنون به توصیف ویژگی‌های انسان‌های مؤمن می‌پردازد و آنها را این‌گونه معرفی می‌کند:
بی‌تردید مؤمنان رستگار شدند، آنها که نمازشان را با خشوع و فروتنی در برابر خداوند می‌خوانند، و از کارهای لغو و بی‌فایده دوری می‌کنند، و زکات مالشان را می‌پردازند، و دامن خود را از آلوده شدن به گناه و بی‌عفتی حفظ می‌کنند،... امانت‌دارند و به عهد خود وفا می‌کنند و آنها که بر انجام به موقع نمازشان مراقبت می‌کنند، اینان وارث بهشت‌اند و در آن جاودانه خواهند ماند... .

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۵.

آثار ایمان

هنگامی که جوانه‌های ایمان در قلب ما پدیدار شود، تحولی شگرف در درون خود احساس خواهیم کرد که گویی، تولدی دوباره داشته‌ایم. قرآن کریم از این تولد دوباره چنین یاد می‌کند:

أَوْ مِنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ
وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا
يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ
كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ
لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا
یا آن کس که مرده بود و [با ایمان] زنده‌اش کردیم
و برای او نوری قرار دادیم
که به وسیله آن در میان مردم راه می‌رود،
همانند کسی است که در تاریکی است
و از آن بیرون شدنی نیست

انسان مؤمن، آثار ایمان را در جای جای زندگی خود مشاهده می‌کند. برخی از این آثار، عبارت‌اند از:

۱- آرامش: از اثرات مهم ایمان، دست یافتن به آرامش روحی است. این آرامش به دو دلیل است:
اول: خداوند دل و جان آدمی را به گونه‌ای آفریده که جز با یاد و نام او، آرام نمی‌گیرد. وقتی انسان در این دنیا به هریک از خواسته‌های دنیایی - که سال‌ها آرزویش را داشته - می‌رسد، پس از مدتی از آن دل‌زده می‌شود؛ زیرا هیچ خواسته‌ای نمی‌تواند جای خواسته واقعی قلب را، که همان رسیدن به خداست، بگیرد. از این‌روست که قرآن می‌فرماید:

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ^۱ آگاه باشید که دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد.*

دوم: کسی که به خدا ایمان دارد، مقصد و جایگاه نهایی خود را نه در دنیا که در نزد خدا جست‌وجو می‌کند و برای همین از ناملایمات دنیا، دچار اضطراب و ناراحتی نمی‌شود. او با توکل بر خدا و دل بستن به او از هرگونه یأس و اضطراب، رها می‌شود و در آرامشی که هدیه خدا به اوست روزگار خود را سپری می‌کند.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ^۲ اوست کسی که آرامش را به دل‌های مؤمنان، فرود می‌آورد.

۱- سوره انعام، آیه ۱۲۲. ۲- سوره رعد، آیه ۲۸. ۳- سوره فتح، آیه ۴. * آیه با ترجمه حفظ شود.

اما کسانی که هنوز در قلب و جانشان ایمان به خدا وارد نشده است جز دنیا و نعمت‌های آن، خواسته دیگری ندارند. چنین افرادی همیشه نگران از دست دادن داشته‌هایشان هستند و حسرت چیزی را می‌خورند که ندارند، برای همین هرگز روی آرامش نمی‌بینند. چنین افرادی در برابر سختی‌های زندگی، آرامش خود را از دست می‌دهند و گرفتار یأس و اضطراب می‌گردند.

۲- رهایی از احساس بیهودگی: احساس بیهودگی وقتی ایجاد می‌شود که کسی در زندگی خود هدف والا و ارزشمندی نداشته باشد؛ زیرا چیزی که به زندگی انسان معنا می‌دهد و آن را از پوچی و بیهودگی خارج می‌سازد، داشتن هدف متعالی و ارزشمند است.

کسانی که ایمان به خدا ندارند ناگزیر زندگی را در همین چند روز دنیا خلاصه می‌کنند و آن را فاقد معنا و هدف مشخصی می‌دانند. اینان ناگزیرند تا خودشان هدفی برای این زندگی بسازند و خود را مشغول آن هدف کنند.

برخی از این افراد هدف زندگی خود را رسیدن به پول و مقام و شهرت، قرار می‌دهند. دسته‌ای دیگر هدفی جز پرداختن به لذت‌های زودگذر دنیا را در نظر نمی‌گیرند و غرق در شهوات می‌گردند. گروهی هدف خود را تنها فخرفروشی به دیگران با ماشین و لباس و مد و ... قرار می‌دهند و مشخص است که این هدف‌ها به جای اینکه انسان را به مقصد و هدف اصلی خلقت برساند از آن دور می‌سازد. حال می‌توان این گروه را با گروه دیگری مقایسه کرد که هدف زندگی آنها برخاسته از اعتقاد به خداست. چنین افرادی معتقدند نه تنها انسان بلکه آفرینش همه چیز برای رسیدن به هدف مشخصی است و کاری که انسان باید انجام دهد این است که با کمک گرفتن از فرستادگان الهی، آن هدف را کشف کرده و برای رسیدن به آن بکوشد. این افراد هیچ‌گاه در زندگی احساس پوچی نمی‌کنند؛ زیرا می‌دانند که خدا از خلقت آنان هدفی داشته و در این جهان، به حال خود رها نشده‌اند.

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا
وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ^۱
آیا گمان کردید که ما شما را بیهوده و بی هدف آفریدیم
و به سوی ما باز نمی‌گردید؟

۱- سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.

۱- توضیح دهید چرا با اینکه از خوبی برخی کارها آگاه هستیم اما آن کارها را انجام نمی‌دهیم.

۲- دو مورد از راه‌های تقویت ایمان را بنویسید.

۳- به کسانی که معتقدند قلب انسان باید پاک باشد و ظاهر و عمل انسان ملاک نیست، چه پاسخی می‌دهید؟

۴- یکی از دلایلی که باعث می‌شود انسان مؤمن از آرامش برخوردار باشد را بیان کنید.

الهی

خدایا تو را دوست دارم
ومی خواهم تو را بیشتر و بیشتر دوست داشته باشم
پس به من ایمانی عطا کن که روز به روز مرا به تو نزدیک تر کند
ایمانی که پیمانش ملاقات تو باشد
خدایا قلبم بی قرار است
و افکارم پریشان
پس رشته زندگی ام را به دست های امن تو می سپارم
خدایا اگر نبود این دست کسری های پی در پی تو،
اگر نبود این دلسوزی های مداوم تو،
من تنها ترین بودم.

راهنماشناسی

فصل دوم

خداوند دانا و مهربان در مسیر زندگی، برای هدایت ما راهنمایان فراوانی قرار داده است. تاکنون با برخی از این راهنمایان و ویژگی‌های آنان آشنا شده‌ایم؛ در این کتاب با موضوعات دیگری در خصوص راهنمایان راه، آشنا می‌شویم:

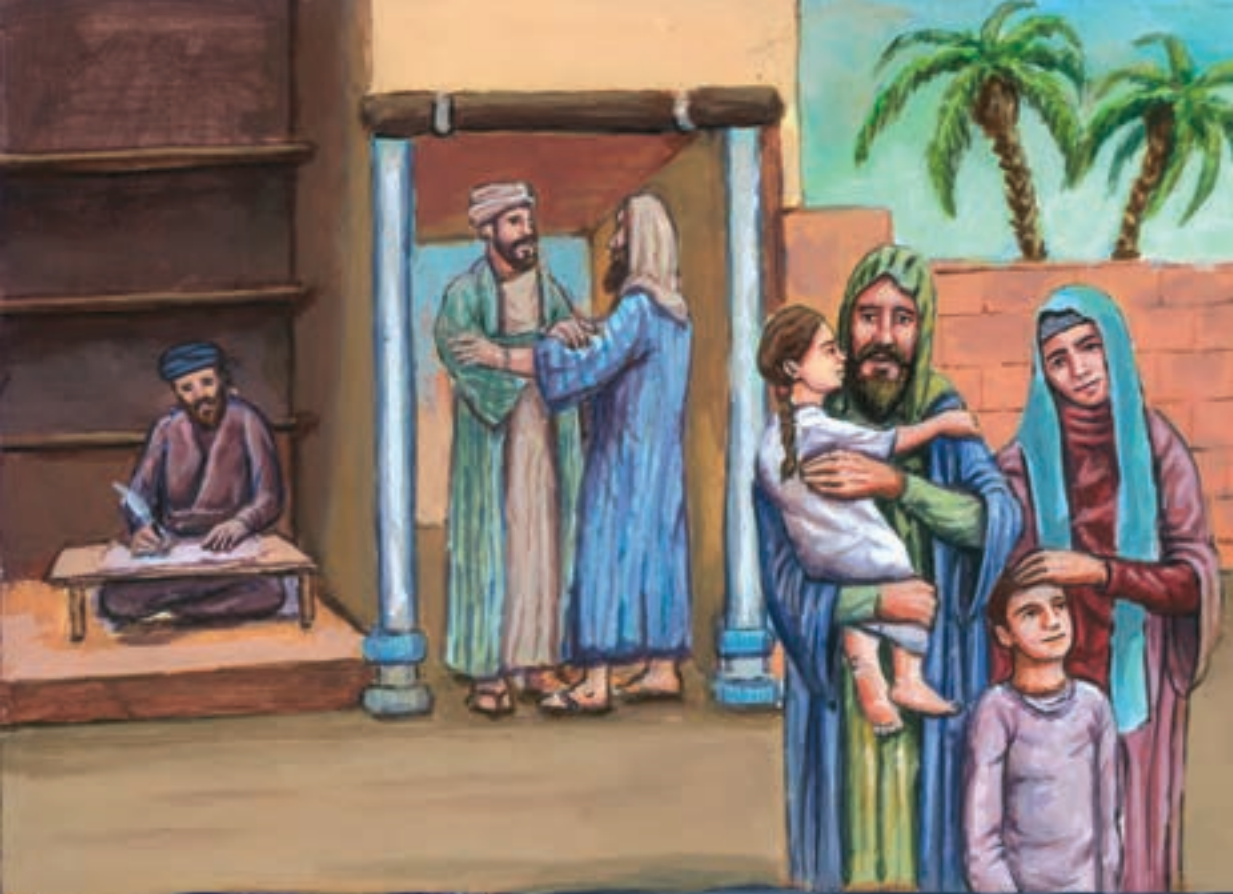
درس سوم (دین راستین) بیان می‌کند که دین چه نقش ارزشمندی در هدایت انسان دارد و خداوند چگونه با فرستادن پیامبران در طول تاریخ بشریت، انسان را از گمراهی و هلاکت نجات داده است.

درس چهارم (راهنمایان الهی) پیامبرانی را که وظیفه سنگین ابلاغ دین الهی را به عهده داشته‌اند، معرفی و به بخشی از ویژگی‌های آنها در راه انجام مأموریت الهی اشاره می‌کند همانند: استقامت در راه خدا، مبارزه با عقاید باطل و خرافات و تسلیم در برابر دستورات الهی.

درس پنجم (آخرین پیامبر و آخرین پیام) نقش و جایگاه پیامبر اکرم را به عنوان آخرین فرستاده الهی و قرآن کریم را به عنوان آخرین کتاب آسمانی بیان می‌کند. در این درس می‌آموزیم که ما چگونه می‌توانیم از آخرین کتاب الهی در زندگی خود بهره ببریم.

درس ششم (خورشید پنهان) ویژگی‌های دوران ظهور امام زمان علیه‌السلام را بیان می‌کند. همچنین سؤالات متعددی که درباره امام زمان و شرایط ظهور و ویژگی یاران ایشان وجود دارد، به بحث می‌گذارد و در پایان، شرایط منظر واقعی را بیان می‌کند.

درس هفتم (رهبری در عصر غیبت) وظیفه مردم در دوران غیبت امام زمان علیه‌السلام را بیان می‌کند. و به این پرسش پاسخ می‌دهد که در زمانی که مردم به امام دسترسی ندارند، در حل مشکلات خود به چه کسی مراجعه کنند و چه کسانی صلاحیت اداره جامعه را دارند. در این درس نقش امام خمینی رحمه‌الله علیه در بیدارگری مسلمانان در دوران غیبت نیز بیان می‌شود.



درس سوم

دین راستین

مقایسه کنید

مردم جامعه‌ای در دورانی

- در برابر ت‌هایی از سنگ و چوب سجده می‌کنند و آنان را در زندگی خود صاحب قدرت می‌دانند،
- غذاهای آنان مردار و هم‌نشین آنها مارها و سوسمارها هستند،
- داشتن دختر را ننگ می‌دانند و گاهی آنان را زنده به گور می‌کنند،
- به کوچک‌ترین بهانه‌ای جنگ‌ها و غارت‌های شدیدی میانشان در می‌گیرد، و
- در جهالت و نادانی به سر می‌برند و کمترین اثری از علم در زندگی‌شان وجود ندارد.

همین جامعه حدود بیست سال بعد

- فقط خالق یکتا را می‌پرستند و از فرمان‌های او اطاعت می‌کنند،
- از خوردن غذاهای ناپاک دوری می‌کنند،
- در شهرهای آبادتر و با آسایش بیشتر زندگی می‌کنند،
- زنان و دختران، جایگاه مناسب خود را می‌یابند و از حقوق فردی و اجتماعی بالایی برخوردار

می‌شوند،

- در این جامعه علم و دانش ارزش و مقام می‌یابد و ...

فعالیت کلاسی

به نظر شما علت به وجود آمدن این همه تغییر در زندگی مردم،
آن هم در مدت کوتاه بیست سال چیست؟

همه انسان‌ها در این دنیا در جستجوی رستگاری هستند و راه رسیدن به آن را می‌جویند. آنان چون تشنگان در جستجوی آب به این طرف و آن طرف می‌دوند؛ گاه درخشش زیبایی را چون یک دریاچه بزرگ مشاهده می‌کنند، به سرعت به سوی آن می‌شتابند، اما هنگامی که نزدیک می‌شوند چیزی نمی‌یابند، تازه می‌فهمند که در پی سراب دویده‌اند.

به راستی چه راه و برنامه‌ای می‌تواند تشنگی جویندگان سعادت را برطرف کند و آنان را در مسیر رسیدن به خوشبختی قرار دهد؟ آیا هر سبک زندگی می‌تواند سبب رستگاری جامعه بشری شود؟ آیا به هر برنامه‌ای می‌توان اعتماد کرد و بر اساس آن زندگی را بنا نهاد؟

رسیدن به سعادت و خوشبختی در گرو پاسخ قانع‌کننده به سؤالات بسیار مهمی است که ما انسان‌ها همواره در زندگی خود داریم، سؤالاتی همانند:

- هدف از خلقت ما انسان‌ها چیست؟
 - در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟
 - وظایف و مسئولیت‌های ما در این جهان چیست؟
 - آیا غیر از زندگی این دنیا، زندگی دیگری نیز خواهیم داشت؟
 - ویژگی‌های دنیای دیگر چیست؟ چه ارتباطی میان این دنیا و دنیای دیگر وجود دارد؟
 - چه کسی می‌تواند به همه این پرسش‌ها، جواب دقیق و قابل اعتماد بدهد؟
- در مثال ابتدای درس، مردمی که به آن همه مشکلات و عقب‌ماندگی‌ها دچار شده بودند، به گونه‌ای به این سؤالات پاسخ داده و شیوه خاصی از زندگی را برای خود انتخاب کرده بودند و بیست سال بعد که آن‌گونه متحول شدند، پاسخ‌های جدیدی برای آن سؤالات یافته بودند.



آیا انسان‌ها به تنهایی یا با اتکا به علم و دانش تجربی می‌توانند پاسخ سؤالات اساسی فوق را بیابند؟ چرا؟

خداوند خالق انسان و آگاه به تمامی استعدادها، روحیات، نیازها و آرزوهای اوست. او به دلیل این آگاهی، تنها کسی است که می‌تواند بهترین و کامل‌ترین پاسخ‌ها را به سؤالات و نیازهای انسان بدهد. با توجه به اینکه بهترین پاسخ‌ها به پرسش‌های اساسی انسان توسط خالق هستی ارائه شده است،

پس راه رسیدن به خوشبختی و سعادت، یک راه بیشتر نیست و با قرار گرفتن در این راه است که انسان به رستگاری دنیا و آخرت دست می‌یابد:

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ^۱ آگاه باشید که دین خالص تنها از آن خداست

این دین را خداوندی که خالق جهان و انسان است، و خداوندی که عالم به عوامل سعادت و شقاوت انسان می‌باشد، فرستاده است. پیامبران وظیفه داشتند دین الهی یا همان برنامه زندگی مادی و معنوی انسان‌ها را - که از طریق وحی به آنها رسیده بود - به مردم ابلاغ نمایند.



با توجه به آیه زیر، اگر خداوند پیامبران را برای هدایت انسان نمی‌فرستاد، چه اتفاقی می‌افتاد؟

خداوند بر مؤمنان منت نهاد [نعمت بزرگی بخشید]
که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت
تا آیاتش را بر آنها بخواند و پاکشان سازد
و احکام شریعت و حقایق حکمت را به آنان بیاموزد؛
و این کانوا من قبل لَفی ضلالٍ مُّبینٍ^۲ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ
يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ^۲

دین و احد، پیامبران متعدد

نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، لوط، یعقوب، یوسف، الیاس، ایوب، یونس، صالح، شعیب، موسی، عیسی و سایر پیامبران همگی، مردم را به یک دین دعوت می‌کردند. حضرت موسی به همان چیزی دعوت می‌کرد که حضرت نوح دعوت کرده بود و حضرت عیسی نیز به همان چیزی دعوت می‌کرد که پیامبران پیشین دعوت کرده بودند.

۲- سورة آل عمران، آیه ۱۶۴.

۱- سورة زمر، آیه ۳.

در مأموریت همه پیامبران، دو موضوع اساسی مشترک است :
نخست : دعوت به پرستش خدای یگانه (توحید)

دوم : دعوت به ایمان به جهان پس از این دنیا و جزای عادلانه انسان‌ها در آن سرا (معاد)
همه پیامبران با آوردن دلیل، ارائه معجزات و تشویق انسان‌ها به تفکر در شگفتی‌های خلقت، آنها را به ایمان به این دو اصل، دعوت می‌کردند. انسان‌ها به گونه‌ای خلق شده‌اند که خدادوست و خداجو هستند. پیامبران فطرت انسان‌ها را بیدار می‌ساختند تا خدا را به یگانگی بشناسند و بیرستند و نشانه‌های عظمت و آثار قدرت او را در هر گوشه جهان، مشاهده نمایند. به این ترتیب، همه می‌توانستند به هدف آفرینش انسان پی ببرند و از جهان بعد از مرگ - جهان آخرت - آگاه شوند و به سعادت و یا شقاوت خویش در آینده، بیندیشند.

در درس پیشین دانستیم که نوع اخلاق و رفتار هر کسی برخاسته از شناخت و ایمان اوست، شناخت درست و ایمان به آن، عمل صالح به بار می‌آورد و شکوفه‌های زیبای نیکوکاری می‌دهد و شناخت نادرست، تباهی و ستمگری نتیجه می‌دهد. به همین دلیل پیامبران، ابتدا شناخت را - که زیربنای رفتار است - اصلاح می‌کردند، سپس احکام و قوانین الهی را بیان می‌کردند و از این طریق به خیر و صلاح دعوت می‌نمودند. پیامبران، ایمان به خدا و روز جزا را در دل مردم تقویت می‌کردند، تا مردم جز برای خدا نکوشند و جز اطاعت او را برنامه کار خویش قرار ندهند.

پیامبران، سعادت انسان‌ها را در ایمان به خدای یگانه می‌دانند و از انسان‌ها می‌خواهند که اعمال خود را در مسیر رضای خدا و نزدیکی به او قرار دهند، برای خدا در آبادی جهان بکوشند، برای خدا به خلق خدمت کنند و سود برسانند، برای خدا با ستمکاران نبرد کنند، برای خدا عدل و داد را گسترش دهند و به یاری محرومین و مستضعفین بشتابند و حتی خواب و خوراکشان را نیز به خاطر او و برای رضای او قرار دهند و هرگز کسی جز او را نپرستند و ... و این چنین، رستگار خواهند شد.

دین‌دانی و دین‌داری

ممکن است این سؤال برای برخی به وجود آید که چرا در میان پیروان دین راستین، جوامعی وجود دارد که نه تنها به سمت رشد و پیشرفت نمی‌روند بلکه به انواع گرفتاری‌ها و مشکلات دچار هستند؟ اگر دین آمده است تا با پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای اساسی انسان‌ها، آنها را از مشکلات و تنگناها نجات دهد، چرا برخی جوامع دینی، گرفتار چنین مشکلاتی هستند؟

اولین علت بروز این مسئله، جهل بسیاری از مردم نسبت به دستورها و تعالیم دین است. آنان با اینکه ادعا می‌کنند دین‌دار هستند، ولی از دستورهای دین اطلاع کامل و درستی ندارند و به جای آنکه در پی مطالعه و یادگیری معارف دین باشند به آنچه از این و آن شنیده‌اند بسنده می‌کنند. آنان نه می‌دانند که اصول دینشان چیست و بر چه پایه‌هایی استوار است و نه از احکام و قوانین دینشان که در زندگی روزمره باید به آن عمل کنند، خبر دارند. این‌گونه جوامع شاید به ظاهر دینی باشند اما در واقع بهره‌ای از تعالیم نجات‌بخش دین نبرده‌اند.

دومین علت، عمل نکردن مردم به دستورهای دین است. برخی از مردم با وجود آگاهی از تعالیم دین و با اینکه می‌دانند که نجات آنها در عمل به این تعالیم است اما به دلیل دل بستن به هوس‌های روزگدر، به آن عمل نمی‌کنند و پایبند به دستورهایش نیستند.

بنابراین اگر می‌خواهیم تأثیر بی‌ظنیر دین را در زندگی و جامعه خود مشاهده کنیم، باید مطالعه و شناخت تعالیم دین و سپس اطاعت از دستورهای آن را سرلوحه کار خود قرار دهیم. البته در این راه باید سعی کنیم به تمام احکام شریعت عمل کنیم، نه اینکه به برخی موارد عمل کرده و برخی دیگر را کنار بگذاریم. عمل به تمامی دستورهای دین را می‌توان در سیره پیشوایان دینی مشاهده کرد:

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

از اصحاب حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله آنان که حافظان دین و رازداران او

هستند، می‌دانند که هرگز از فرمان خدا و پیامبرش لحظه‌ای سر برنرفته‌ام.^۱

دفاع از دین

پس از اینکه دین را به عنوان راه و روش صحیح زندگی شناختیم، شایسته است از آن پاسداری کنیم. پاسداری از دین می‌تواند هم به صورت دفاع در صحنه نبرد با دشمنان اسلام باشد و هم به صورت دفاع علمی.

در طول تاریخ همواره کسانی در تلاش بوده‌اند دین را از مسیر اصلی آن خارج سازند و آن را مطابق خواسته‌های دنیایی خود تعریف کنند. وظیفه ما به عنوان انسان دین‌دار این است که از دین راستین دفاع کنیم و در این راه حتی از جان خود نیز بگذریم.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷.



یکی از کسانی که در عصر ما زندگی خود را در راه عمل به دین و دفاع از آن فدا کرد، شهید مطهری بود. استاد شهید مطهری بر اساس وظیفه دینی به شبهاتی که درباره موضوعات دینی مطرح می‌شد پاسخ می‌داد و با انحرافات که در دین ایجاد می‌شد، مقابله می‌کرد. در زمان شهید مطهری یکی از گروه‌هایی که عقاید انحرافی پیدا کرده بود گروه فرقان^۱ بود. استاد مطهری، متوجه انحرافات فکری و اعتقادی این گروه شد و به مناسبت‌های مختلف، این اشتباهات را تذکر می‌داد. در این راه سخنرانی‌ها کرد و مطالب فراوانی نوشت و عقاید آنها را نقد کرد.

۱- این گروه انحرافی افراد دیگری همانند شهید مفتاح، شهید عراقی و شهید قرنی را نیز ترور کردند.

به دنبال این کارها گروه فرقان به شهید مطهری هشدار داد که با او مقابله خواهد کرد و او را تهدید به قتل کردند. وقتی دوستان استاد مطهری موضوع را با ایشان در میان گذاشتند، وی با شجاعت و شهامت کامل گفت:

«اگر قرار باشد انسان از دنیا برود، چه بهتر که در راه اصلاح عقاید و دفاع از اسلام باشد و من در این راه، کوچک‌ترین تردیدی ندارم.»

و سرانجام گروه فرقان آن دانشمند فرزانه و انقلابی را در شب دوازدهم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ هدف گلوله قرار داد و به شهادت رساند؛

همان روزی که هر سال به نام «روز معلم» گرامی داشته می‌شود.

بیشتر بدانیم

مقاومت هشت‌ساله جوانان مؤمن کشور عزیزمان ایران، در برابر ارتش صدام، نمونه‌ای روشن از این مسئولیت مهم است. نوشته ذیل قسمتی از وصیت‌نامه یکی از شهیدان دفاع مقدس است که مانند صدها هزار شهید دیگر، جان پاکش را برای دفاع از دین خدا فدا کرد: ... من به خاطر این به جبهه آمدم که می‌دیدم قرآن در خطر است؛ اسلام در خطر است. چون مسلمان بودم و باید از اسلام و میهنم دفاع می‌کردم. در طول تاریخ برای پابرجا ماندن دین اسلام، قربانیان زیادی داده شده است؛ مانند امام حسین علیه‌السلام و اصحابش



و نیز مانند شهدای ما در جبهه. پس بر من واجب بود تا از آن دفاع کنم. اسلامی که با سختی‌های بسیار نگه داشته شده و مسلمانان برای دفاع از آن استقامت کردند. بر من واجب بود از آن دفاع کنم....



خودت را امتحان کن

- ۱- سه مورد از سؤالات اساسی انسان‌ها را بیان کنید.
- ۲- تنها کسی که صلاحیت ارائه دین به انسان‌ها را دارد چه کسی است؟ چرا؟
- ۳- دعوت به و دعوت به دو اصل اساسی است که همه پیامبران مأمور به انجام آن بوده‌اند.
- ۴- دو علت اصلی که موجب شده است برخی جوامع به ظاهر دین‌دار دچار چالش‌ها و مشکلات فراوان باشند را توضیح دهید.

الهی

مناجات

خداوندا، تو را سپاس که دین اسلام را بنا نهادی
و قوانینش را برای کسی که داخل آن شود، آسان نمودی.
تو را سپاس که این دین را پناهگاه امنی برای پناه بردگان و مایه آرامش برای
داخل شوندگانش قرار دادی،
دینی که هر کس به آن عمل کند، آرامش یابد و پایان رایش، بهشت جاوید است.
خدایا، به ما توفیق ده تا آنچه را دین تو بداندست، بد بدانیم
و آنچه را که بی ارزش شمرده، پست و ناخیر شماریم.^۱





درس چهارم

راهنمایان الهی

سعی کنید با خط زیبا این بیت شعر را بنویسید.

به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی
.....

حالا به این سرمشق نگاه کنید و سعی کنید مانند آن بنویسید.

به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی
.....

به نوشته‌هایتان نگاه کنید. به نوشته‌ای که قبل از سرمشق نوشته‌اید و به نوشته‌ای که بعد از

سرمشق نوشته‌اید. به نظر شما کدام یک زیباتر است؟ می‌دانید چرا؟

در درس قبل دانستیم که خداوند بهترین دین را برای هدایت انسان فرستاده است و دین الهی توسط انسان‌های شایسته‌ای به نام «پیام‌آور» یا «رسول»، به انسان‌ها ابلاغ شده است. پیامبران دارای ویژگی‌هایی بوده‌اند که شایسته دریافت و ابلاغ پیام خداوند به انسان‌ها گشته‌اند. آنان بهترین انسان‌های زمان خود بوده‌اند. به همین دلیل خداوند پیامبران را الگوهای انسان‌ها در تمامی زمان‌ها معرفی کرده است. بنابراین اگر کسی می‌خواهد جزو بهترین‌های زمان خود باشد و بتواند در همان مسیری که خداوند از انسان خواسته است گام بردارد، شایسته است پیامبران را در زندگی خود سرمشق قرار دهد و لازمه سرمشق قرار دادن، آشنا شدن با ویژگی‌های پیامبران است. در این درس با سه ویژگی مهم پیامبران آشنا می‌شویم:

۱- تسلیم در برابر امر خداوند

وقتی کسی می‌خواهد شخصی را برای انجام کاری بفرستد، معمولاً سعی می‌کند فردی را انتخاب کند که کاملاً مطیع او باشد، و به دستوراتی که می‌دهد به صورت کامل عمل کند. در این صورت است که انجام کامل و دقیق کار، تضمین می‌شود. وقتی انسان‌ها در امور عادی‌شان این تدبیر را به کار می‌بندند، قطعاً خداوند حکیم در امر بزرگ هدایت انسان‌ها، کسانی را به عنوان پیام‌آور خود انتخاب می‌کند که در برابر دستوراتش مطیع و تسلیم باشند؛ بنابراین همه پیامبران الهی مسلمان بوده‌اند؛ یعنی تسلیم محض خواسته‌های خداوند. این ویژگی پیامبران را در مواردی که قرآن کریم از پیامبران یاد کرده است، به خوبی می‌توان دید:

خداوند به حضرت ابراهیم دستور داد زن و فرزند کوچک خود را در سرزمین مکه که در آن زمان سرزمینی بدون آب و آبادانی بود و امکانی برای زندگی نداشت سکونت دهد. حضرت ابراهیم با اطمینان خاطر به دستور خداوند عمل کرد.

خداوند به حضرت موسی دستور داد نزد فرعون برود و از او بخواهد بنی‌اسرائیل را آزاد کند. با اینکه موسی از خشم فرعون و قومش نسبت به خود آگاه بود و احتمال هرگونه خطری را برای خود می‌داد، به این مأموریت عمل کرد و وارد قصر فرعون شد و علاوه بر دعوت او به یکتاپرستی، خواستار آزادی بنی‌اسرائیل شد.^۱

حضرت ایوب که می‌دید تمامی مشکلات و سختی‌هایی که در زندگی برایش پیش می‌آید به خواست خداوند و برای امتحان کردن اوست، در برابر تمامی آنها صبر کرد و در برابر خواست خداوند تسلیم شد.^۲

۲- سوره انبیاء، آیات ۸۳-۸۴.

۱- سوره شعراء، آیات ۱۰-۶۸.



به نظر شما، ما به عنوان یک مسلمان چگونه می‌توانیم در زندگی خود، تسلیم در برابر امر خدا باشیم. درباره این موضوع با هم کلاسی‌هایتان گفتگو کنید.

۲- استقامت و پایداری در راه خدا

مردم پس از دریافت دین خداوند از پیامبران، دو گروه می‌شدند؛ گروهی دعوت پیامبران را می‌پذیرفتند و با عمل به تعالیم آنان، نه تنها خود را از مشکلات متعدد - که به دست خود انسان‌ها به وجود آمده بود - نجات می‌دادند بلکه رستگاری ابدی را نیز نصیب خود می‌کردند. گروه دیگری به لذت‌های زودگذر دنیا دل‌خوش می‌کردند و با این تصور که با پذیرش دین، دنیای آنها به خطر می‌افتد، زندگی ابدی خود را نابود می‌کردند؛ غافل از اینکه دین الهی رستگاری دنیا و آخرت را برای انسان با هم به ارمغان می‌آورد :

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا
فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا^۱
هر کس نعمت و پاداش دنیا را می‌خواهد
بداند که نعمت و پاداش دنیا و آخرت هر دو نزد خداست
و خداوند شنوا و بیناست

گروه دوم با سرکشی در مقابل پیامبران، آنان را دروغگو می‌نامیدند تا مردم پیرو آنان نشوند و اگر در نقشه خود موفق نمی‌شدند، به قتل پیامبران دست می‌زدند. خداوند رفتار این افراد با پیامبران را چنین توصیف می‌کند :

أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ
بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ
إِسْتَكْبَرْتُمْ
فَفَرِّقُوا كَدِّبْتُمْ
وَفَرِّقًا تَقْتُلُونَ^۲
بس چرا هرگاه پیامبری چیزی را
که خوشایند شما نبود برایتان آورد
سرکشی کردید
بس گروهی را منکر شدید
و گروهی را کشتید

۱- سورة نساء، آیه ۸۷.

۲- سورة نساء، آیه ۱۳۴.

پیامبران الهی با وجود این مشکلات در برابر تمامی آنها صبر و در راه خدا استقامت می‌کردند، با تمام توان و قدرت به راه خود ادامه می‌دادند و لحظه‌ای سست نمی‌شدند؛ زیرا به راه خود و آنچه به آن دعوت می‌کردند ایمان داشتند. تمام پیامبران الهی الگوی استقامت در راه خدا بودند. در این باره باز هم قرآن سیره و روش پیامبران را چنین توصیف کرده است:

حضرت نوح مردم زمان خود را نهصد و پنجاه سال به یکتاپرستی دعوت کرد ولی در این مدت، تنها تعداد بسیار اندکی ایمان آوردند. آنان بارها نوح را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند، مسخره می‌کردند، تهدید به قتل می‌کردند و . . . تا اینکه خداوند به نوح دستور ساخت کشتی را داد و خبر داد که دیگر از قوم وی کسی ایمان نخواهد آورد. حضرت نوح به دستور خداوند شروع به ساختن کشتی کرد. در این مدت هرگاه که کافران از کنار او می‌گذشتند مسخره‌اش می‌کردند و می‌گفتند چرا در بیابان کشتی می‌سازی؟ نکند دیوانه شده‌ای؟! ولی چون نوح به خداوند ایمان داشت و می‌دانست وعده الهی حق است، استقامت کرد و ساختن کشتی را متوقف نکرد.^۱

۱- سوره هود، آیه ۳۹.



— حضرت ابراهیم بارها عمومی خود آزر را به یکتاپرستی دعوت می‌کرد و او را به ترک پرستش بتها فرامی‌خواند. آزر هر بار او را با سخنانش می‌آزرد و از خود دور می‌کرد، اما او دست از دعوت خود برنمی‌داشت.^۱ حضرت ابراهیم نه تنها مردم عادی، بلکه نمرود — طاغوت زمانه که ادعای خدایی می‌کرد — را در کاخش با شجاعت و استدلال‌های محکم به چالش کشید و به یکتاپرستی دعوت کرد^۲ و از تهدیدهایش نهراسید و در برابر آزار وی از قبیل انداختن در آتش و تبعید از وطن ذره‌ای دچار تردید نشد، و دست از راهی که در پیش گرفته بود برنداشت تا اینکه عده‌ای از مردم به یکتاپرستی روی آوردند.

۱ — سورهٔ مریم، آیهٔ ۴۲. ۲ — سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۸.



پایداری فراوان پیامبران، ناشی از این بود که آنان اطمینان داشتند که استقامت، کلید دست یافتن

به وعده‌های بزرگ الهی است؛ همچنان که خداوند می‌فرماید :

آنان که گفتند : پروردگار ما الله است

سپس [در این راه] پایدار ماندند،

فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند

که ترسید و غمگین مباشید

و به بهشتی که وعده داده شده بودید شاد شوید.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ

ثُمَّ اسْتَقَامُوا

تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ

أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا

وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ^۱



عبارات زیر مربوط به کدام یک از رسولان الهی است؟ ضمن بیان داستان هریک از آنها، ارتباطشان را با موضوع درس بیان کنید.

۱- شعب ابوطالب :

.....
.....

۲- لیلۃ المبیت :

.....
.....

۳- جنگ احد :

.....
.....

۱- سورة فضلت، آیه ۳۰.

۳- پیروی نکردن از عقاید باطل و مبارزه با آنها

پیش از این دانستیم که دعوت مردم به یکتاپرستی، مهم‌ترین رسالت تمام پیامبران بوده است. مردم دوران پیامبران، برای خداوند شریکانی قرارداده بودند؛ بت‌هایی از سنگ و چوب، فرشتگان و اجرام آسمانی (ستاره، ماه، خورشید و ...) از جمله این شریکان بودند.

مردم معتقد بودند که خیر و شر دنیایشان وابسته به آنهاست و به همین دلیل آنها را می‌پرستیدند. برخی از مردم زمان حضرت ابراهیم ستاره و خورشید و ماه را می‌پرستیدند و معتقد بودند اینها اثر خوبی در زندگی آنها دارند و برای خیر و برکت یافتن زندگی باید در برابر ستاره و خورشید و ماه سجده کرد. بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی گوساله‌ای را از طلا و جواهرات ساختند و با این تصور که این گوساله منشأ خوبی و ثروت است به دور او طواف می‌کردند.

مردم زمان پیامبر اکرم در برابر بت‌های ساخته شده از سنگ و چوب سجده می‌کردند و می‌گفتند اینها به ما خیر و برکت می‌دهند. این درحالی بود که برای این عقیده خود دلیلی جز پیروی از آباء و اجدادشان نداشتند.

پیامبران الهی نه تنها خود به این امور اعتقاد نداشتند و آنها را باطل و خرافه می‌دانستند بلکه از طرف خدا مأموریت یافته بودند هر اعتقادی که ریشه در دستورات خداوند ندارد و نزد خداوند معتبر نیست را به مردم تذکر دهند و در راه اصلاح آن بکوشند.

رسولان الهی با آوردن دلایل محکم، مشرکین را به اندیشه‌ورزی و تفکر دعوت می‌کردند و از آنها می‌خواستند که به جای پیروی از خرافات، از دستورات خداوند اطاعت کنند. حضرت ابراهیم علیه السلام در دعوت عمویش آزر می‌گوید:

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ ۖ

هنگامی که به پدر خود گفتم: ای پدر!

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ ۚ

چرا چیزی می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند،

وَلَا يُعْنِي عَنْكَ شَيْئًا ۗ

و نه هیچ مشکلی را از تو حل می‌کند؟!

يَا أَبَتِ

ای پدر!

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ

دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است

فَأَتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ۗ

بنابراین از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم!



در آیات زیر مشرکان به خاطر چه کارهایی سرزنش شده‌اند و از آنها خواسته شده که آنها را ترک کنند؟

وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنَّهُمْ غَيْرُ مِنْ دُونِ اللَّهِ
مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا
وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ
و چیزهایی را می‌پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است،
و چیزهایی را می‌پرستند که علم و آگاهی به آن ندارند!

فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِي مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ
چرا درباره آنچه آگاه نیستید،
گفتگو می‌کنید؟!

وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۱
در حالی که خدا می‌داند، و شما
نمی‌دانید.

وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَ بَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ^۲
آنان برای خدا، بدون آگاهی،
پسران و دخترانی ساختند.

زمانی که پیامبران الهی با عقاید باطل و خرافی قوم خود مبارزه می‌کردند، مخالفان که پاسخ قانع‌کننده‌ای برای رد نظر پیامبران و دور کردن مردم از آنها نداشتند، از عقیده باطل دیگری استفاده می‌کردند. آنها به پیامبران می‌گفتند شما برای ما بدشمنی می‌آورید! پیامبران نیز در جواب می‌گفتند اگر بلایی سر شما می‌آید نتیجه کارهای خودتان است.^۳

به‌عنوان مثال وقتی به قوم بنی‌اسرائیل خیری می‌رسید می‌گفتند این نتیجه زحمات خودمان است ولی وقتی اتفاق بدی برایشان می‌افتاد می‌گفتند این به خاطر موسی است که برای ما بدشمنی می‌آورد. خداوند در جواب آنها فرمود: این بلاهایی که بر سر شما می‌آید از خودتان است و ارتباطی

۲- سوره آل‌عمران، آیه ۶۶.

۱- سوره حج، آیه ۷۱.

۴- سوره بقره، آیات ۱۸-۱۹.

۳- سوره انعام، آیه ۱۰۰.

با پیامبر ندارد.^۱

وقتی حضرت صالح قوم ثمود را به یکتاپرستی دعوت می کرد و آنان را از انجام گناه نهی می کرد، در جوابش می گفتند تو و همراهانت همواره برای ما بدشانسی می آورید. صالح در جواب می گفت: این بلاهایی که بر سر شما می آید به خاطر کارهایتان است.^۲

البته عقاید باطل و خرافی منحصر به زمان پیامبران نبوده است. امروزه در کشورهای مختلف عقاید خرافی بسیار فراوانی وجود دارد:

– عدد ۱۳ نحس است.

– به تخته زدن بدشانسی را از انسان دور می کند.

– اگر گربه سیاه سر راه کسی باشد بدشانسی

می آورد.

– اگر سگسکه کنی یعنی کسی به فکر است.

– اگر چشمت بخارد یعنی کسی به تو حسادت

می کند.

و هزاران مورد دیگر که در فرهنگ های مختلف

وجود دارد.

اعتقاد به این امور موجب شده است برخی از مردم

در انجام کارهایشان به کسانی مراجعه کنند که ادعا دارند از

آینده خبر دارند و می توانند از اتفاقات خوب و بدی که ممکن

است برای افراد رخ دهد، خبر دهند و یا از روی دادن آنها

جلوگیری کنند. امروزه این افراد در شکل های مختلفی از

قبیل فال گیر (فال قهوه،...)، کف بین (ادعای بیان آینده با نگاه

کردن به کف دست)، رمال (ادعای پیشگویی آینده با استفاده

از رمل و اسطرلاب) و... مردم را فریب می دهند و موجب

از هم پائین شدن خانواده های فراوان و یا از دست رفتن

اموال و آبرویشان می شوند.



۲- سوره نمل، آیات ۴۵-۴۷.

۱- سوره اعراف، آیه ۱۳۱.



در منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید چه خرافه‌هایی وجود دارد؟
به نظر شما چرا مردم به دنبال این امور می‌روند؟

خودت را امتحان کن

- ۱- یک نمونه از موارد تسلیم پیامبران الهی در برابر دستورات خداوند را بیان کنید.
- ۲- چرا پیامبران الهی در راه انجام دستورات خداوند استقامت فراوانی می‌کردند؟
- ۳- سه مورد از ویژگی‌های اصلی پیامبران را نام ببرید.

پیشنهاد

وقتی بخواهیم از کسی یاد کنیم معمولاً به لقبی از او اشاره می‌کنیم که بالاترین و بهترین لقب اوست. به این عبارت که ما در تشهد نمازهای خود می‌گوییم توجه کنید.
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ، وَرَسُولُهُ
در باره اینکه چرا از پیامبر اکرم ابتدا با لقب عبد و بعد با لقب رسول یاد می‌شود تحقیق کنید و در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایتان بخوانید.

الهی

خدایا بر پیامبرانت درود فرست
آنان که برای دین تو سختی کشیدند
و با زور کویان و ظالمان پیکار کردند تا دین تو را زنده نگه دارند
خدایا ما را پیرو راه آنان قرار بده
و کمک کن تا همچون آنان تسلیم فرمان تو باشیم
و از عقاید باطل پیروی نکنیم
خدایا پیامبران را به پاداش رنجی که در راه دین تو کشیدند به عالی ترین
جایگاه بهشت ببر.



درس پنجم

آخرین پیامبر و آخرین پیام

کاروان بشریت

زندگی انسان‌ها از ابتدای آفرینش تا کنون همانند کاروانی است که همواره در حال حرکت بوده و حرکت آن تا روز قیامت نیز ادامه خواهد داشت. این کاروان همچون هر کاروان دیگری نیاز به راهنما دارد. حضرت آدم، اولین راهنما بود و بعد از او نیز راهنمایان بسیاری فرستاده شد تا مسیر سعادت را به این کاروان نشان دهد و از حرکت در مسیر گمراهی باز دارد. فرستادن پیامبران متعدد از سوی خداوند ادامه یافت، تا اینکه خداوند آخرین پیامبر خود را نیز فرستاد:

یکی خط است از اوّل تا به آخر	بر او خلق خدا جمله مسافر
در این ره انبیا چون ساربان‌اند	دلیل و رهنمای کاروان‌اند
وزیشان سید ما گشته سالار	هم او اوّل هم او آخر در این کار
بر او ختم آمده پایان این راه	بدو مُنزَل شده «أدعوا الى الله»
شده او پیش و دل‌ها جمله در پی	گرفته دست جان‌ها دامن وی ^۲

فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا خداوند با پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه وآله
به کار ارسال راهنما برای کاروان بشریت پایان داد؟

۱- سوره یوسف، آیه ۸۰.

۲- شبستری، گلشن راز.

آخرین پیامبر

پیامبران یکی پس از دیگری برای هدایت مردم فرستاده می‌شدند. هر پیامبری که می‌آمد مردم را به ایمان به خداوند و روز قیامت، و انجام عمل صالح دعوت می‌کرد. اما با رحلت آن پیامبر، عده‌ای که همواره به دنبال ایجاد انحراف در دین خدا برای رسیدن به خواسته‌های دنیوی خود بودند، مردم را از دین الهی منحرف می‌کردند. مردم نیز به علت اینکه ارزش این تعالیم را به خوبی نمی‌دانستند، و امکانات کافی نیز برای حفظ آن در دست نداشتند، تعالیم آن پیامبر را پس از مدتی فراموش و یا دگرگون می‌کردند. این کار باعث می‌شد نسل‌های بعدی به دین حقیقی دسترسی نداشته باشند و نتوانند راه رشد و سعادت را بیابند. به همین دلیل بعد از مدتی خداوند پیامبر دیگری می‌فرستاد و تحریف‌های ایجاد شده در دین پیامبر سابق را اصلاح می‌کرد و این سرگذشت برای هر پیامبری تکرار می‌شد.

هر پیامبری که می‌آمد، در عین حال که دین صحیح را به مردم عرضه می‌کرد، و عده‌آمدن حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را با دادن نشانه‌های شخصیتی، زمان و حتی مکان ظهور به مردم می‌داد؛ یهودیان و مسیحیان – همان‌طور که در کتاب‌های مقدس آنان آمده بود – منتظر ظهور پیامبر آخرالزمان بودند. آن‌قدر نشانه‌های پیامبر اکرم در کتاب‌های یهودیان و مسیحیان فراوان بود که قرآن کریم می‌فرماید آنان حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را همانند فرزند خود به خوبی می‌شناسند^۱. انتظار آمدن آخرین پیامبر با آمدن پیامبر اکرم به پایان رسید :

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛
بلکه فرستاده خدا
و خاتم پیامبران است.

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ
وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ
وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ^۲

پیامبر اکرم خاتم پیامبران است؛ یعنی با آمدن ایشان سلسله ارسال انبیا پایان یافت و بعد از ایشان خداوند دیگر کسی را به عنوان پیامبر برای مردم نخواهد فرستاد و هر کسی بعد از ایشان چنین ادعایی کند، قطعاً دروغ‌گوست.

خداوند با آخرین پیامبر، راه تمامی پیامبران را – که به مرور زمان کم‌رنگ و یا تحریف شده بود – بار دیگر روشن ساخت؛ تمامی انحرافات که در ادیان پیشین ایجاد شده بود را تصحیح کرد و صراط مستقیم خود را آشکارا به مردم نشان داد. بدین‌سان خداوند با آخرین پیامبر، کامل‌ترین دین را برای هدایت همه انسان‌ها تا روز قیامت فرستاد.

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۶؛ سوره انعام، آیه ۲۰ . ۲- سوره احزاب، آیه ۴۰ .

حضرت محمد صلی الله علیه و آله همه ویژگی‌های مثبت اخلاقی تمامی پیامبران سابق را دارا بود. از نظر معنوی بالاترین درجه رشد را نزد خداوند داشت و دینی که آورد کامل‌ترین دین فرستاده شده از سوی خداوند است. در کنار این خصوصیات، مردم زمان پیامبر اکرم نیز به این توان رسیده بودند که وحی الهی را از پیامبر دریافت و درک کنند؛ با ابزارهای مناسبی که در دست داشتند، به خوبی از آن مراقبت کنند تا همانند تعالیم پیامبران گذشته تحریف و یا نابود نشود و گفته‌های پیامبر اکرم و قرآن کریم را به گونه‌ای محافظت کنند که بدون هیچ گونه تغییری به دست آیندگان برسد. همان‌طور که هم‌اکنون تمامی این تعالیم وجود دارد و هر کسی بخواهد در صراط مستقیم الهی قرار گیرد، می‌تواند این کار را انجام دهد. وجود این ویژگی‌هاست که موجب شد خداوند ایشان را آخرین پیامبر و دین ایشان را آخرین دین قرار دهد و بعد از ایشان دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نباشد.





بر اساس این شعر، جایگاه پیامبر اکرم و دین اسلام را در میان سایر پیامبران و ادیان گذشته توضیح دهید :

چون که صد آمد نود هم پیش ماست نام احمد نام جمله انبیاست

آخرین پیام

کاروان بشریت تا روز قیامت به مسیر خود ادامه خواهد داد. همان طور که گفته شد، این کاروان سؤالات اساسی ای دارد که همواره به دنبال پاسخ آنهاست. علاوه بر این سؤالات، این کاروان در هر دوره زمانی با سؤالات خاصی نیز مواجه است که در زمان‌های دیگر مطرح نبوده است. دینی کامل است که علاوه بر پاسخ دادن به سؤالات اساسی، به سؤالات جدید نیز پاسخ دهد. خداوند حکیم با آخرین فرستاده خود پیامی را برای انسان‌ها فرستاد که تا روز قیامت برای هدایت آنها کافی است و آن «قرآن» است.

خداوند قرآن را که آخرین وحی الهی بر انسان است، این گونه معرفی می‌کند :

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ
يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ^۱
وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ^۲
وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ
فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ^۳

این قرآن،
به راهی که استوارترین راه است، هدایت می‌کند.
و ما آنچه از قرآن فرستیم،
شفای دل و رحمت الهی بر اهل ایمان است.
و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم،
پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟

قرآن کریم دریای عظیمی از معارف است که خداوند آن را به نوری تشبیه کرده است که راه را به انسان‌ها نشان می‌دهد. معارف و مطالب موجود در قرآن را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد :

۱- آفریننده جهان، خداوند یگانه است و جز او هیچ خدایی وجود ندارد. اوست که تمام هستی را با شگفتی‌های فراوان آفریده و انسان را روی زمین خلیفه خود قرار داده است. خداوند نسبت به

۲- سورة اسراء، آیه ۹.

۴- سورة قمر، آیه ۱۷.

۱- مولوی، مثنوی معنوی.

۳- سورة اسراء، آیه ۸۲.

بندگانش بسیار مهربان است و همواره خوبی و خیر آنها را می‌خواهد. خداوند انسان‌ها را برای رسیدن به بهشت زیبایش و رهایی از عذاب جهنم هدایت می‌کند و همواره مراقب و پشتیبان آنان است.

۲- تنها راه رستگاری انسان‌ها، عمل کردن به دستورهای خداست و راه دیگری وجود ندارد. اقوام فراوانی راه دشمنی با خدا را در پیش گرفتند که خداوند آنها را مجازات کرد، برخی نیز با اطاعت از خداوند در دنیا و آخرت رستگار شدند؛ خداوند داستان برخی از پیامبران، داستان اقوام مؤمن و همچنین داستان برخی از اقوام هلاک شده را در قرآن کریم بیان کرده است. خداوند در وحی خود به پیامبر اکرم، دستوراتش را به روشنی بیان کرده است و توضیح کامل آن را نیز بر عهده پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام گذاشته است.

۳- خداوند روزی تمام آسمان و زمین را برخواهد چید و در قیامت با حسابرسی به کارهای بندگانش، نیکوکاران را به بهشت و گناهکاران را به جهنم خواهد فرستاد. در قرآن کریم ویژگی‌های روز قیامت و نحوه حسابرسی خداوند از مردم و ویژگی‌های بهشت و جهنم، در سوره‌های فراوانی بیان شده است. تمامی معارف فوق در ۱۱۴ سوره قرآن کریم و در قالب بیش از ۶۲۰ آیه بیان شده است.



یک بار دیگر به سؤالات اساسی انسان که در درس «دین راستین» بیان شد، نگاه کنید و بگویید پاسخ هر کدام از این سؤالات را در کدام یک از سه بخش معارف قرآنی که گفته شد، می‌توان یافت. با کشیدن خط به یکدیگر وصل کنید.

- سؤال اول :
 - سؤال دوم :
 - سؤال سوم :
 - سؤال چهارم :
 - سؤال پنجم :
 - سؤال ششم :
- بخش اول
- بخش دوم
- بخش سوم

جایگاه قرآن در زندگی

کسی را تصور کنید که گنج بسیار بزرگی در اختیار دارد ولی متوجه آن نیست و همواره به این فکر می‌کند که از چه کسی برای تأمین هزینه زندگی‌اش وام بگیرد. کسی که قرآن را در اختیار دارد ولی در حل مسائل زندگی‌اش به آن توجه نمی‌کند، همانند شخص فوق است. اگر ما بدانیم قرآن چه گنجینه ارزشمندی و بی‌ظیری از معارف در درون خود دارد آن وقت بیشتر و بهتر، ارزش قرآن را درک می‌کنیم:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
و آنچه خود داشت ز بگاز تمنای کرد

- قرآن به راه سعادت هدایت می‌کند،
 - قرآن پاسخ تمامی پرسش‌های اساسی انسان را می‌دهد،
 - قرآن ارزشمندترین کتاب روی زمین است،
 - ما می‌توانیم به راحتی از قرآن استفاده کنیم،
 - قرآن تنها کتاب آسمانی است که به گواه تاریخ هیچ تحریف و تغییری در آن راه نیافته است و تمامی نسخه‌هایی که از آن تاکنون جمع‌آوری شده یکی است و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند.
- امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

و [پیامبر اکرم] با خود نوری آورد که هدایتگر همگان شد و آن نور، قرآن بود.
بدانید، که در قرآن علم آینده و خبر گذشته است و در آن داروی درد شما و راه سامان یافتن زندگی شما قرار دارد.^{۲*}



حال سؤال این است که چگونه می‌توانیم با قرآن ارتباط برقرار کنیم و آن را کتاب راهنمای زندگی خود قرار دهیم؟

۱- حافظ شیرازی، دیوان اشعار. ۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸. * متن روایت حفظ شود.

برای این کار ضروری است مهارت استفاده از قرآن را به دست آوریم.
برای انجام این مهم لازم است :
در گام اول : بتوانیم قرآن را به راحتی بخوانیم.
در گام دوم : بعد از کسب توانایی قرائت، آن را بفهمیم؛ معانی آیات و جملاتش را درک کنیم
و متوجه پیام و مقصود خداوند شویم.
و در گام سوم : به پیام‌ها و معارف قرآن عمل کنیم.
این گونه ما می‌توانیم به آن هدفی که خداوند از فرستادن آخرین پیامبر خود داشته است، دست
یابیم و با استفاده از هدایت قرآن به بهشت جاودان الهی برسیم.





فعالیت کلاسی

پیام‌های قرآنی زیر را بخوانید و بگویید هر کدام مربوط به کدام یک از گام‌های استفاده از قرآن است :

«هر قدر که می‌توانید قرآن بخوانید.»^۱

«قرآن برای هدایت همه مردم است.»^۲

«در قرآن بهترین قصه‌ها برای پند گرفتن انسان وجود دارد.»^۳

«برای مؤمنان شفا و رحمت است.»^۴

«وقتی قرآن می‌خوانید از شر شیطان به خداوند پناه ببرید.»^۵ یعنی در ابتدای قرآن خواندن بگویید «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»

«وقتی قرآن خوانده می‌شود به آن گوش کنید و ساکت باشید تا شامل رحمت الهی شوید.»^۶

- ۱- چرا خداوند پیامبر اکرم و قرآن کریم را آخرین پیامبر و آخرین پیام خود قرار داد؟
- ۲- کل محتوای قرآن که در سه گروه دسته‌بندی شده بود را به صورت مختصر بیان کنید.
- ۳- گام‌های بهره‌مندی از قرآن کریم را بیان کنید.

خودت را امتحان کن

۱- سوره مزمل، آیه ۲۰. ۲- سوره بقره، آیه ۱۸۵. ۳- سوره یوسف، آیه ۳.
۴- سوره اسراء، آیه ۸۲. ۵- سوره نحل، آیه ۹۸. ۶- سوره اعراف، آیه ۲۰۴.

الهی

کرامی ترین دودها و بیشترین برکات خود را بر محمد بنده و فرستاده ات قرار ده.
همان فرستاده ای که ختم کننده وحی و رسالت،
و بازکننده راه بسته رسالتی و آشکار کننده دین حق بود
از آن بهنگام که بار رسالت بر عهده او قرار داده شد
با تمام قدرت به انجام آن پرداخت
و حتی یک قدم هم عقب نشست
و اراده محکمش سست نشد
وحی و رسالت تو را به خوبی دریافت
و پیمان رسالت را حافظ و نگهدار بود.
آن چنان در اجرای فرمانت کوشش کرد که
شعله فروزان حق را آشکار
و راه را برای جاهلان و کمرانان روشن ساخت. ۱





درس هشتم

خورشید نهان

عدالت سراسر جهان را فرا گرفته است و خبری از حکومت‌های ظالمانه و زورگو نیست. علم و دانش آن‌چنان شکوفا شده است که تمام پیشرفت‌های بشر در طول تاریخ در برابر آن ناچیز است. دیگر دادگاه‌ها و زندان‌ها شلوغ نیست. دلیلش معلوم است، فهم انسان‌ها آن قدر رشد کرده است که کمتر دیده می‌شود کسی به حقوق دیگران دست‌درازی کند.

حرص و طمع و ثروت‌اندوزی از میان جامعه رخت بر بسته است. مردم به دنبال فرد مستمندی می‌گردند تا صدقه‌ای به او بدهند یا به او کمکی کنند، اما انسان فقیری در جامعه یافت نمی‌شود. انسان‌ها دیگر در برابر مجسمه‌های سنگی و یا انسان‌های دیگری مانند خودشان سر تعظیم فرود نمی‌آورند.

از آسمان و زمین برکت می‌بارد؛ نه خشکسالی هست و نه گرسنگی. همه جا سرسبز و خرم است و همه با شادی و خوشبختی در کنار هم زندگی می‌کنند.^۱



آنچه خواندید بخشی از اتفاقاتی است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام روی می‌دهد. این همان زمانی است که ایشان حکومت عدل جهانی را به‌وجود آورده و با این کار آرزوی تمامی پیامبران و مؤمنان را برآورده می‌سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دربارهٔ قیام آن حضرت می‌فرمایند:

شما را بشارت باد به مهدی، مردی از خاندان من؛ در روزگاری که مردم گرفتار اختلاف و تزلزل هستند، قیام می‌کند و زمین را همچنان که از جور و ستم پر شده است از عدل و داد، آکنده می‌سازد.^۱



به نظر شما در دوران ظهور امام زمان، چه تغییراتی در اخلاق مردم، ارتباط کشورهای مختلف با یکدیگر، پیشرفت‌های علمی و وضعیت اقتصادی جامعه رخ خواهد داد؟

عقیده‌ای اثرگذار

اعتقاد به قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام یکی از اثرگذارترین عقاید ما شیعیان است. شیعیان پیوسته در طول تاریخ با انواع سختی‌ها مواجه بوده‌اند، اما آنچه به عنوان نیروی عظیم، آنان را به ایستادگی و حرکت و تلاش تشویق نموده است، امید به آینده‌ای روشن و سراسر شور و اشتیاق بوده است. البته اعتقاد به ظهور منجی، تنها به ما شیعیان اختصاص ندارد بلکه سایر مسلمانان نیز به ظهور یکی از فرزندان پیامبر و قیام او برای برقراری عدالت معتقد هستند. در تعالیم مسیحیت و یهود نیز اعتقاد به نجات‌بخش بزرگ آسمانی به چشم می‌خورد؛ در تورات و انجیل نیز از چنین منجی بزرگی سخن به میان آمده است.

بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع و تأثیری که در زندگی ما به جا می‌گذارد، لازم است شناخت درست و دقیق‌تری از آن به دست آوریم. حتماً در ذهن بسیاری از شما سؤالات فراوانی دربارهٔ امام زمان علیه السلام و قیام ایشان هست که در ادامه به پاسخ برخی از آنها خواهیم پرداخت.

۱- حضرت مهدی علیه السلام چگونه نزدیک به ۱۲ قرن عمر کرده است؟

با توجه به آیات قرآن کریم، داشتن عمر طولانی برای انسان، غیرممکن نیست. در آیهٔ ۱۴ سورهٔ عنکبوت

۱- کنز العمال، ۳۸۶۵۳.

مدت حضور حضرت نوح در میان قومش و راهنمایی آنها، ۹۵۰ سال ذکر شده است؛ البته این مدت فقط تا زمان نزول عذاب و نابودی کافران است و خدا می‌داند که پس از آن، ایشان چندین سال دیگر عمر کرده است. از نظر دانش پزشکی نیز داشتن عمر طولانی، ناممکن نیست؛ اگر کسی بتواند مسائل بهداشتی و تغذیه‌ای را به خوبی مراعات کند از عمر طولانی‌تری برخوردار خواهد بود. بنابراین طولانی بودن عمر آن حضرت امری ممکن است. همان خدایی که آدم را از گل آفرید و آتش سوزنده را بر حضرت ابراهیم علیه‌السلام سرد کرد و از میان رود نیل، راه عبوری برای حضرت موسی علیه‌السلام و پیروانش قرار داد و حضرت عیسی علیه‌السلام را از چنگ دشمنانش نجات داد و تا امروز او را نزد خویش زنده نگه داشته است، می‌تواند امام زمان علیه‌السلام را نیز تا به امروز زنده نگه دارد.

امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید:

خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می‌گرداند، سپس به قدرت خدایی‌اش او را در چهره جوانی کمتر از چهل سال آشکار می‌سازد تا مردمان دریابند که خداوند بر هر کاری تواناست.^۱



۲- حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه زمانی قیام می‌کنند؟

هر چند وقت یک‌بار می‌شنویم که اشخاصی در کشورهای مختلف ادعا می‌کنند با امام‌زمان علیه‌السلام ارتباط دارند و در بین مردم شایعه می‌سازند که امام‌زمان علیه‌السلام در فلان وقت ظهور خواهد کرد؛ حتی گاهی افراد دروغگو و پُرمدعایی پیدا می‌شوند که پا را از این فراتر می‌گذارند و ادعا می‌کنند خودشان امام‌زمان هستند.

این گونه ادعاها در حالی مطرح می‌شود که در احادیث اهل بیت می‌خوانیم هر کس برای آمدن امام‌زمان علیه‌السلام وقتی را معین، و یا ادعا کند ایشان را ملاقات می‌کند، دروغگوست.^۲ روشن است که این ادعاها توسط عده‌ای شیاد با هدف فریب و سوء استفاده از مردم ساخته می‌شود. پس هیچ‌کس نمی‌تواند زمان دقیق قیام آن حضرت را مشخص سازد و بدون شک، هر زمان که زمینه فراهم شود، ایشان ظهور خواهد کرد.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

یکی از این شرایط، آمادگی مردم جهان برای همراهی با قیام امام است. شرط دیگر، وجود یاران باوفایی است که تا پای جان در راه اهداف و آرمان‌های امام بایستند. یاران حضرت فقط ۳۱۳ یار ویژه نیستند بلکه علاوه بر آنها امام نیاز به هزاران هزار یار خواهد داشت که حضورشان برای پیروزی بر دشمن ضروری است.



۳- برخی می‌گویند وقتی امام زمان علیه‌السلام قیام کند، بیشتر مردم کشته می‌شوند؛ آیا این مطلب درست است؟

واقعیت این است که پیش از آمدن امام زمان علیه‌السلام، ظلم و خونریزی جهان را فرا گرفته است و قدرت‌ها و حاکمان زورگو هر کسی را مخالف منافع خود ببینند از بین می‌برند. در این شرایط است که خداوند، امام علیه‌السلام را برای پایان دادن به جنگ و بی‌عدالتی به میان مردم می‌فرستد. پس هدف امام از قیام، گسترش عدالت و مهربانی است و بی‌شک بسیاری از مردم جهان با این هدف مقدس همراهی خواهند کرد و برای رسیدن به آن، رهبری امام زمان علیه‌السلام را با دل و جان خواهند پذیرفت. بنابراین امام جنگی به پا نمی‌کند، بلکه با شکست ظالمان، به خونریزی و جنگ‌های همیشگی پایان می‌دهد.



به نظر شما چرا برخی سعی می‌کنند قیام امام زمان علیه‌السلام را قیامی
خسونت‌بار و همراه با قتل و کشتار فراوان نشان دهند؟



۴- آیا بعد از شکست حاکمان ظالم و پیروزی امام زمان علیه‌السلام، جهان پایان می‌یابد و روز قیامت فرا می‌رسد؟

قیام امام برای این است که سرنوشت مردم در دست نیکوکاران و عدالت‌جویان قرار گیرد و مردم جهان پس از سال‌ها به خوشبختی و آرامش برسند. بنابراین، اگر بلافاصله جهان به پایان برسد، آمدن ایشان چه سودی برای مردم خواهد داشت؟ در احادیث می‌خوانیم حکومت امام زمان علیه‌السلام سال‌ها ادامه

خواهد داشت و پس از ایشان نیز صالحان دیگری اداره جهان را به دست خواهند گرفت.



۵- آیا ممکن است ما هم یکی از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم؟ همان طور که دانستیم با ظهور امام زمان علیه السلام، ۳۱۳ نفر از بهترین انسان‌ها به او می‌پیوندند که اینان بهترین و نزدیک‌ترین یاران آن حضرت‌اند. به جز این، تعداد بی‌شماری از افراد دیگر نیز خودشان را به حضرت مهدی علیه السلام می‌رسانند و آن حضرت را یاری می‌کنند. ما هم از خدا می‌خواهیم که ظهور امام را ببینیم و از یاران خاص و یا از هزاران نفری باشیم که افتخار یاری امام زمان علیه السلام را پیدا می‌کنند.

البته یاران امام زمان علیه السلام فقط کسانی نیستند که ظهور امام را می‌بینند و به آن حضرت می‌پیوندند؛ اکنون هم گروهی از مردم از یاران امام زمان علیه السلام هستند، کسانی که با انجام واجبات دینی، دوری از گناهان، گره‌گشایی از کار گرفتاران و اخلاق نیک، باعث خوشحالی امام زمان می‌شوند، یار امام محسوب می‌شوند. این افراد شاید هرگز حضرت مهدی علیه السلام را نبینند اما چون پیوسته در پی خوشحال کردن امام هستند، یار ایشان به شمار می‌آیند. یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی یاری دین خدا و این کار مختص دوران ظهور نیست.



با دوستان خود گفت‌وگو کنید و بگویید برای اینکه ما نیز لیاقت حضور در جمع یاران امام زمان علیه السلام را داشته باشیم، چگونه باید زندگی کنیم.

منتظران حقیقی

اکنون با شناخت بیشتری که نسبت به امام زمان علیه السلام و قیام ایشان پیدا کردید، حتماً بیش از گذشته در انتظار ظهور آن حضرت و یاری ایشان هستید.

انتظاری که به فرموده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از بهترین کارهای امت ایشان است.^۱
حالا فکر می کنید ما چگونه می توانیم منتظر این رویداد مهم باشیم؟
آیا همین که دست روی دست بگذاریم و بنشینیم تا امام مهدی علیه السلام قیام کند و همه چیز را درست کند، می توانیم خود را منتظر ایشان بدانیم؟
تصور کنید پس از مدتی طولانی مهمان عزیزی را به خانه دعوت کرده اید و او تا ساعاتی دیگر به منزل شما خواهد آمد، برای پذیرایی و استقبال از او چه می کنید؟
آیا کسی که می داند مهمان بزرگی در راه است ولی برای پذیرایی از او هیچ برنامه ای ندارد، می تواند بگوید من منتظر او هستم؟

حضرت امام رضا علیه السلام درباره وظایف منتظران واقعی می فرماید :

انتظار فرج به چند چیز است : صبور بودن، خوش رفتاری، همسایه داری، ترویج کارهای نیک، خودداری از آزار و اذیت دیگران، گشاده رویی، خیرخواهی و مهربانی با مؤمنان.^۲

کسی که تلاش می کند این صفات را در خودش ایجاد کند، در حقیقت بذر انتظار امام مهدی علیه السلام را در وجود خود می کارد. روشن است که وقتی بهار ظهور فرا می رسد، این بذرها جوانه می زند و دوستان واقعی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را از دیگران مشخص می کند.



در حدیث امام رضا علیه السلام به برخی از ویژگی های منتظران واقعی امام زمان علیه السلام اشاره شده است. شما نیز ویژگی های دیگری را مشخص و درباره آنها در کلاس گفت و گو کنید.



من شما را می بینم ...

شیخ مفید یکی از علمای بزرگ شیعه است که در قرن چهارم هجری می زیست. یکی از توفیقات ایشان ارتباط با امام زمان علیه السلام بود. ایشان بارها نامه هایی را از امام زمان دریافت می کرد که آن حضرت در آن نامه ها سفارش ها و توصیه هایی به شیعیان می کرد. در یکی از این نامه ها امام زمان علیه السلام خطاب به شیخ مفید می نویسد:

«ما از تمام حوادث و ماجراهایی که بر شما می گذرد آگاهیم و هیچ چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.

از خطاها و گناهانی که بندگان صالح خداوند از آنها دوری می کردند ولی بسیاری از شما مرتکب شدید باخبریم... با این وجود، ما در رسیدگی به شما و سرپرستی شما کوتاهی و سستی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم و اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند. پس سعی کنید اعمال شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک سازد و از گناهانی که موجب نارضایتی ما را فراهم نماید دوری کنید...»^۱



- ۱- در چند جمله کوتاه، اتفاقات بعد از ظهور امام زمان را توصیف کنید.
- ۲- قرآن کریم خبر می دهد که حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال قوم خود را به سوی خدا دعوت می کرد. از این خبر چه نتیجه ای می توان گرفت؟
- ۳- با توجه به سخن امام رضا علیه السلام سه مورد از ویژگی های منتظران واقعی امام زمان علیه السلام را بنویسید.
- ۴- دو شرط مهم از شرایط ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بنویسید.

خودت را امتحان کن

پیشنهاد

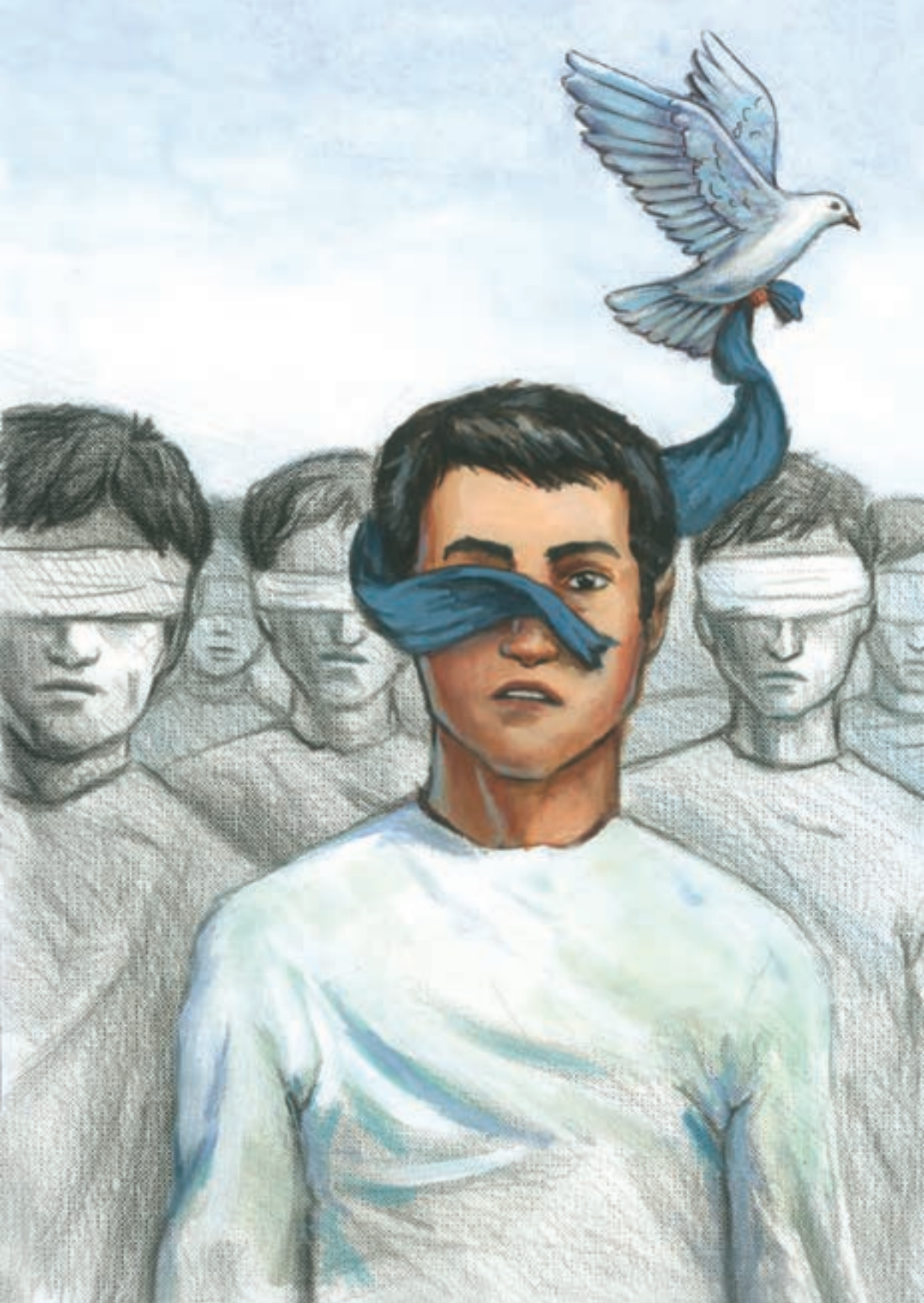
در نامه ای به امام مهدی علیه السلام احساس خود را درباره ایشان، در گفت و گویی صمیمانه به قلم بیاورید.

۱- احتجاج، طبرسی، ج ۲، صص ۵۹۶ و ۵۹۷.

الهی

من در صبح امروز و زمانی که زنده هستم
عهد و پیمان و بیعتی را که با امام علیه السلام بسته ام تجدید می کنم
و از آن روی نمی گردانم
و هیچگاه از آن دست بر نمی دارم
خدایا مرا از یاران و مددکاران او
و دفاع کنندگان از حضرتش و ثوابندگان به سوی او قرار بده
برای بر آوردن خواسته هایش و اطاعت از دستوراتش
و دفاع از حضرتش و پیشی گرفتن به سوی خواسته هایش و کشته شدن در پیشگاهش^۱

۱- بخشی از دعای عهد، که از دعاهای مشهور و مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مستحب است که هر روز صبح خوانده شود.





درس هفتم

رهبری در عصر غیبت

پس از رحلت رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - وظیفهٔ هدایت و رهبری مردم بر عهدهٔ امامان قرار گرفت. آنان تلاش‌های بسیاری برای اجرای دستورهای الهی و هدایت مردم به سوی دین راستین انجام دادند؛ اما از یک طرف، حاکمان ظالم به شدت امامان را تحت فشار قرار می‌دادند و فرصت هر اقدامی را از آنان می‌گرفتند و از سوی دیگر، مردم به دلیل ترس از حاکمان ظالم و دل بستن به دنیای زودگذر، وظایف خود را در حمایت و پیروی از امامان انجام نمی‌دادند، به‌گونه‌ای که امام حسن علیه‌السلام را به پذیرش صلح وادار کردند و در برابر امام حسین علیه‌السلام ایستادند و او را شهید کردند.

اوضاع روز به روز برای امامان سخت‌تر می‌شد. آنان یکی پس از دیگری توسط حاکمان به شهادت می‌رسیدند تا آنجا که سه امام قبل از حضرت مهدی علیه‌السلام، در سن جوانی به شهادت رسیدند^۱. در چنین موقعیتی بود که امام مهدی علیه‌السلام که آخرین امام مسلمانان است، به دستور خداوند از نظرها پنهان شد تا در زمان و موقعیتی مناسب که جامعه شایستگی درک حضور ایشان را داشته باشد، ظهور کند.

۱- امام نهم، محمدتقی علیه‌السلام در ۲۵ سالگی؛ امام دهم، علی‌نقی علیه‌السلام در ۴۰ سالگی و امام یازدهم، حسن عسکری علیه‌السلام

در ۲۸ سالگی توسط حاکمان زمان به شهادت رسیدند.

اکنون کمی فکر کنیم؛

بیش از هزار سال است که امام زمان - عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرجه الشریف - از دسترس مردم دور است. آیا می‌توانیم بگوییم که انسان‌ها در تمام این مدت هیچ نیازی به هدایت و رهبری نداشته‌اند؟ پس تکلیف مردم در این زمان، که عصر غیبت نامیده می‌شود، چیست؟



یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از ایشان پرسید:

ای فرزند رسول خدا، دو نفر از دوستان ما بر سر مسئله‌ای با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند؛ آیا آنها می‌توانند برای حل مشکلتشان نزد هر حاکم یا پادشاهی بروند؟
حضرت فرمود:

- خیر، کسی که به این‌گونه حاکمان مراجعه کند و با حکم آنان چیزی به دست آورد، در حقیقت به طاغوت^۱ مراجعه کرده و خداوند در قرآن کریم مردم را از مراجعه به طاغوت نهی کرده است.

- ای فرزند رسول خدا، پس تکلیف مردم در این‌گونه مسائل چیست؟

- باید به سراغ کسانی بروند که سخنان ما [اهل بیت] را برایشان بازگو می‌کنند؛ کسانی که بر حلال و حرام ما آگاهند و احکام ما را می‌شناسند. من این افراد را بر شما حاکم قرار داده‌ام؛ بنابراین، مردم نیز باید به حکم آنان راضی شوند. پس هر کس که حکم آنان را - که حکم ماست - قبول نکند، بدون شک حکم خدا را خوار شمرده است و کسی که ما را رد کند، خداوند را رد کرده است.^۲

این حدیث به خوبی نشان می‌دهد که هدایت و رهبری مردم در عصر غیبت بر عهده عالمان و دانشمندان دینی است. اما این عالمان دینی چه کسانی هستند؟
آیا هرکسی که درباره مسائل دینی اظهار نظر می‌کند، شایستگی لازم برای هدایت مردم را دارد؟
امام صادق علیه السلام درباره هدایتگران واقعی مردم می‌فرماید:

۱- حاکمان طاغوت: حاکمانی ظالم و ناآگاه که حق حکومت بر مردم را ندارند. ۲- کافی، ج ۱، ص ۶۷.

«مردمی که می بینند عالمانشان آشکارا گناه می کنند و در جمع آوری دنیا و اموال حرام حریص اند، ولی باز هم از این گونه عالمان پیروی می کنند، مانند برخی یهودیانی هستند که خداوند در قرآن آنان را به دلیل پیروی از عالمان بدکارشان سرزنش می کند. بر مردم واجب است از فقیهان پرهیزکار، که از دین خود محافظت و برخلاف هوای نفس خود رفتار می کنند و مطیع دستور خداوند هستند، پیروی کنند.»^۱



با توجه به حدیث بالا فقیهانی که هدایت مردم را در زمان غیبت امام زمان - عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ - به عهده دارند، چه ویژگی هایی دارند؟

.....
.....



هر یک از ویژگی های چهارگانه عالمان، که در سخن امام صادق علیه السلام خواندیم موجب می شود رهبران جامعه از انجام کارهایی که سعادت دنیا و آخرت مردم را به خطر می اندازد دوری کنند. برای مثال، به ویژگی اول (پرهیزکاری) توجه کنید:

به نظر شما اگر هدایت و رهبری مردم به کسی سپرده شود که پرهیزکار نباشد و هر کاری که دلش بخواهد انجام دهد، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟

آیا چنین فردی حاضر است با عدالت بین مردم رفتار کند؟

آیا او احکام خدا را به نفع خود و اطرافیانش تغییر نخواهد داد؟

اسلام شناسان و فقیهان واقعی کسانی هستند که در سخنان و راهنمایی هایشان، پیرو سخنان معصومین اند و در هر مسئله ای نظر پیامبر اکرم و امامان علیهم السلام را برای مردم بازگو می کنند. بنابراین پذیرفتن فتوای فقیهان که برگرفته از قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام است در واقع پذیرفتن سخنان امامان است و مخالفت با فقها، مخالفت با احادیث معصومین علیهم السلام است. به همین دلیل

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

فقیهان، نایب و جانشین امام زمان علیه السلام به شمار می‌روند و همان‌گونه که مردم در زمان امامان معصوم موظف بودند از آنان اطاعت کنند، در عصر غیبت نیز باید از جانشینان امام زمان علیه السلام یعنی فقیهان پیروی کنند.

به رهبری و هدایت مردم جامعه توسط فقیه جامع الشرایط، ولایت فقیه گفته می‌شود. ولی فقیه، اسلام‌شناسی است دانا، شجاع، مدیر و مدبر که در هر زمان با در نظر گرفتن مصلحت جامعه اسلامی، از تمام توان و امکانات برای پاسداری از دین و اجرای احکام الهی در جامعه استفاده می‌کند و نمی‌گذارد دشمنان اسلام با به خطر انداختن کشور اسلامی مانع اجرای دستورهای خدا شوند.



بیدارگر قرن

آیا شما کسی را می‌شناسید که تمام ویژگی‌های لازم برای رهبری و هدایت مردم را داشته باشد؟

«... هنگامی که از در وارد شد، احساس کردم گردبادی بزرگ از نیروهای معنوی وزیدن گرفت. گویا در ورای آن عبای قهوه‌ای، عمامه سیاه و ریش سفید، روح زندگی جریان داشت؛ آن‌چنان که همه بینندگان را محو تماشای خود می‌کرد. ناگهان احساس کردم با حضور او همه ما کوچک شده‌ایم و گویا در آن مکان اصلاً کسی جز او باقی نمانده است.»

آری! او بارقه‌ای از نور بود که در قلب و روح همه حاضران رسوخ کرده بود. او تمام معیارهایی را که گمان می‌کردم می‌تواند مرا در تعریف و ارزیابی شخصیت و مقامش یاری کند، درهم شکست. هنگامی که بر روی صندلی‌اش نشست، احساس کردم نیرویی از وجودش پخش می‌شود. نیرویی مانند یک گردباد که اگر با دقت نگاه می‌کردی درمی‌یافتی آرامشی عظیم در درون آن نهفته است. در عین حال او را چنان آرام و ساکت می‌دیدي که گویی نیرویی ثابت در درونش جریان دارد و البته این نیرو همان نیرویی است که رژیم سابق ایران را به یک‌باره برچید.

اما آیا چنین شخصیتی می‌تواند یک فرد عادی باشد؟

من تاکنون هیچ یک از مردان بزرگ را برتر از او و حتی مانند او ندیده‌ام. کمترین چیزی که می‌توانم بگویم این است که گویا او یکی از انبیای گذشته است یا اینکه او موسای پیامبر است که آمده تا قوم خود را نجات دهد.»



آنچه خواندیم بخشی از نوشته‌های «روبین وودزورث»^۱ یکی از مشهورترین خبرنگاران آمریکاست که پس از ملاقات با امام خمینی رحمة الله علیه در حسینیه جماران درباره شخصیت امام نوشته است.

کتاب وی^۲ یکی از هزاران کتابی است که درباره شخصیت این بیدارگر بزرگ قرن نوشته شده است. امام خمینی رحمة الله علیه رهبری است که نه تنها ملت ایران بلکه تمام مردم آزاده جهان و حتی دشمنان اسلام و انقلاب را نیز به تحسین و امید دارد.

مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا که لحظه‌ای از دشمنی با اسلام و انقلاب اسلامی مردم ایران دست برنداشته است در برابر عظمت و نفوذ خیره‌کننده امام این‌گونه اعتراف می‌کند:

«آیت الله خمینی غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن‌چنان رعدآسا

1-Robin woodsworth

۲- با نام «زیباترین تجربه من» ترجمه و منتشر شده است.

بود که مجال هرگونه تفکر و برنامه‌ریزی^۱ را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچ‌کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهایی غیر از معیارهای شناخته شده در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی او از جای دیگری الهام می‌گرفت. دشمنی آیت‌الله خمینی با غرب برگرفته از تعالیم الهی او بود. او حتی در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت»^۲.

امام در قرنی که دین و معنویت کاملاً منزوی شده بود و چیزی نمانده بود که مساجد و کلیساها به فراموشی سپرده شوند، با انقلاب اسلامی، به یک‌باره تمام نقشه‌های شوم ابرقدرت‌ها را برهم زد و یک بار دیگر به مردم سراسر جهان نشان داد که برای خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت هیچ راهی جز بازگشت به مسیر نورانی پیامبران وجود ندارد.

او عابدی شب‌زنده‌دار و سیاستمداری آگاه بود، مانند عادی‌ترین مردم زندگی می‌کرد. در تمام سال‌های رهبری‌اش در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی کرد. هرگز به کسی ظلم نکرد و در برابر هیچ ستمگری سکوت نکرد. او که دشمنان اسلام از شنیدن نامش به وحشت می‌افتادند، اگر صدای گریه کودکي را می‌شنید بسیار ناراحت می‌شد. برای عمل به اسلام از هیچ‌کس نمی‌ترسید. همان‌گونه که محکم و استوار می‌گفت، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، وقتی نام امام حسین علیه السلام و یارانش را می‌شنید، اشک از چشم‌هایش جاری می‌شد. به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌داد. در جمع آنان حاضر می‌شد و برایشان صحبت می‌کرد. در برابر مردم محروم می‌گفت: «به من خدمتگزار بگویید بهتر است از اینکه مرا امام خود بنامید».



اینها بخشی از ویژگی‌های امام خمینی رحمه‌الله علیه بود که باعث شد در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، وظیفه هدایت و رهبری مردم به عهده او گذاشته شود. پس از رحلت این مرد بزرگ الهی، مسئولیت مهم و سنگین رهبری جامعه اسلامی به عهده یکی از نزدیک‌ترین یاران ایشان یعنی آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت. دوران‌دیشی، شجاعت، پرهیزکاری، و وفاداری ایشان به امام و انقلاب اسلامی سبب شد مجلس خبرگان، وی را شایسته‌ترین فرد برای رهبری جامعه اسلامی معرفی کند.

۱- منظور کیسینجر از برنامه‌ریزی، نقشه کشیدن برای چپاول و غارت کشورهای ضعیف‌تر است.

۲- عصر امام خمینی، ص ۳۷.

- ۱- چه چیزی باعث شد تا امام مهدی علیه السلام به دستور خداوند از نظرها غائب شود؟
- ۲- با توجه به حدیث امام صادق علیه السلام ویژگی‌های راهنمایان مردم را در عصر غیبت بیان کنید.
- ۳- توضیح دهید چرا مردم باید از ولی فقیه پیروی کنند؟
- ۴- سه مورد از ویژگی‌های امام خمینی رحمه الله علیه را بیان کنید.

پیشنهاد

شما می‌توانید با کمک افراد آگاه و یا مراجعه به کتاب‌هایی که درباره زندگی امام خمینی رحمه الله علیه و مقام معظم رهبری نوشته شده‌اند، خاطرات یا داستان‌هایی از زندگی این مردان بزرگ را یادداشت کنید و آنها را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.

الهی

خدا یاد دوران غمیت امام زمان
ماراد پیروی از راه و روش او پیدا کردن
و ما را به کارهایی مشغول بدار که موجب خشودمی او باشد
ویاری کن تا خود را از بدی ها پاک سازیم
تا در زمره یاران او قرار گیریم.
خدا یا عالمان دین را که حافظان دین تو در عصر غمیت می باشند
نصرت فرما
و تلاش از دشمنان آنان را به نیکویی پاداش ده.



راهی که ما انسان‌ها به سوی رستگاری طی می‌کنیم نیاز به توشه دارد. در سال‌های گذشته برخی از این توشه‌ها را شناختیم. در سال هفتم با دوران بلوغ، «افتخار بندگی»، و شرایط و ویژگی‌های آن آشنا شدیم و دانستیم برای انجام عبادت‌هایی همچون نماز که «ستون دین» است باید «به سوی پاکی» حرکت کنیم و از ناپاکی‌هایی همانند خون و سایر نجاسات پرهیز کنیم. همچنین آداب و احکام «نماز جماعت» و غسل را نیز فرا گرفتیم. علاوه بر این با روزه که «یک فرصت طلایی» است و ما را به سوی خداوند تعالی سوق می‌دهد نیز آشنا شدیم.

امسال با برخی دیگر از این توشه‌ها آشنا می‌شویم:

درس هشتم (وضو و تیمم) مقدمهٔ انجام نماز را بیان می‌کند. برای به جا آوردن نماز باید وضو گرفت و در برخی شرایط می‌توان به جای وضو تیمم کرد که در این درس با احکام و شرایط آن آشنا می‌شویم.

درس نهم (مبطلات نماز) ما را با برخی از کارهایی که موجب باطل شدن نماز می‌شود آشنا می‌کند.





رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از اصحاب خود فرمود :
«بسیار وضو بگیر تا خداوند بر عمرت بیفزاید. اگر برایت میسر است که شب و
روز با وضو باشی، این کار را انجام بده؛ کسی که با وضو می خوابد، بسترش تا صبح
برای او مسجد خواهد بود و خوابش برای او نماز!»^۱

- وقتی می خواهیم نماز بخوانیم؛
 - وقتی قصد داریم دستمان را به آیات قرآن بزنیم؛
 - وقتی به حج می رویم و می خواهیم طواف واجب حج را به جای بیاوریم؛
 - وقتی به یکی از نام‌های خداوند (به هر زبانی که نوشته شده باشد) دست می زنیم؛
- در تمام این موارد، واجب است وضو داشته باشیم.
- علاوه بر این، وضو گرفتن در بسیاری از موارد دیگر نیز مستحب است؛ هنگام تلاوت قرآن کریم،
همراه داشتن قرآن، زیارت حرم‌های امامان علیهم السلام، رفتن به مسجد، زیارت اهل قبور و حتی
هنگام خوابیدن از مواردی هستند که شایسته است، انسان در این زمان‌ها وضو داشته باشد.

۱- همکار گرامی، این درس جهت آشنایی دانش‌آموزان با برخی از احکام نماز نگاشته شده است و هدف آن حفظ واژه‌ها و طرح
سؤالات پیچیده و معماگونه نیست.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۳ و مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۹۷.

شرایط وضوی صحیح

کسی که می‌خواهد وضو بگیرد، علاوه بر دانستن شیوه صحیح وضو گرفتن، باید به نکته‌های دیگری نیز توجه کند که شرایط وضوی صحیح نام دارد.

این شرایط عبارت است از:

۱- پاک بودن آب وضو: آبی که با آن وضو می‌گیریم، باید پاک باشد. اگر ندانیم و یا فراموش کنیم که آبی نجس است و با همان آب نجس، وضو بگیریم، وضوی ما باطل است.

۲- مُطلق بودن آب وضو: پیش از توضیح این شرط باید بدانیم که آب‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: مطلق و مضاف.

آب مطلق به آب‌های خالصی گفته می‌شود که با چیز دیگر آمیخته نشده و یا از چیزی گرفته نشده باشد؛ آب باران، آب چشمه‌ها و چاه‌ها، آب رودها، دریاها و آب لوله‌کشی که در خانه‌ها وجود دارد، آب مطلق شمرده می‌شود.

اما آبی که خالص نیست و آن را از چیز دیگری گرفته‌اند - مانند گلاب و آب میوه - و یا با چیز دیگری مخلوط شده باشد - مثل آب نمک غلیظ و آب‌های خیلی گل‌آلود به‌گونه‌ای که دیگر به آن آب نگویند - آب مضاف نامیده می‌شود.

وضو گرفتن فقط با آب مطلق صحیح است و ما نمی‌توانیم با آب مضاف، وضو بگیریم.

۳- مباح بودن آب و ظرف آن: آبی که ما با آن وضو می‌گیریم باید مباح باشد؛ یعنی یا آب برای خودمان باشد و یا اگر برای دیگری است، او از وضو گرفتن ما با آب رضایت داشته باشد. بنابراین، استفاده از آب غصبی^۱ حرام است و وضو نیز با این آب، باطل خواهد بود. البته وضو گرفتن با آب‌هایی که در مکان‌های عمومی قرار دارند، صحیح است.

۴- پاک بودن اعضای وضو: اگر صورت، دست‌ها، سر و یا روی پاها هنگام وضو گرفتن نجس باشند، باید ابتدا نجاست را برطرف کرد، بدن را پاک نمود و سپس وضو گرفت. روشن است اگر اعضای وضو نجس باشند، وضو باطل است.

۵- نبودن مانع در اعضا: هنگام وضو، اگر چیزی مانع رسیدن آب به اعضای وضو شود (مثل چربی کرم‌ها که بر دست و صورت باقی می‌ماند، لاک روی ناخن، چسب و رنگ) وضوی ما باطل خواهد بود.

۱- به آبی غصبی می‌گویند که صاحب آن راضی نباشد ما از آن استفاده کنیم.

۶- ترتیب : واجب است تمام مراحل وضو را به ترتیب انجام دهیم؛ یعنی پس از نیت، ابتدا صورتمان را می‌شوئیم؛ سپس دست راست را از بالای آرنج تا نوک انگشتان می‌شوئیم و پس از آن دست چپ را نیز به همین صورت می‌شوئیم؛ بعد با همان رطوبتی که در کف دست مانده است، سر را مسح و با همان رطوبت، روی پای راست را با دست راست مسح می‌کنیم و روی پای چپ را با دست چپ. اگر مکلف این ترتیب را به هم بزند، وضویش باطل می‌شود.

۷- مُوالات : واجب است کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهیم و بین آنها فاصله نیندازیم. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله بیندازیم که حالت وضو به هم بخورد، به گونه‌ای که بگویند او مشغول کار دیگری شده است؛ مثلاً هنگام وضو گرفتن، کسی با تلفن منزل تماس بگیرد و مشغول صحبت شود بدون آنکه کارهای وضو را دنبال کند، وضوی او باطل است.



الف) با ذکر دلیل مشخص کنید در کدام یک از موارد زیر، وضوی مکلف صحیح و در کدام یک، باطل است.

■ آب پاک در اختیار ندارد و به همین دلیل با گلاب وضو می‌گیرد.

.....
.....

■ در هنگام سفر، از آب رودخانه وضو می‌گیرد.

.....
.....

■ هنگام وضو گرفتن، کسی با تلفن وی تماس بگیرد و او مشغول صحبت با او شود و بعد از پایان صحبت وضوی خود را ادامه دهد.

.....
.....

ب) در حضور معلمان وضو بگیرید و از او بخواهید اشکالات احتمالی وضوی شما را برطرف کند.

چند مسئله مهم وضو

- اول** — اگر ناخن فرد از حد معمول بلندتر باشد، باید چرک زیر آن را برای وضو برطرف کند.
- دوم** — کسی که به دلیل بیماری یا مشکل دیگری نمی‌تواند خودش وضو بگیرد، باید از شخص دیگری بخواهد که او را وضو دهد؛ در این حال، مکلف باید خودش نیت وضو کند و هر کدام از کارهای وضو را هم که می‌تواند، خودش انجام دهد.
- سوم** — اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده است نجس شود، وضو صحیح است؛ البته باید آن را برای نماز پاک کند.
- چهارم** — خانم‌ها نباید جایی وضو بگیرند که نامحرم آنان را ببیند، مثل حیاط مساجد هر چند این کار وضو را باطل نمی‌کند.
- پنجم** — راه رفتن بین وضو اشکالی ندارد. بنابراین، اگر بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.
- ششم** — اگر بعد از وضو چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است.
- هفتم** — در هنگام استفاده از اشیایی مانند گردنبند، که نام خدا یا یکی از پیامبران یا امامان بر آن است — و با بدن تماس دارد — باید با وضو بود.

تیمم

- مواردی وجود دارد که باید به جای وضو یا غسل، تیمم کرد. برخی از این موارد عبارت‌اند از زمان‌هایی که مکلف:
- ۱- آب در دسترس دارد، ولی غصبی، نجس یا خیلی گل‌آلود است.
 - ۲- آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد، از تشنگی به سختی خواهد افتاد.



به کمک دوستان خود سه مورد دیگر از مواقعی که باید به جای وضو تیمم کرد را بیان کنید.

.....۱-

.....۲-

.....۳-



شیوه انجام تیمم

پس از آنکه نیت کردیم برای خشنودی خداوند و به جای وضو یا غسل تیمم می‌کنیم، مراحل زیر را به ترتیب انجام می‌دهیم :



● کف هر دو دست را با هم روی خاک پاک و یا هر چیز دیگری که تیمم بر آن صحیح است می‌زنیم.



■ دست‌ها را بالای پیشانی
می‌گذاریم و آنها را تا ابروها و بالای
بینی می‌کشیم.

■ کف دست چپ را بر پشت
دست راست می‌گذاریم و از مچ تا
نوک انگشتان می‌کشیم.





■ کف دست راست را پشت دست چپ می‌گذاریم و از میج تا نوک انگشتان می‌کشیم.

برخی از چیزهایی که وضو و تیمم را باطل می‌کند، عبارت است از:
 ۱- خارج شدن ادرار، مدفوع و گازهای روده از بدن
 ۲- به خواب رفتن (به صورتی که چشم نبیند و گوش هم نشنود).

خودت را امتحان کن

- ۱- از شرایط وضوی صحیح، پنج مورد را نام ببرید و توضیح دهید.
- ۲- سه مورد از مواردی که مکلف باید برای نماز، تیمم کند را بیان کنید.
- ۳- شیوه صحیح تیمم کردن را به صورت خلاصه، توضیح دهید.

پیشنهاد

با مراجعه به رساله توضیح المسائل مرجع خود ببینید، تیمم علاوه بر خاک، بر چه چیزهای دیگری صحیح است.

۱- علاوه بر این، مبطلات وضو و تیمم چیزهای دیگری هم هستند که در آینده با آنها آشنا خواهید شد.

الهی

دعای وضو

امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام وضو گرفتن این دعاها را می خواند :

وقتی خواست دستها را بشوید، خطاب به خداوند عرض کرد :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ به نام خدا و با یاری خدا
وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ خدا یا! مرا از توبه کنندگان
و پاکان قرار ده.

چون خواست صورت را بشوید، عرض کرد :

اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي خدا یا! مرا روسفید گردان
يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ در آن روزی که چهره ها سیاه می شوند،
وَلَا تُسْوَدْ وَجْهِي و مرا روسیاه مگردان،
يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ در آن روز که انسان های روسفید
می گردند.

وقتی خواست دست راست را بشوید، عرض کرد :

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي خدا یا! کتاب اعمالم را به دست راستم بده
وَالْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بِيَسَارِي و جاودانگی در بهشت را به دست چپ
وَ حَاسِبِنِي حِسَابًا يَسِيرًا و در حسابرسی بر من آسان بگیر.

آن‌گاه که دست چپ را می‌شست، گفت :
اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي خدایا! کتاب اعمالم را به دست چپ
وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي و از پشت سرم به من مده
وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِي و دست‌هایم را بازنجیر به گردنم میند
وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النَّيْرَانِ و از پاره‌های آتش عذاب به تو پنا
می‌برم.

هنگام مسح سر، عرض کرد :
اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ
خدایا! مرا در پوشش رحمت و
برکت‌ها و گذشت خویش، قرار ده.

هنگام مسح پاها، عرض کرد :
اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمِي عَلَى الصِّرَاطِ خدایا! گام‌هایم بر صراط را ثابت
و استوار بدار
يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ در آن روز که قدم‌ها بر صراط
می‌لرزد
وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي و تلاش مرا در راه رضای
خودت قرار ده.

يا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ای صاحب عظمت و بزرگی!

چه زیباست که این دعا را حفظ کنیم و در هنگام وضو بخوانیم
تا اقتدایی باشد به پیشوای بزرگمان، امام علی، علیه‌السلام.





درس هفتم

مُبطّلات نماز

آن روز، نمازخانهٔ مدرسه از روزهای دیگر شلوغ‌تر بود. من و محسن هم گوشه‌ای از نمازخانه نزدیک هم نماز می‌خواندیم. ناگهان یکی از بچه‌ها سرش را از پنجره داخل کرد و گفت: بچه‌ها زود باشید، الان زنگ می‌خورد. کمی بعد، محسن ناگهان نمازش را شکست و پس از چند لحظه سکوت دوباره تکبیرة الاحرام گفت و نمازش را شروع کرد.

نمازش که تمام شد، پرسیدم: چرا نمازت را شکستی؟ مگر نمی‌دانی شکستن نماز حرام است؟ جواب داد: اگر کسی بی‌دلیل نمازش را بشکند کار حرامی انجام داده است، اما من که بی‌دلیل این کار را نکردم. نماز من پیش از اینکه من آن را بشکنم، خودش باطل شده بود. با تعجب پرسیدم: چطور؟!

گفتم: داشتم تسبیحات اربعه را می‌گفتم که شک کردم رکعت سوم هستم یا چهارم. برای همین نمازم را که باطل شده بود رها کردم و آن را از اول خواندم. گفتم: چه کسی گفته است آدم هر جای نمازش که شک کند، نمازش باطل می‌شود؟ نمازت را بی‌دلیل شکستی!

پرسید: تو مطمئنی نمازم درست بوده؟ گفتم: بله، امام جماعت مسجد محله ما چند شب است که دربارهٔ مبطلات نماز صحبت می‌کند. من این موضوع را از او شنیده‌ام. اگر می‌خواهی مطمئن شوی امشب بیا مسجد و از خودش سؤال کن.



۱- همکار گرامی، این درس برای آشنایی دانش‌آموزان با برخی از احکام نماز نگاهشده شده است و هدف، حفظ واژه‌ها و طرح سؤالات پیچیده و معماگونه نیست.

در سال‌های گذشته با برخی از احکام و آداب نماز آشنا شدیم و دانستیم که نمازی که با رعایت آداب و احکام آن خوانده شود، علاوه بر جلب خشنودی خداوند، تأثیر بسیاری بر روح و روان انسان خواهد گذاشت. ما در این درس احکام دیگری را بیان می‌کنیم که بی‌توجهی به آنها باعث باطل شدن نماز می‌شود.

مُبْطَلَاتِ نَمَاز

می‌دانید چه کارهایی نماز را باطل می‌کند؟ بنا بر فتوای مراجع تقلید، مبطلات نماز دوازده چیز است که به صورت خلاصه به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- از بین رفتن یکی از شرایط نماز: در سال گذشته با برخی از شرایط نماز آشنا شدیم. پاک بودن لباس و بدن نمازگزار، وضو داشتن و همچنین غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار از آن شرایط بود. اگر نمازگزار در بین نماز متوجه شود که یکی از این شرایط از بین رفته است؛ مثلاً یادش بیاید وضو نگرفته است یا مکانی که در آن نماز می‌خواند غصبی است، نمازش باطل است.

۲- باطل شدن وضو: اگر وضوی نمازگزار باطل شود، نماز نیز باطل خواهد شد.

۳- روی برگرداندن از قبله: اگر نمازگزار در حال نماز صورت خود را از قبله به طرف چپ یا راست بگرداند (به اندازه‌ای که دیگر رو به قبله به حساب نیاید) نمازش باطل است و فرقی بین عمدی و یا سهوی بودن این کار نیست.

۴- خندیدن با صدای بلند (قهقهه): خنده بلند، در صورتی که عمدی باشد، نماز را باطل می‌کند. بنابراین، لبخند زدن و یا خنده با صدا که عمدی نباشد، نماز را باطل نمی‌کند.

۵- حرف زدن بین نماز: اگر نمازگزار بین نماز عمداً سخن بگوید، حتی اگر یک کلمه هم باشد (مثلاً بگوید آخ)، نمازش باطل خواهد شد، ولی اگر بدون توجه و از روی فراموشی بین نماز چیزی بگوید، نمازش صحیح است و باید دو سجده سهو به جا بیاورد.^۱

۶- به هم زدن صورت نماز: اگر نمازگزار بین نماز، کاری انجام دهد که حالت نماز را به هم بزند، مثلاً دست بزند و یا به هوا ببرد، نمازش باطل می‌شود و فرقی ندارد که این کارش کم باشد یا زیاد، عمدی باشد یا سهوی. البته کارهایی که صورت و حالت نماز را به هم نمی‌زند، مثل اشاره کردن با دست، نماز را باطل نمی‌کند.

۷- خوردن و آشامیدن: خوردن و آشامیدن باعث باطل شدن نماز می‌شود، اما اگر نمازگزار

۱- کاری که از روی فراموشی و بی‌توجهی از انسان سر می‌زند.

۲- سجده سهو اینگونه انجام می‌شود: بلافاصله بعد از نماز، نیت «سجده سهو» می‌کنیم و به سجده می‌رویم و می‌گوییم «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» سپس سر از سجده برمی‌داریم و می‌نشینیم دوباره به سجده رفته و همان ذکر را می‌گوییم و بعد از آنکه سر از سجده برداشتم تشهد می‌خوانیم و سلام می‌دهیم.

ذره‌های ریز غذا یا چیزهای دیگر را که در دهان دارد، در بین نماز فرو برد، نمازش صحیح است.

۸- کم و زیاد کردن ارکان و واجبات نماز: مادر سال‌های پیش با ارکان و واجبات نماز آشنا شدیم. اگر نمازگزار عمداً یا سهواً یکی از ارکان نماز مانند رکوع را کم یا زیاد کند، نمازش باطل می‌شود. البته کم یا زیاد کردن بقیه واجبات نماز، به جز ارکان، تنها وقتی نماز را باطل می‌کند که عمدی باشد.

۹- شک کردن در رکعت‌های نماز دو یا سه رکعتی: اگر نمازگزار در حالی که نماز دو یا سه رکعتی می‌خواند، شک کند که در رکعت چندم نماز است و با کمی فکر و تأمل نیز شک او برطرف نشود، نمازش باطل می‌شود و همچنین اگر در دو رکعت اول نمازهای چهاررکعتی هم شک کند، نمازش باطل می‌شود.^۱



با توجه به موارد نه‌گانه‌ای که گفته شد، آیا در داستان ابتدای درس، نماز محسن باطل شده بود؟

چند مسئله مهم درباره نماز

- نمازگزار می‌تواند در قنوت نماز به زبان فارسی یا هر زبان دیگری، دعا کند.
- اگر نمازگزار ذکرهای نمازش را آن‌قدر تند و با عجله بگوید که تلفظ آنها صحیح نباشد، نمازش باطل می‌شود.
- اگر ذکرهای واجب نماز را در حال حرکت بگوید؛ مثلاً بخشی از ذکر رکوع را در حالی بگوید که دارد از رکوع برمی‌خیزد، نمازش باطل می‌شود.
- نمازگزار نباید در حال نماز به دیگران سلام کند، ولی اگر دیگران به او سلام کنند، باید جواب سلام آنها را در حال نماز بدهد، البته جواب دادن به سلام غلطی که سلام به حساب نمی‌آید یا از روی تمسخر انجام می‌شود، واجب نیست.
- سرفه، عطسه و خمیازه کشیدن نماز را باطل نمی‌کند.
- اگر نمازگزار بعد از نماز شک کند که هنگام نماز، کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده است یا نه، نمازش صحیح است.
- گریه کردن برای آمرزش گناهان در حال نماز، چه آهسته باشد و چه با صدای بلند، عمل پسندیده‌ای است.

۱- برای آشنایی با سایر مبطلات نماز به رساله مرجع تقلید خود مراجعه نمایید.

■ شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، ولی برای جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد.



فعالیت کلاسی

در هر یک از موارد زیر توضیح دهید که آیا نماز نمازگزار،

صحیح است یا خیر :

۱- خیلی عجله دارد و به همین دلیل بعضی از ذکرهای نماز را در حال حرکت می‌گوید.

.....

۲- وسط اتمام نماز می‌خواند به طوری که برادر کوچکش محکم با سه‌چرخه به پایش می‌کوبد! او هم بی‌اختیار فریاد می‌زند : آخ! و بعد از کمی سکوت، نمازش را ادامه می‌دهد و بعد از پایان نماز هم دو سجده سهو انجام می‌دهد.

.....

۳- مشغول خواندن حمد و سوره است که ناگهان صدای بلندی می‌شنود، بی‌اختیار

برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. سپس خیلی زود رو به قبله برمی‌گردد و بقیه حمد و سوره‌اش را می‌خواند.

۴- در حالی که در مقابل تلویزیون نماز می‌خواند، خواهرزاده کوچکش تلویزیون را روشن می‌کند. با دیدن یکی از صحنه‌های فیلم خنده‌اش می‌گیرد، ولی با تلاش فراوان خودش را کنترل می‌کند و فقط آرام می‌خندد.

۵- در بین نماز، گوشی تلفن همراهش زنگ می‌زند، بدون اینکه ذکر بگوید، آن را از جیبش درمی‌آورد و نگاه می‌کند و سپس خاموش می‌کند و نمازش را ادامه می‌دهد.

۶- در نماز چهاررکعتی وقتی سر از سجده برمی‌دارد، شک می‌کند که در رکعت دوم است یا رکعت سوم.

۱- پنج مورد از مبطلات نماز را نام ببرید.

۲- در چه زمانی انسان می‌تواند جواب سلام کسی را که در نماز به او سلام کرده است، ندهد؟

۳- اگر نمازگزار در نماز مغرب شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، نمازش چه حکمی دارد؟

خودت را امتحان کن

بیشتر بدانیم

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که انسان به نماز بایستد، به خاطر رحمت خداوند، که او را فرا گرفته است، شیطان با حسادت به او می‌نگرد.^۱

۱- خصال، ۶۳۲/۱۰.

الهی

دعای بعد از نماز

خداوندا! این نازی بود که به درگاه تو گزاردم

نه به خاطر آنکه تو نیازمند آن هستی

و یا رغبت و تمایلی به آن داری

بلکه برای بزرگداشت و طاعت تو

و پذیرش آن چیزی که مرابه آن فرمان دادی

خداوندا! اگر در نماز من

کشری و کاستی دیدی،

چه در رکوع آن

و چه در سجود آن،

مرا مواخذه نکن

و باید رفتن نماز من و مغفرت خویش

مرا مشمول فضل خود قرار ده!

اخلاق

فرهنگ درو

در سال‌های گذشته در فصل اخلاق کتاب‌های پیام‌های آسمان با این موضوعات آشنا شدیم :
سال هفتم : نقش مثبت حیا و حجاب در زندگی (نشان عزت)، اهمیت علم در زندگی و نقش آن در ارتقای جایگاه مسلمانان (بر بال فرشتگان)، معیارهای انتخاب دوست خوب (کمال همنشین)، شناخت دو صفت عجله و تنبلی و راهکارهای درمان آنها (مزدوران شیطان).
سال هشتم : بررسی راه‌های دست یافتن به زندگی آرام با حفظ حیا و حجاب (نشان ارزشمندی)، شناخت آفت‌های اسراف، مصرف‌گرایی و مدگرایی در زندگی و راه‌های پرهیز از آنها (تدبیر زندگانی)، آشنایی با دو سرمایه عمر و تفکر در زندگی و نقش آنها در رستگاری انسان (دو سرمایه گران‌بها)، شناخت سه بیماری مهم زبان؛ دروغ، غیبت و ناسزا و راه‌های درمان آنها (آفت‌های زبان)، جایگاه کار در اسلام و نقش روزی حلال در زندگی (ارزش کار)، آشنایی با آداب دعا و شیوه استفاده از آن برای یاری گرفتن از خداوند (کلید گنج‌ها).

امسال با یکی دیگر از موضوعات اخلاقی آشنا می‌شویم :

درس دهم (همدلی و همراهی) : تاکنون با سه مورد از معیارهای انتخاب دوست آشنا شدیم . در این درس فرامی‌گیریم که انتخاب دوست یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی است . علاوه بر این ، با سایر معیارهای انتخاب دوست آشنا می‌شویم . معیارهایی از قبیل اهل گناه نبودن و عاقل و خیرخواه بودن . همچنین وظایف خودمان نسبت به دوست خوب را نیز در این درس فرامی‌گیریم .



درس دهم

هدلی و همراهی

پاره ای از آتش^۱،

نزدیک تر از خوشاوند^۲،

ترسناک تر از هر جنی^۳،

برترین اندوخته و سرمایه^۴،

شمسیری زیبا اما زهر آلود^۵

عالم زنده شدن روح و روان انسان^۶

فکر می کنید توصیف های ستون اول درباره چه چیز یا چه کسی است؟

توصیف های ستون دوم چه؟

به نظر شما ممکن است توصیف های هر دو ستون درباره یک چیز یا یک شخص باشند؟

۱- امام علی (ع) غررالحکم، ج ۱، ص ۱۴، ح ۳۳ .

۲- پیامبر اکرم (ص)، کنز العمال، - ۲۴۸۵۵ .

۳- امام علی (ع) غررالحکم، ۱۶۶۵ .

۴- پیامبر اکرم (ص)، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۷ .

۵- امام علی (ع)، غررالحکم، ۵۸۴۲ .

۶- امام جواد (ع)، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸ .

انتخاب سرنوشت‌ساز

همه ما در طول زندگی با نیازهای گوناگونی روبه‌رو هستیم؛ نیاز به آب، غذا، مسکن، هوای

سالم و...

کاملاً روشن است که نیازهای انسان تنها به امور جسمی محدود نمی‌شود و نیازهای روحی اگر مهم‌تر نباشد، یقیناً کم‌اهمیت‌تر از نیازهای جسمی نیست.

از مهم‌ترین نیازهای روحی انسان نیاز به دوست است. خداوند مهربان، ما انسان‌ها را به گونه‌ای آفریده است که دیگران را دوست داریم و می‌خواهیم دیگران نیز ما را دوست بدانند؛ برای همین است که همه انسان‌ها به دنبال انتخاب دوستانی برای خود هستند. بدون داشتن دوستان واقعی، انسان هم تنها و بی‌یاور است و هم از نظر روحی و عاطفی با مشکلات جدی روبه‌رو است.

انتخاب دوست در دوران نوجوانی از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است؛ زیرا در سنین بلوغ، عواطف انسانی در حال رشد و شکوفایی است و برقراری پیوند دوستی در این دوران به این شکوفایی کمک می‌کند و باعث پرورش عواطف نوع دوستی و محبت‌ورزی می‌شود. همچنین وقتی علاقه قلبی بین دو دوست ایجاد می‌شود، آن دو از صفات و حالات همدیگر تأثیر می‌پذیرند. میزان این اثرپذیری در دوران نوجوانی بسیار بالاست و گاه به حدی است که شخص می‌کوشد مانند دوست خود حرف بزند و مثل او انتخاب و زندگی کند.

البته این اثرپذیری بسیار آرام و تدریجی است به گونه‌ای که گاه حتی خود انسان نیز متوجه آن نمی‌شود و به مرور به همرنگی کامل با دوستانش می‌انجامد. امام علی علیه‌السلام درباره این اثرپذیری می‌فرماید:

از دوستی با افراد فاسد بپرهیز که وجودت ناخودآگاه، ناپاکی و بدی را از آنان می‌رباید،

درحالی‌که تو از آن بی‌خبری.^۱



شاید شما نمونه‌هایی از این اثرپذیری تدریجی را از دوستان پیرامون خود دیده باشید. این نمونه‌ها را برای دوستان خود بیان کنید.

بهترین دوست

دوستان شما چه کسانی هستند؟ آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید چرا آنها را به عنوان دوست خود انتخاب کرده‌اید؟ معیار و ملاک شما برای انتخاب آنان چه بوده است؟ آیا می‌توان با یک برخورد اتفاقی یا بر اساس ظاهر افراد آنان را برای دوستی انتخاب کرد؟

بالا بودن میزان تأثیری که دوستان بر اخلاق و رفتار ما می‌گذارند، اهمیت دقت در انتخاب دوستان را به خوبی آشکار می‌کند. پس شایسته است دوستان خود را با معیارهایی انتخاب کنیم که در نهایت باعث رشد و پیشرفت اخلاقی و فکری ما شود. با برخی از این معیارها در کتاب سال هفتم آشنا شدیم؛ مواردی همچون اهل نماز و نیکی بودن، صداقت و راست‌گویی و وفای به عهد. این بار نیز با مراجعه به قرآن کریم و سخنان پیشوایان، با برخی ویژگی‌های دیگر دوست خوب آشنا می‌شویم. با تفکر در کلمات این راهنمایان درمی‌یابیم دوست واقعی آن کسی است که:

۱. به زیبایی خرد آراسته و اهل فکر و اندیشه باشد^۱

یکی از معیارهای مهم در انتخاب دوست این است که شخصی را که به دوستی انتخاب می‌کنیم، عاقل باشد. دوست خردمند و دوراندیش، ما را در گرفتن تصمیمات درست، کمک کرده و خطر قرار گرفتن در مسیرهای نامناسب را از ما دور می‌کند. چنین دوستی، بدون فکر و اندیشه راهی را پیش پای دوست خود نمی‌گذارد و اگر خودش نیز نتواند دوستش را راهنمایی کند، او را به سمت مشورت با افراد آگاه و مطلع سوق می‌دهد. از سوی دیگر، دوستی با افراد نادان، یعنی کسانی که کارهای خود را نه بر اساس فکر و اندیشه بلکه بر مبنای احساسات و هیجانات زودگذر انجام می‌دهند، ضررهای زیادی برای ما به همراه دارد. این افراد با دادن مشورت‌های غلط و نادرست به دوستان خود، زمینه‌های انحراف و لغزش آنان را فراهم می‌آورند.

برای همین است که در روایات توصیه شده است که از دوستی با فرد نادان پرهیز کنید زیرا او می‌خواهد که به نفع شما قدمی بردارد ولی به علت نادانی، مایهٔ زیان و ضرر شما می‌شود.^۲

دوستی با مردم دانا نگوست دشمن دانا به از نادان دوست
دشمن دانا بلندت می‌کند بر زمینت می‌زند نادان دوست^۳

۱- سورة اعراف، آیهٔ ۱۹۹؛ و امام علی (ع)، کافی، ج ۴، ص ۸۵. ۲- امام علی (ع)، نهج البلاغه، حکمت ۲۹۳.

۳- سعدی.

۲. نه تنها خود اهل گناه نیست، بلکه از گناه دیگران نیز ناراحت می‌شود^۱
دور بودن از گناهان و آلودگی‌های اخلاقی یکی دیگر از ویژگی‌های مهم دوست خوب است.
متأسفانه برخی انسان‌ها به گناه و زشتی و بی‌بندوباری عادت کرده‌اند و با هر کس دیگر که دوست
شوند، او را نیز تحت تأثیر خلق و خوی ناشایست خود قرار می‌دهند. به همین دلیل است که
حضرت علی علیه‌السلام دوستی با این‌گونه افراد را به شدت منع کرده است:

«سزاوار و شایسته نیست که مسلمان با افراد بی‌بندوبار رفاقت کند زیرا او کارهای

زشت خود را زیبا جلوه می‌دهد و دوست دارد که دوستش هم‌رنگ او باشد»^۲.

پس هرگاه دیدید که دوستان به راحتی گناهان خود را برای شما تعریف می‌کند و شما را نیز
به انجام آن و یا همراهی با خود دعوت می‌کند، و یا اگر دیدید وقتی اشتباه یا گناهی مرتکب می‌شوید،
دوستان با خنده از کنار شما می‌گذرد و حتی شما را به ادامه آن کار تشویق می‌کند، باید دانست که وی
دوست مناسبی نیست. این دوستان به شمشیری زهرآلود تشبیه شده‌اند که اگرچه ظاهرشان براق و زیبا
است اما اثری خطرناک دارند^۳.

چون بسی‌البیس آدم روی‌ست پس به‌هر دوستی شاید او دوست^۴

۳. خیر خواه دوستانش است^۵

دوستان واقعی، خیر یکدیگر را می‌خواهند، برای همین هر عیبی که از دوستان ببینند پنهانی
به او تذکر می‌دهند و دوستان را در برطرف کردن این عیوب یاری می‌کنند، گرچه در این میان ممکن
است طرف مقابل متوجه خیرخواهی دوستش نباشد و از این کار ناراحت شود.
امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«محبوب‌ترین دوستانم نزد من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه دهد»^۶.

این ویژگی‌ها می‌تواند راهنمای خوبی برای انتخاب دوستان باشد. آنان که به این ویژگی‌ها توجه
نکردند و با اهمیت دادن به جنبه‌های مادی و ظاهری با هر کسی که سر راهشان قرار گرفت، دوست
شدند، سرنوشت خوبی در این دنیا پیدا نکردند. این افراد در آخرت نیز چیزی جز حسرت و پشیمانی
به همراه نخواهند داشت.

۱- امام علی (ع)، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۸۴.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۵۴. ۳- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸. ۴- مولوی، مثنوی معنوی.

۵- امالی صدوق، ص ۳۹۷. ۶- کافی، ج ۲، ص ۶۳۹.

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ
 يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا
 و روزی که ظالم دو دست خویش را با دندان می‌گزد
 و می‌گوید ای کاش با پیامبر [و دین او] همراه
 می‌شدم.

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا
 لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي
 وای بر من، کاش فلان شخص را به عنوان دوست
 خود انتخاب نمی‌کردم،
 او مرا از یاد خدا گمراه کرد، پس از آنکه آن [یاد خدا]
 به من رسیده بود.



فرهاد با ورود به محله جدید با یکی از هم‌سن و سالان خود، که در
 همسایگی شان بود، دوست شد. اما با گذشت زمان، رفتارهایی از او دید
 که متوجه شد دوست مناسبی نیست. او اکنون بر سر یک دوراهی است؛
 از یک سو نمی‌خواهد به دوستی خود با او ادامه دهد و از سوی دیگر نمی‌داند که چگونه
 می‌تواند به این دوستی نامناسب پایان دهد. شما چه پیشنهادهایی به او می‌دهید؟



دوستی به رنگ سراب

برخی برای دوستی با دیگران معیار مشخص و مناسبی ندارند و وقتی از آنها می‌پرسی چرا با
 این فرد دوست شدید؟ می‌گویند چون ظاهر جذابی داشت و یا شیفته حرف‌هایش شدم؛ برخی‌ها حتی
 وضعیت مالی افراد را سبب دوستی با آنها معرفی می‌کنند. حدس بزنید که این گونه دوستی‌ها چه نتایجی
 می‌تواند به دنبال داشته باشد.

وقتی کسی را دوست می‌داریم، محبت ما نمی‌گذارد خطاها و نقاط ضعف او را به خوبی ببینیم
 و به همین دلیل به راحتی به او اعتماد می‌کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این حالت انسان
 می‌فرماید: **دوست داشتن هر چیز، تو را نسبت به عیب‌های آن کور و کر می‌کند**.^۱

صفحات حوادث روزنامه‌ها و مجلات، انباشته از سرگذشت کسانی است که با ملاک‌های

۱- سورة فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۰.

ظاهری به دیگران علاقه‌مند می‌شوند و سپس به خاطر محبت و اعتمادی که به آنها دارند، طبق خواسته‌های آنان رفتار می‌کنند. این افراد به راحتی فریب می‌خورند و مورد سوءاستفادهٔ کسانی قرار می‌گیرند که با حرف‌ها و ظاهری آراسته، خود را در قلب آنان جای داده بودند.

اشکال دیگر این دوستی‌ها ناپایداری آنهاست. به نظر شما شخصی که تنها به خاطر ظاهر کسی به او علاقه‌مند می‌شود، تا چه زمانی می‌تواند به این دوستی ادامه دهد؟ همین که این شخص، فردی با ظاهر زیباتر ببیند دوست قبلی خود را فراموش می‌کند و دل‌باخته بعدی می‌شود. اکنون باید پرسید که تکلیف دوستی قبلی چیست و این قطع ناگهانی دوستی بر روحیه افراد چه تأثیری خواهد گذاشت؟ پاسخ آن همه اعتماد و روزها و ساعت‌های تلف شده را چه کسی خواهد داد؟!

حدود و وظایف دوستی

حفظ دوستی از پیدا کردن دوست مشکل‌تر است. پایداری رابطهٔ دوستی و رسیدن به ثمرات و نتایج آن بستگی به رعایت برخی از حدود و انجام وظایف متقابل دارد.

برخی از این حدود و وظایف عبارت‌اند از:

۱- احترام به دوست: گرچه بین دوستان نزدیک باید صمیمیت حکم فرما باشد اما در هر حال باید به شخصیت همدیگر احترام گذارند و از محدودهٔ ادب و اخلاق خارج نشوند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

به اتکای رابطهٔ صمیمانه و دوستانه، حق برادرت را ضایع مکن زیرا این عمل رابطهٔ دوستی را از بین می‌برد و کسی که حقش را ضایع ساخته‌ای، دیگر دوست تو نخواهد ماند^۱.

نام ناپسند نهادن، مسخره کردن، شوخی‌های آزاردهنده، استفادهٔ بیش از حد و بدون اجازه از وسایل دوستان، از مواردی است که پیوند دوستی را سست می‌کند.

۲- میانه‌روی در دوستی: لازمهٔ دوستی پایداری، رعایت میانه‌روی است. گاه شیفتگی فوق‌العاده به دوست باعث می‌شود که حدود دوستی رعایت نشود و همین مسئله مشکلاتی را برای ما به وجود می‌آورد. میانه‌روی در دوستی را باید در چند مورد به خوبی رعایت کرد:

الف) پرهیز از گفتن تمامی اسرار به دوست: در عین اعتماد به دوست، نباید همه اسرار زندگی خود را به او بگوییم؛ چه بسیار اتفاق افتاده است که دوستی‌ها به هم می‌خورد و افراد به افشای

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

اسرار دوست خود اقدام می‌کنند. از همین روست که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید :
محبت خود را نثار دوست کن، و در عین حال به طور مطلق به او اعتماد مکن.
همان‌گونه که می‌خواهی با تو رفتار نماید با او رفتار کن، اما همه اسرار را با او در میان
مگذار!.

ب) *نداشتن توقع بیجا از دوست* : نباید انتظار داشته باشیم دوست ما هرگونه خواسته ما را
برآورده سازد و یا همواره برای ما فداکاری کرده و به خاطر ما از همه چیز خود بگذرد. برخی از افراد،
توقع ایثار و فداکاری یک‌طرفه از دوست خود دارند تا جایی که انتظار دارند در هر امر باطل و ناحقی
هم از آنان حمایت کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید :

کسی که از دوست خود جز فداکاری انتظار ندارد، همواره خشمگین و ناراحت است.^۲

ج) *پرهیز از علاقه افراطی* : دوستی‌های دوران نوجوانی، ممکن است به سرعت به علاقه‌های
بسیار شدیدی تبدیل شود. این نوع علاقه‌های افراطی موجب اضطراب و پریشانی خاطر می‌شود و آرامش
زندگی انسان را برهم می‌زند زیرا فرد همواره نگران از دست دادن دوست خود و یا دور شدن از اوست.



به نظر شما چگونه می‌توان از ایجاد دل بستگی‌ها و علاقه‌های
افراطی در دوستی‌ها جلوگیری کرد؟ و اگر کسی دچار این اشتباه شود
چگونه می‌تواند خود را از این وابستگی نجات دهد؟

بیشتر بدانیم

حتماً برای تو هم، زمان‌هایی پیش آمده که دلت گرفته است و در آن لحظه دوست داشتی با کسی درددل کنی، با دوستی که بی‌منت پای درددل‌هایت بشیند و تو و غصه‌هایت را درک کند، اما در آن لحظه چنین دوستی را نیافته‌ای و از ته دل آهی کشیده‌ای و گفته‌ای من چقدر تنهایم! شما در چنین لحظاتی چه می‌کنید؟



برخی این تنهایی را مجوزی می‌دانند تا سراغ دوستی‌هایی بروند که با معیارهای گفته شده همخوانی ندارد.

مثلاً یکی از محیط‌هایی که از سوی برخی از نوجوانان و جوانان به عنوان مکانی جهت دوست‌یابی انتخاب می‌شود، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی است. اما آیا در این نوع دوست‌یابی‌ها



می‌توان به صداقت یا خیرخواهی طرف مقابل و با ملاک‌های دیگری که باید در انتخاب دوست به آن توجه کرد پی برد؟ ممکن است گفته شود که ما فقط برای سرگرمی و وقت‌گذرانی سراغ این‌گونه دوستی‌ها می‌رویم اما بهتر است توجه داشته باشیم که پس از مدتی این ارتباطات عمیق‌تر شده و حتی شکل احساسی نیز به خود می‌گیرد و همین باعث می‌شود که بین طرفین دلبستگی به وجود آید، دلبستگی‌هایی که در بسیاری از موارد پایان خوبی ندارد.

از سوی دیگر از آنجایی که این ارتباطات در یک فضای مجازی رخ می‌دهد، امکان هویت‌سازی جعلی نیز وجود دارد. یعنی افراد می‌توانند با ساختن هویت دروغین به معرفی خود به دیگران بپردازند. از همین جهت میزان سوءاستفاده در این فضا به مراتب بیشتر از فضای واقعی است. بارها اتفاق افتاده که بسیاری از دختران و پسران جوان در دام افرادی افتاده‌اند که به دنبال سوءاستفاده از آنان بوده‌اند. علاوه بر این، تجربه نشان داده که این‌گونه ارتباطات در بسیاری از مواقع باعث آسیب دیدن عواطف، کاهش تدریجی شرم و حیا و در نهایت افسردگی می‌شود. می‌دانید چرا؟



و البته هستند کسانی که در لحظات دل‌تنگی به یاد دوستی می‌افتند که از هرکسی به آنان نزدیک‌تر است، دوستی که همیشه همراهشان است. کسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این‌گونه با او سخن می‌گفت: «ای دوست آن کس که دوستی ندارد، ای مهربان در حق آن که کسی به او مهربانی نمی‌کند، ای رفیق آن که رفیقی ندارد و ای مونس و همدم کسی که همدمی ندارد...» (بخشی از دعای جوشن کبیر) و امام حسین علیه السلام این‌گونه با او نجوا می‌کرد: «ای تکیه‌گاه من در سختی‌ها، ای همدم من در تنهایی، ای فریادرس من در سختی‌ها...». (بخشی از دعای عرفه)

شما هم این دوست را امتحان کنید! حرف‌هایتان را به او بزنید، با او درد دل کنید، از غم‌ها و غصه‌ها و خواسته‌هایتان به او بگویید و سپس به صدای قلب خود گوش کنید! ببینید چه آرام شده است، آرامشی که تاکنون از صحبت با هیچ کس به دست نیامده بود. این بخشی از پاسخ خدا به درددل‌های شماست. البته او پاسخ‌های دیگری نیز برایتان دارد!

- ۱- چرا انتخاب دوست در دوران نوجوانی از اهمیت بسیاری برخوردار است؟
- ۲- چرا در روایات به دوری از دوستی با افراد نادان سفارش شده است؟
- ۳- دو مورد از کارهایی را بیان کنید که برای میانه‌روی در دوستی‌هایمان باید انجام دهیم.
- ۴- با توجه به آیات ۲۸ و ۲۹ سوره فرقان، حال و روز کسانی که در دنیا، دوستان خوبی انتخاب نکرده‌اند را بیان کنید.
- ۵- دوست بد در روایات به چه چیزهایی تشبیه شده است؟

پیشنهاد

در اشعار و ضرب‌المثل‌های ما مطالب فراوانی دربارهٔ دوست هست. چند نمونه از آنها را پیدا کنید و در کلاس بخوانید.

الهی

ای آرزوی دل مسافان
و ای والاترین درخواست دوست داران؛
از تو محبت رامی خواهم
و محبت آنان که تو را دوست دارند
و از تو محبت هر علی رامی خواهم که مرا به تو نزدیک کند.
خداوندا!

خودت را از هر چه غیر تو ست، نزد من محبوب تر کن
و محبتی را که به تو دارم، بایه رسیدنم به خوشنودیت قرار ده

الهی

به چشم لطف و محبتت به من بنگر
و از من روی مگردان

و مرا از اهل سعادت قرار ده؛ ای مهربان ترین مهربانان!

جامعه اسلامی

فصل

سال گذشته در فصل جامعه اسلامی کتاب هشتم، در درس «ما مسلمانان»، دانستیم که وظایف مسلمانان نسبت به یکدیگر چیست. همچنین در درس «حق الناس» دانستیم که رعایت حقوق دیگران تا چه میزان در دستیابی به رستگاری و بهشت الهی تأثیر دارد. امسال در همین فصل با این مباحث آشنا می‌شویم:

درس یازدهم (مسئولیت همگانی): در این درس می‌آموزیم که ما نسبت به کارها و رفتارهای دیگران در جامعه مسئول هستیم و باید تلاش کنیم در جامعه کار زشت و منکری انجام نشود و کارهای خیر و معروف نیز رواج یابد. در این درس، با اهمیت یکی از احکام اساسی دین یعنی امر به معروف و نهی از منکر آشنا می‌شویم.

درس دوازدهم (انفاق): انفاق یکی از مسئولیت‌های اقتصادی مسلمانان در جامعه است؛ انفاق یا اعطای بخشی از اموال در راه خداوند در قالب‌های زکات، خمس، صدقه و وقف صورت می‌گیرد که در این درس با آنها آشنا می‌شویم.

درس سیزدهم (انقلاب اسلامی ایران): انقلاب اسلامی ایران موجب عزت و سربلندی ملت ایران در میان تمامی مسلمانان جهان شده است. در این درس با ثمرات و برکات انقلاب اسلامی آشنا می‌شویم. همچنین می‌آموزیم که دشمنان انقلاب اسلامی چه نقشه‌های خطرناکی برای انحراف یا نابودی انقلاب اسلامی اجرا می‌کنند و چگونه می‌توان در برابر این نقشه‌ها ایستادگی و مقابله کرد.

درس چهاردهم (جهاد): جهاد در راه خداوند یکی از توفیقات بزرگی است که برای برخی از انسان‌ها فراهم می‌شود. در این درس با جایگاه جهاد در راه خدا برای مبارزه با دشمنان اسلام و انواع جهاد آشنا می‌شویم.

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ



درس یازدهم

مسئولیت همگانی

تصور کنید :

- کسی اجناس بی کیفیت را به عنوان کالای مناسب و باکیفیت به مشتریان می فروشد،
- خانواده ای در جنگل آتش روشن می کند،
- یکی از دوستانمان در جمع دیگران با تلفن همراه خود با کسی دعوا و از الفاظ زشت نیز استفاده می کند،
- دانش آموزی به اموال مدرسه و کلاس آسیب می زند،
- خودرویی به علت نقص فنی، بیش از اندازه دود می کند و هوا را آلوده می کند. ممکن است کسی با دیدن این کارها بگوید :
- به من چه ارتباطی دارد؟ مگر من مسئول کارهای مردم هستم؟
- گفتن من چه فایده ای دارد؟ او که به این کار عادت کرده است.
- بالآخره یک نفر پیدا می شود و به او تذکر می دهد.
- من خجالت می کشم چیزی بگویم. اگر من را جلوی دیگران ضایع بکند، چه؟
- من می ترسم. شاید با من با تندی برخورد بکند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما هریک از دلایل بالا برای تذکر ندادن به دیگران تا چه حد قابل پذیرش است؟

امر به معروف و نهی از منکر

در گذشته که مردم با کشتی‌های بادبانی به مسافرت می‌رفتند با حوادث گوناگون و گاه دلهره‌آوری روبه‌رو می‌شدند. حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی پهناور، سرنوشت ساکنان کشتی را به هم نزدیک می‌کرد. آنان هنگام خطر به خوبی درک می‌کردند که چقدر عاقبت و سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است! یا با هم نجات خواهند یافت و یا با هم در دریا فرو می‌روند!

حال اگر در چنین کشتی‌ای یکی از سرنشینان، جایی را که نشسته به بهانه اینکه جای خودش است، سوراخ کند، سایر سرنشینان چه واکنشی از خود نشان خواهند داد؟ آیا دیگر کسی خواهد گفت که هر کس اختیار جای خود را دارد و یا به من چه مربوط است؟ آیا کسی به بهانه خجالت کشیدن یا ترسیدن، بی‌تفاوت از کنار آن فرد خواهد گذشت؟





جامعه نیز مانند کشتی است و مردمان آن همچون سرنشینان کشتی هستند که سرنوشت آنها به هم گره خورده است. برای همین اگر در جامعه، شخصی بخواهد قوانین الهی و یا اجتماعی را زیر پا گذارد، نمی‌توان به سادگی از کنار خطا و گناه وی گذشت.

به همین دلیل یکی از مسئولیت‌های افراد جامعه نسبت به هم، توصیه یکدیگر به کار خیر و پسندیده و بازداشتن هم از کار ناپسند است. این کار همان «امر به معروف و نهی از منکر» است. البته مؤمنان در این باره مسئولیت بیشتری دارند، زیرا مؤمنان ولی یکدیگرند؛ یعنی همدیگر را دوست دارند و نسبت به سرنوشت هم احساس مسئولیت می‌کنند. آنها همان‌گونه که از سعادت و خوشبختی خود لذت می‌برند، کامرانی و خوشبختی دیگر انسان‌ها نیز برایشان شیرین و شادی‌آور است. آنها می‌دانند که رسیدن به سعادت دنیا و آخرت تنها با عمل به دستورات دین یعنی انجام اعمال نیک و ترک گناهان امکان‌پذیر است. از همین جهت، هم خود به این دستورات عمل می‌کنند و هم دیگران را به انجام اعمال صالح سفارش می‌کنند و آنان را از ترک واجبات و انجام محرمات باز می‌دارند.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ مَرَدَانٍ وَ زَنَانِ مَوْمِنٍ، وَلِيَّ يَكْدِيغِرْنَ
يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
[یعنی اینکه] امر به معروف
و نهی از منکر می‌کنند.



آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

اگر هر کس با توجیه و بهانه‌های مختلف از انجام مسئولیت همگانی امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟ مردم نسبت به سرنوشت دیگران بی‌تفاوت می‌شوند، کارهای نادرست و ناپسند در جامعه رواج می‌یابد و زشتی انجام بسیاری از این کارها از بین می‌رود، تا آنجا که حتی برخی زشتی‌ها به عنوان کار معروف و خوب شناخته می‌شود، تعالیم و دستورات دین در میان مردم فراموش می‌شود و کم‌کم آن قدر گناه و فساد در جامعه فراوان می‌شود که رحمت و برکت خداوند از آن جامعه برداشته شده و جامعه مستحق عذاب الهی می‌گردد.

امام کاظم علیه السلام می فرماید :

«حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه شرورترین افراد جامعه بر شما مسلط خواهند شد و در این صورت بهترین‌های شما هم اگر دعا کنند، دیگر مستجاب نخواهد شد.»^۱*

به دلیل جلوگیری از بروز این آسیب‌ها و مشکلات است که امر به معروف و نهی از منکر دارای جایگاه بسیار بالا و سرنوشت‌سازی است تا آنجا که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید :

«همه کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره در برابر دریایی بهناور و عمیق است. خداوند سبحان اقوام پیش از شما را عذاب نکرد، مگر به دلیل اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس بی‌خردان آنها را به دلیل انجام معصیت‌ها عذاب کرد و خردمندان را به دلیل نهی نکردن از زشتی‌ها.»^۲



شخصی را تصور کنید که در جمع دیگران غیبت می‌کند. در جدول زیر نتایج نهی از منکر کردن و پیامد ترک آن را بنویسید.

اگر نهی از منکر نشود	اگر نهی از منکر بشود
.....	او دیگر این گناه را حداقل در آن جمع انجام نمی‌دهد.
آبروی کسی که از او غیبت شده است در میان جمع از بین می‌رود.
.....
.....

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، کلمات قصار شماره ۳۷۴.

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۶.

* متن روایت حفظ شود.

با حرص فراوان مشغول صید ماهی‌هایی هستند که روز شنبه آنها را گیر انداخته‌اند. امروز یکشنبه است. ماهی‌هایی را که روز شنبه در آبگیرها گیر انداخته‌اند صید می‌کنند و خوشحالند از اینکه ...



دسته‌ای از قوم یهود در کنار دریا زندگی می‌کردند. آنان از یاد خداوند بسیار غافل شده بودند. خداوند برای امتحان آنان دستور داد روز شنبه، که روز تعطیلی یهودیان است، ماهی نگیرند. از طرفی روز شنبه ماهی فراوان می‌شد و این امتحان را سخت‌تر می‌کرد.

در این میان عده‌ای بودند که خود را انسان‌های زرنگی می‌دانستند. آنان در روز شنبه که ماهی فراوان می‌شد، ماهی‌ها را به آبگیرها هدایت می‌کردند و وقتی این آبگیرها پر از ماهی می‌شد، راه بازگشت ماهی‌ها را می‌بستند و روز یکشنبه تمام ماهی‌های گیرافتاده را صید می‌کردند.

گروهی، آنان را از این کار نهی می‌کردند و آن را نافرمانی خداوند می‌دانستند. ولی عده دیگری می‌گفتند شما چرا آنها را نهی می‌کنید، نهی آنان فایده‌ای ندارد و خداوند آنان را عذاب خواهد کرد؛ مؤمنان در جواب آنان می‌گفتند ما آنان را از این کار زشت نهی می‌کنیم تا نزد پروردگارتان معذور باشیم و شاید با این کار ما، آنها از این کار دست بردارند.

تا اینکه سرانجام ...

خداوند عذابی فرستاد که در آن کسانی که ماهی می‌گرفتند و کسانی که آنان را نهی نمی‌کردند باهم گرفتار عذاب شدند و فقط کسانی از این عذاب نجات یافتند که آنان را از نافرمانی خداوند نهی می‌کردند. داستان این قوم در قرآن کریم آمده است:

و چون اندرزی را که به آنها داده شده بود (روز) فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ

شنبه ماهی نگیرند) فراموش کردند

کسانی را که از بدی (ماهی‌گیری روز شنبه) نهی أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

می‌کردند نجات دادیم

و کسانی را که ستم کرده بودند (روز شنبه ماهی وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ

گرفته بودند و یا ماهی‌گیران را از این کار نهی نکرده بَيِّسٍ مِّمَّا كَانُوا يَفْسُقُونَ^۱

بودند) به خاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار

ساختیم.



شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

اگر مقداری گچ روی لباس شما ریخته باشد، چگونه آن را پاک می‌کنید؟
حالا اگر لباس شما با جوهر خودکار کثیف شده باشد، آیا باز هم می‌توانید با تکاندن لباس، آن را پاک کنید؟

هدف شما در هر دو حالت، پاک کردن لباس است، اما روش‌ها متفاوت است!
هدف ما در نهی از منکر این است که انسان خطاکار به اشتباهاتش ادامه ندهد. گاهی همین که با دیدن یک گناه روی خود را برگردانیم و با فرد خطاکار به سردی رفتار کنیم برای جلوگیری از آن اشتباه کافی است.

گاهی نیز شخص خطاکار متوجه زشتی رفتارش نیست؛ در این صورت ما باید با مهربانی و با برخورد خوب او را متوجه اشتباهش کنیم و با احترام از او بخواهیم که دیگر آن خطا را تکرار نکند.
در بعضی موارد نیز برای اینکه ناراحتی خود را از انجام گناهی نشان دهیم، باید آنجا را ترک کنیم.



آیا با این شیوه‌ها می‌توان همواره از انجام گناهان جلوگیری کرد؟
مثلاً آیا می‌توانیم با صحبت کردن با کسی که به خرید و فروش مواد مخدر می‌پردازد و بسیاری را گرفتار اعتیاد می‌کند، او را از تکرار این گناه بزرگ بازداریم؟
پس در چنین زمان‌هایی وظیفه ما چیست و باید چگونه عمل کنیم؟

چند نکته مهم

- ۱- برای حفظ آبروی افراد، تا حد امکان نباید خطاهایشان را در حضور دیگران به آنها بازگو کنیم.
- ۲- برای اینکه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بیشتر شود خوب است خودمان به آنچه دیگران را به آن توصیه می‌کنیم عمل کنیم و کاری را که از آن نهی می‌کنیم انجام ندهیم.
- ۳- هر امر به معروف و نهی از منکری، یک موفقیت است؛ زیرا اگر به نتیجه برسد علاوه بر رسیدن به رضایت و پاداش الهی به اصلاح اطرافیان و جامعه خود کمک کرده‌ایم و اگر به نتیجه نرسد به وظیفه خود عمل کرده‌ایم و از اجر و ثواب خداوند بهره برده‌ایم.

فعالیت کلاسی

یک بار دیگر به منکرهای صورت گرفته و معروف‌های ترک شده در ابتدای درس توجه کنید. به نظر شما راه امر به معروف و نهی از منکر در این موارد چیست؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-

- ۱- آثار منفی ترک امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنید. (چهار مورد)
- ۲- با توجه به سخن حضرت علی علیه‌السلام جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را در میان اعمال نیک بیان کنید.

خودت را امتحان کن

پیشنهاد

در باره زندگی یکی از شهدای امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

ای

ای دوستار نیکان و خوبان

یاری ام کن تا از نیکان باشم و دیگران را نیز به نیکی توصیه کنم

خداوند به تو پناه می برم از همه بدی ها و زشتی ها

و از تو می خواهم که به من توفیق دهی

تا بدی نکنم و دیگران را نیز از بدی کردن باز دارم

ای کسی که امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر را دوست می داری

کجک کن تا من نیز دوست بدارم کسی را که مرا به کار نیک امر می کند

و محبت بورزم به کسی که مرا از کار بد بازمی دارد.

ای مهربان ترین مهربان ها!



دوازدهم درس

اتفاق

به این آمارها توجه کنید :

- گرسنگی یکی از عوامل مهم مرگ و میر در جهان به شمار می‌رود به طوری که در هر دقیقه ۳۰ نفر به علت گرسنگی، جان خود را از دست می‌دهند.
- شصت و شش میلیون کودک در مقطع ابتدایی در سراسر جهان، گرسنه به مدرسه می‌روند.
- فقر هر ساله باعث مرگ دو میلیون و ششصد هزار کودک زیر پنج سال می‌شود.
- ۸۷۰ میلیون نفر در جهان غذای کافی برای خوردن ندارند.
- بیش از یک میلیارد نفر از مردم روی زمین درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند.
از سوی دیگر
- دارایی ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد جهان برابر دارایی ۳/۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان است.
- با غذایی که در اروپا و آمریکای شمالی دور ریخته می‌شود، سه برابر گرسنگان فعلی جهان را می‌توان سیر کرد.
- یک سوم مواد غذایی که سالانه در جهان تولید می‌شود (حدود ۱/۳ میلیارد تن) تبدیل به زباله می‌شود و هدر می‌رود.
- سالانه ۲/۴ میلیون نفر در سراسر جهان در اثر بیماری‌های ناشی از پرخوری می‌میرند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما علت این اختلاف چیست؟ چرا این وضع در جهان به وجود آمده است؟

دانستیم که دین اسلام آخرین و کامل‌ترین برنامه‌ای است که خداوند برای نجات بشر از تمامی گرفتاری‌ها و دست یافتن به رستگاری در دنیا و آخرت فرستاده است؛ به همین دلیل این دین باید راهی برای نجات مردم از فقر داشته باشد. یکی از راه‌کارهای دین اسلام برای حل این مشکل انفاق است. در دین اسلام به مردم توصیه شده است، بخشی از اموال خود را در راه خداوند انفاق کنند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌می‌فرماید :

«خداوند به اندازه‌نیازمندی‌های مردم فقیر در اموال ثروتمندان حقی قرار داده است، اگر بپردازند نیازمندی‌های عمومی مردم برطرف می‌شود. اگر گرسنه یا برهنه‌ای در میان مردم پیدا شد به این دلیل است که ثروتمندان، «حقوق واجب» اموال خود را نپرداخته‌اند.»



انفاق

در سال گذشته دانستیم که رابطه‌ی میان مسلمانان، رابطه‌ی برادری است و همان‌طور که هر برادری نسبت به خواهران و برادران خود در خانواده وظایفی دارد، برادران دینی نیز در برابر یکدیگر وظایفی دارند. یکی از این وظایف کمک مالی به نیازمندان است. خداوند در قرآن کریم همواره انسان‌ها را به بخشش قسمتی از اموالشان به نیازمندان تشویق کرده و این اعطای مال را «انفاق» نام نهاده است :

کسانی که اموال خود را انفاق می‌کنند
در شب و روز
به صورت پنهانی و آشکارا
پاداششان نزد پروردگارشان است
نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.*

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
سِرًّا وَعَلَانِيَةً
فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۲

انفاق مال آن‌قدر نزد خداوند ارزشمند است که آن را یکی از نشانه‌های مؤمن بودن می‌داند.^۳ خداوند، حکمت انفاق را «توزیع ثروت میان فقرا و جلوگیری از انحصار آن در دست

۳- سوره بقره، آیه ۳.

۲- سوره بقره، آیه ۲۷۴.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴.

* آیه با ترجمه حفظ شود.

ثروتمندان» بیان کرده است^۱. در صورتی که انفاق مال در جامعه گسترش پیدا کند، ثروت به دست نیازمندان نیز می‌رسد و فاصله طبقاتی میان ثروتمند و فقیر کمتر می‌شود، بخش زیادی از گناهان و جرم‌های ناشی از فقر از جامعه ریشه‌کن می‌شود، مردم نسبت به یکدیگر مهربان‌تر می‌شوند و احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و در نهایت آرامش و امنیت در جامعه حاکم می‌شود.



در روایت‌هایی که زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام را وصف کرده‌اند، آمده است: در آن دوران، عقل انسان‌ها به نهایت رشد و کمال خود می‌رسد و از سوی دیگر در جامعه فقری پیدا نمی‌شود. به نظر شما میان این دو (پیدا نشدن فقیر در جامعه و کامل شدن عقل) چه ارتباطی هست؟

بیشتر بدانیم

برای بار سوم نیمی از تمام اموال خود را در راه خدا انفاق کرد. هیچ چیزی از قلم نیفتاده بود، هر آنچه بود میان فقرا تقسیم شد. چشم فقرای مدینه به در خانه او بود. آنان جمع شده بودند تا با کمک‌های او بتوانند به زندگی خود سروسامانی بدهند.

او مشهور به کریم‌ترین انسان مدینه است. آوازه او همه جا پیچیده است. هرکسی وارد مدینه می‌شود سراغ خانه حسن بن علی را می‌گیرد، چون می‌داند او تنها کسی است که همواره در خانه‌اش به روی نیازمندان باز و سفره خانه‌اش همواره برای میهمانان گسترده است. او از همه آنان با بهترین غذاهای موجود در خانه پذیرایی می‌کند.^۲



۱- سورة حشر، آیه ۷.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۱۰؛ تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر، ج ۱۳، ص ۲۴۳؛ سیر اعلام النبلاء ذهبی، ج ۳، ص ۲۶۷.

انواع انفاق

انفاق بر دو نوع است: واجب و مستحب.

انفاق‌های واجب عبارت‌اند از: زکات و خمس و انفاق‌های مستحب عبارت‌اند از قرض‌الحسنه، وقف و... در این درس با نمونه‌هایی از این دو نوع انفاق آشنا می‌شویم:

انفاق‌های واجب:

۱- زکات: زکات در اصل به معنای پاک شدن از دلبستگی‌ها و آلودگی‌هاست و به نوعی از انفاق گفته می‌شود که به برخی از دارایی‌های انسان تعلق می‌گیرد. این دارایی‌ها سه دسته است: **غلات:** گندم، جو، خرما و کشمش **دام‌ها:** شتر، گاو و گوسفند **سکه‌ها:** طلا و نقره
اگر کسی از این دارایی‌ها، به اندازه‌ای داشته باشد که در دین تعیین شده است بر او واجب است بخش مشخصی از آن را در راه خدا انفاق کند.^۱

پرداخت زکات موجب مصونیت مال از نابودی و پرپرکت شدن آن می‌شود. اگر زکات اموال داده نشود، خداوند نعمت‌هایش (بارندگی، حاصلخیزی، فراوانی و...) را از صاحبان آنها باز می‌دارد. **زکات فطره:** زکات فطره، زیرمجموعه زکات است. کسی که هنگام غروب شب عید فطر، بالغ و عاقل و هشیار باشد و فقیر هم نباشد، باید برای خود و کسانی که او هزینه زندگی آنان را می‌دهد، به ازای هر نفر سه کیلوگرم گندم یا جو یا برنج و یا هر غذایی که در طول ماه مبارک رمضان بیشتر از آن استفاده کرده است را به مستحق بدهد. البته اگر بول آنها را هم بدهد کفایت می‌کند.



به آمار تقریبی تولید سالانه چهار محصول مهم کشاورزی در ایران، توجه کنید:

۱- سیزده میلیارد کیلوگرم گندم،

۲- سه میلیارد کیلوگرم جو،

۳- یک میلیارد کیلوگرم خرما، و

۴- سیصد میلیون کیلوگرم کشمش.

به نظر شما اگر فقط زکات این محصولات (که تقریباً حدود هزار میلیارد تومان است) پرداخت شود، چه تغییرات مثبتی در جامعه ایجاد می‌شود؟

۱- میزان این دارایی‌ها و مقدار دقیق زکات هر کدام از این موارد در رساله توضیح‌المسائل مشخص شده است (دبیران محترم می‌توانند توضیحات تکمیلی در این خصوص را در کتاب راهنمای معلم مشاهده کنند).

۲- **خُمس**: هر مسلمانی که از طریق کار، درآمدی کسب می کند پس از صرف هزینه های سالانه زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم آنچه را که باقی مانده است به عنوان خمس بپردازد. خمس یکی از راه های تأمین نیازهای جامعه است که به حاکم اسلامی یا مرجع تقلید پرداخت می شود تا آن را در راه هایی که قرآن کریم، رسول اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام مشخص کرده اند صرف کنند، مانند آشنا کردن مردم با معارف دینی، دفاع از کشورهای اسلامی، تربیت دانشمندان علوم دینی، تألیف و توزیع کتاب های دینی و ...

نکات قابل توجه در خمس

■ هر کسی که از طریق تجارت، صنعت، کشاورزی یا کسب های دیگر، مالی به دست آورد باید برای خود «سال مالی»^۱ داشته باشد و در انتهای «سال مالی»، اگر به اموال او خمس تعلق می گیرد، خمس اموالش را بدهد.

■ با پولی که خمس آن پرداخت نشده است، نمی توان چیزی خرید؛ به عنوان مثال اگر با آن پول خانه ای خریداری شود، نماز خواندن در آن خانه باطل است.

■ به آذوقه هایی مانند برنج، روغن و هر خوراکی دیگری که از درآمد سال، برای مصرف در خانه خریده شده است و در پایان سال مالی باقی مانده است، خمس تعلق می گیرد.

■ زیورآلات خانم ها، اگر بیش از مقدار مصرفی رایج آنها باشد و حالت پس انداز داشته باشد، باید خمس بخش زیادی آن پرداخته شود.

بیشتر بدانیم

سیره شهدا

شهید مهدی باکری یکی از سرداران بزرگ کشورمان در دوران دفاع مقدس بود. یکی از ویژگی های ایشان عمل به احکام دین با دقت کامل بود. او سعی می کرد همیشه نماز خود را در اول وقت و به جماعت اقامه کند. او در پرداخت خمس نیز بسیار دقیق و حساس بود. یکی از دوستان ایشان نقل می کند که در اواخر اسفند ماه یکی از سال های اول جنگ بود که دیدیم آقا مهدی در سنگر مشغول شمردن پول های همراه خود است. سپس با خانواده خود نیز تماس گرفت و جویای ارزش اجناس باقی مانده در منزل برای محاسبه میزان خمس آنها

۱- ابتدای سال مالی، اولین روزی است که فرد در آن درآمدی کسب کرده است (به عنوان مثال این زمان برای یک کارگر آن روزی است که اولین مزد خود را می گیرد و یا برای یک کشاورز روزی است که اولین محصول خود را برداشت می کند) و پایان آن گذشتن یک سال شمسی از آن روز است.

شد و بلافاصله مبلغ مشخصی را از اموال خود جدا کرد و آن را به یکی از نمایندگان امام خمینی رحمه الله علیه پرداخت کرد. آنگاه با خاطری آسوده، نفسی کشید و گفت: امروز سال مالی ام بود. خدا را شکر حالا اگر شهید شوم، بدهی شرعی ندارم.^۱



انفاق‌های مستحب

پس از آشنایی با خمس و زکات به عنوان دو مورد از انفاق‌های واجب، حال با دو مورد از انفاق‌های مستحب آشنا می‌شویم:

۱- قرض: قرض دادن نوعی انفاق مستحب است که بسیار بر آن تأکید شده است. این عمل تا آن اندازه ارزشمند است که در دین اسلام برای صدقه دادن ده ثواب و برای قرض دادن هجده ثواب قرار داده شده است. البته هر دو عمل از کارهای نیکو و مورد تحسین است؛ اما باید توجه داشت که در جامعه اسلامی، انسان‌های آبرومندی هستند که نمی‌خواهند از کسی صدقه بگیرند و قرض دادن موجب حفظ آبروی آنها می‌شود، از سوی دیگر انفاق مال در قالب قرض، فعالیت و کسب و کار را به دنبال خود دارد؛ زیرا کسی که صدقه می‌گیرد به فکر بازگرداندن آن نیست اما فرد قرض‌گیرنده باید کار کند تا مبلغ قرض را برگرداند.

۱- مهدی باکری در اندیشه و عمل، حسین علایی، چاپ اول، ص ۱۰۷.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ارزش قرض دادن فرموده است :
«مسلمانی که به برادر مسلمان خود قرض دهد، در برابر هر دره‌می که قرض داده، هم وزن کوه احد، حسنات خواهد داشت و اگر برای دریافت آن مدارا به خرج دهد، از پل صراط همچون برق جهنده بدون حساب و عذاب خواهد گذشت و کسی که برادر مسلمانش از وضع خودش پیش او شکایت برد و از او تقاضای قرض کند اما وی به او قرض ندهد، خداوند در روزی که نیکوکاران را پاداش می‌دهد، او را از بهشت محروم خواهد ساخت.»^۱

البته در تعالیم معصومین از قرض گرفتن در حالت بی‌نیازی و یا موارد غیرضروری نهی شده است؛ چرا که درخواست از دیگران آبروی انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد.
۲- **وقف** : وقف به این معناست که انسان در راه جلب رضایت خداوند مالکیت بخشی از اموال و دارایی‌هایش را از اختیار خود خارج کند و استفاده از آن یا استفاده از درآمد آن را در اختیار دیگران (عموم مردم، فقرا، یتام، و...) قرار دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید :
«هنگامی که انسان مؤمن از این دنیا می‌رود، تمامی اعمال او قطع می‌شود به جز سه عمل : صدقه جاریه^۲، علمی که از خود به یادگار گذاشته است و فرزند صالحی که برایش دعا می‌کند.»^۳

پیامبر اکرم بارها اموالی را برای استفاده مسلمانان وقف کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نخلستان‌ها و باغ‌های فراوانی ایجاد، و چاه‌های آب زیادی حفر می‌کرد و بلافاصله آنها را برای استفاده مردم یا گروهی از آنان همانند یتیمان یا در راه ماندگان وقف می‌کرد.

۱- ثواب الاعمال، ص ۴۱۴.

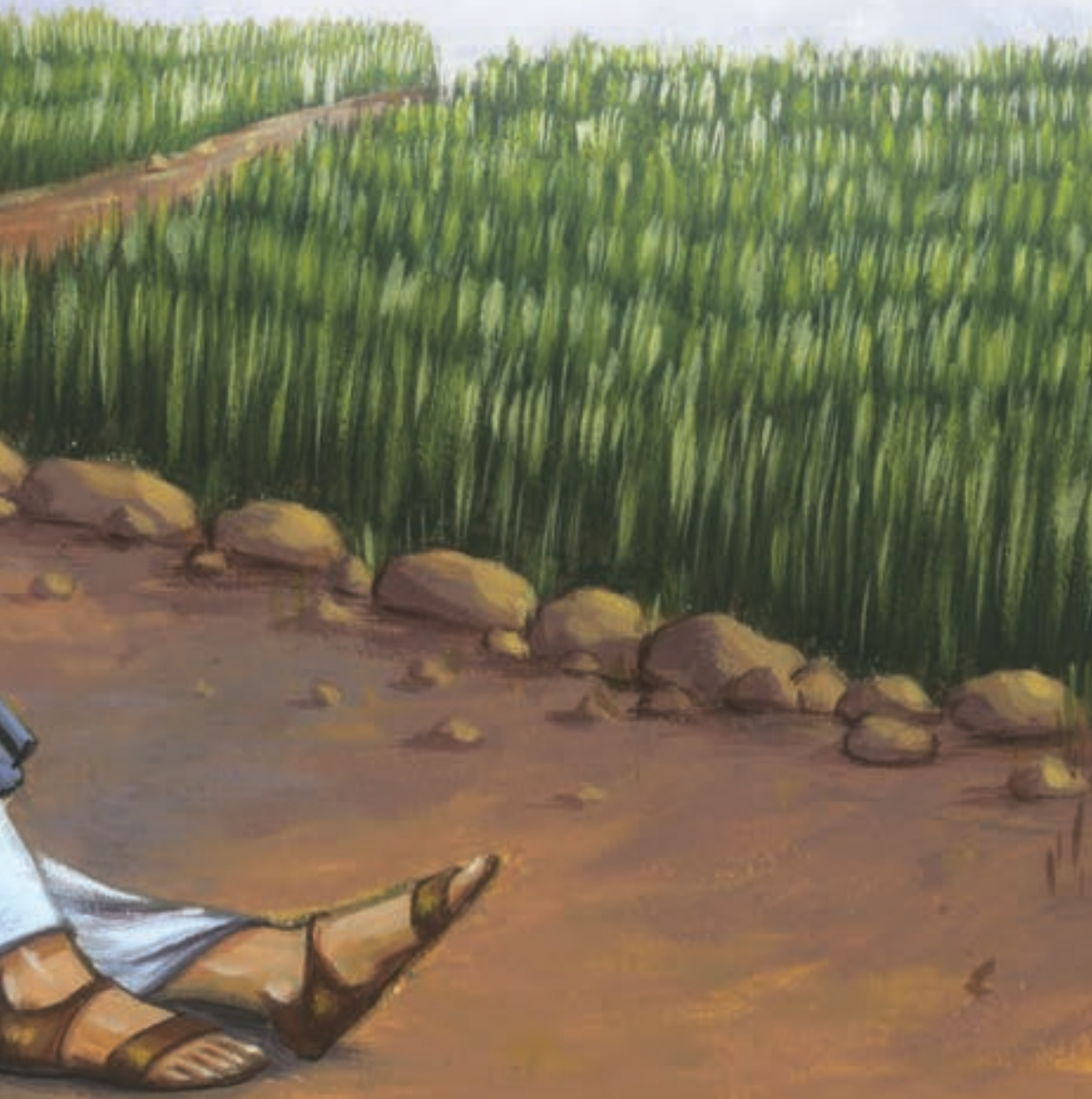
۲- با توجه به اینکه چیزی که وقف شده است مردم همواره از آن استفاده می‌کنند و برکات آن جاری است به آن صدقه جاریه گفته می‌شود.

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲.



در یکی از وقفنامه‌های آن حضرت آمده است :

«علی، بنده خدا و امیرمؤمنان، دو مزرعه را برای فقرای مدینه و در راه ماندگان قرار داد، تا خداوند روز قیامت چهره او را از حرارت آتش مصون دارد. این اموال فروخته نمی‌شود، بخشیده نمی‌شود، تا به دست وارث هستی (خدا) برسد.»^۱





در طول تاریخ اسلامی، وقف از جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از مسلمانان تلاش می‌کردند تا در حد توان خود، بخشی از دارایی‌های خود را برای انجام کارهای خیریه وقف کنند. وقف معمولاً در این امور صورت می‌گرفت:

ساختن مسجد، کتابخانه‌های عمومی، مدارس و دانشگاه، بیمارستان‌های عمومی (در این بیمارستان‌ها فقرا کاملاً رایگان درمان می‌شدند)، خانه‌هایی برای یتیمان و بی‌سرپرستان و فقرا، وقف اموالی برای کفن و دفن فقرا، وقف آب‌انبار و تأمین آب آشامیدنی یا آب کشاورزی برای مردم، ساختن کاروانسراهایی در مسیر راه‌های زیارتی یا تجاری برای استراحت کاروان‌ها، خرید تجهیزات برای جنگ با کفار، ساختن پادگان‌ها و قلعه‌ها برای نظامیان و...

همان‌طور که می‌بینیم نتایج وقف، منفعت رساندن به تمام مردم یا مردم مستحق است؛ بنابراین اگر در جامعه اسلامی وقف رایج شود بسیاری از اموری که نفع آن به عموم مردم می‌رسد توسط خود مردم انجام می‌شود و دیگر تمامی کارها بر دوش دولت قرار نمی‌گیرد.

خود را امتحان کن

- ۱- انفاق را تعریف کنید و سه مورد از فواید آن را نام ببرید.
- ۲- یک انفاق واجب و یک انفاق مستحب را نام ببرید و هر یک را به صورت مختصر توضیح دهید.
- ۳- زکات به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟ آنها را نام ببرید.
- ۴- خمس به چه کسی پرداخت می‌شود و در چه راه‌هایی هزینه می‌شود؟

پیشنهاد

با مراجعه به پدر و مادر خود چند مورد از موقوفات شهر خود را پیدا کنید و در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایتان معرفی کنید.

الهی

ای خدای کریم!

تو در این دنیا به من نعمت های فراوانی بخشیده ای

آن قدر که من از شمردن آنها ناتوانم

خدایا مرا از پیروان کسانی قرار ده که از مال دنیا به راحتی می گذشتند

و آن را در راه جلب رضایت تو هزینه می کردند

خدایا اگر در اموال من حق واجبی از دیگران وجود دارد آن را به من بشناسان

و مرا آن قدر توانا ساز که از مال دنیا بگذرم و آن را در راه تو انفاق کنم

خدایا مرا وسیله خیر رساندن به سایر بندگان قرار ده

به طوری که اگر کسی نیازی دارد من بتوانم نیاز او را برطرف نمایم.

در سال ۱۲۰۷ طی عهدنامه ترکمنچای از ایران جدا شد.

در سال ۱۱۹۳ طی عهدنامه گلستان از ایران جدا شد.

در سال ۱۶۶۰ توسط روسیه از ایران جدا شد.

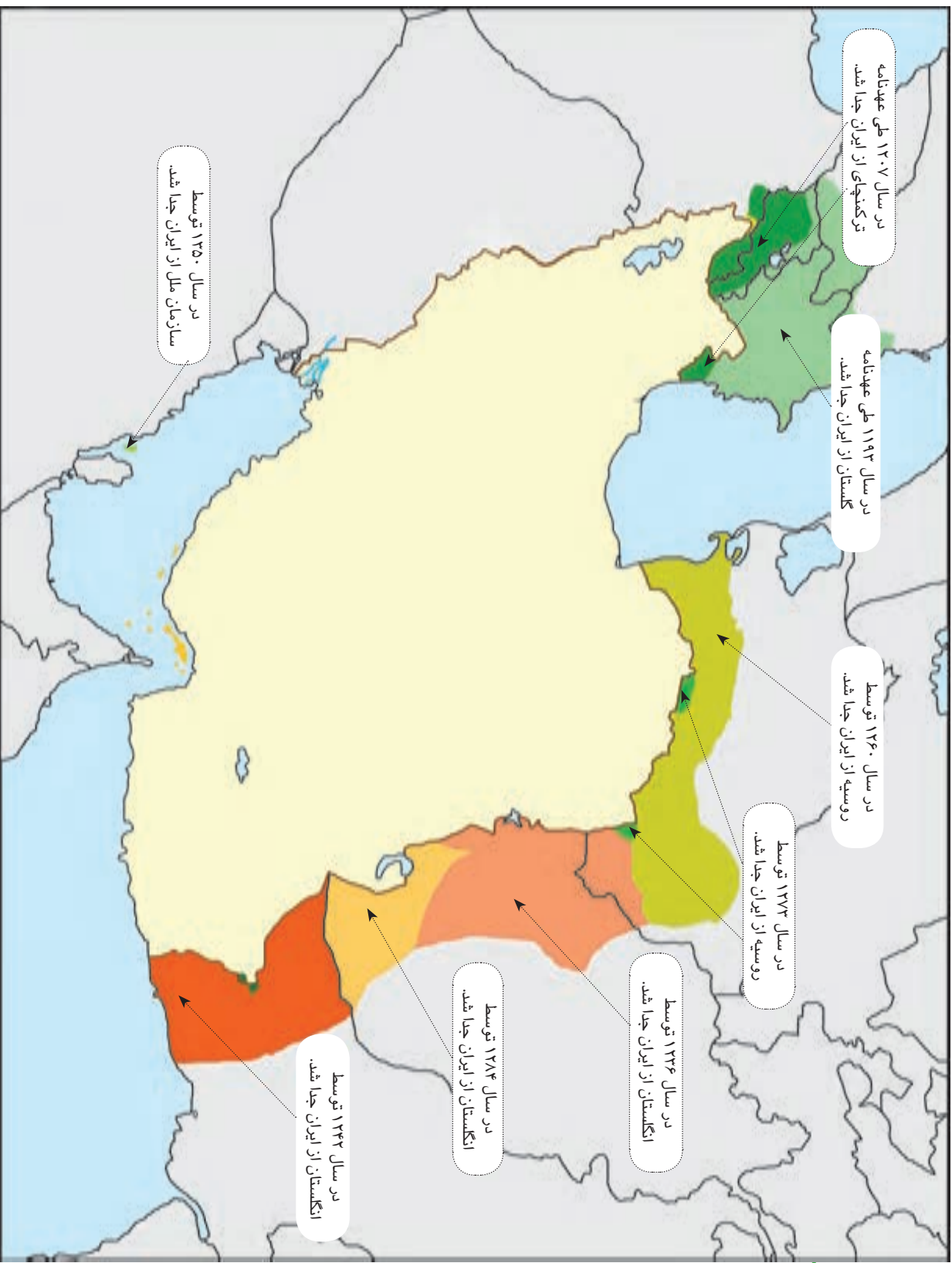
در سال ۱۲۷۳ توسط روسیه از ایران جدا شد.

در سال ۱۲۳۶ توسط انگلستان از ایران جدا شد.

در سال ۱۲۸۴ توسط انگلستان از ایران جدا شد.

در سال ۱۲۴۲ توسط انگلستان از ایران جدا شد.

در سال ۱۲۵۰ توسط سازمان ملل از ایران جدا شد.



درس سیزدهم

القلاب اسلامی ایران

به نقشه صفحه قبل با دقت نگاه کنید!

می‌بینید که طی دو‌یست سال گذشته همواره مناطقی از ایران جدا شده است. این مناطق یا به کشور جدیدی تبدیل شده یا اینکه به کشورهای دیگر ضمیمه شده است. این اقدام توسط کشورهای استعمارگر انجام شده است.

حال وضعیت ایران را در دو قرن گذشته با جنگ تحمیلی علیه ایران در دوران هشت سال دفاع مقدس مقایسه کنید؛ به نظر شما دشمنان این بار هم به هدف خود رسیدند؟ به نظر شما علت در چیست؟

مقایسه دیروز با امروز

وضعیت کشور عزیزمان ایران اسلامی را در دو دوران مقایسه کنید :

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

■ ده‌ها هزار مستشار خارجی – که چهل هزار نفر آنان آمریکایی بودند – کارهای فنی و نظامی ایران را در دست داشتند.

■ تجهیزات صنعتی با پرداخت هزینه‌های بسیار هنگفت از خارج خریداری می‌شد و برای استفاده از آنها نیز کارشناسان و مهندسانی از همان کشورها به ایران می‌آمدند.

■ وضعیت بهداشت در شهرها و روستاها اسفناک بود و ده‌ها هزار پزشک پاکستانی و هندی در ایران مشغول به کار بودند.

■ کمتر از نیم‌درصد مردم می‌توانستند به دانشگاه بروند!

■ از ۵۴/۰۰۰ روستا فقط ۲/۰۰۰ روستا برق داشت.

■ بیشتر نمایندگان مجلس توسط شاه انتخاب می‌شدند.

■ معادن مختلف و منابع نفت و گاز ما به دست غربی‌ها به یغما می‌رفت.

■ حکومت نه تنها توجهی به امور دینی نداشت بلکه با دایر کردن مراکز فساد، جوانان را از دین دور می‌کرد.

در این شرایط بود که مردم ایران به رهبری امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در برابر حکومت شاه قیام کردند و با سقوط شاه شرایط کشور دگرگون شد. انقلاب اسلامی بازگشتی دوباره به دین و ارزش‌های دینی بود و به همین دلیل، ثمراتی بیش از یک حرکت سیاسی را به دنبال داشت؛ ثمرات بزرگی که اهمیت آنها هرگز از تغییر حکومت شاهنشاهی کمتر نیست.

این ثمرات درحالی به دست آمد که کشور عزیزمان ایران، هشت سال درگیر جنگی تحمیلی و ناجوانمردانه از سوی قدرت‌های استکباری شده بود و بیشتر سرمایه‌های کشور درگیر جنگ بود. رشد و پیشرفت در عرصه‌های مختلف نمونه‌ای از این ثمرات است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم :

■ رشد نرخ باسوادی به حدود ۹۰ درصد؛ بیش از ده میلیون نفر فارغ‌التحصیل دانشگاه و

حدود پنج میلیون نفر نیز مشغول به تحصیل

■ قدرت اول نظامی منطقه و دارای امن‌ترین آسمان منطقه

■ جزء چهار کشور موفق در شبیه‌سازی حیوانی

- دومین کشور برتر دنیا در تحقیقات مغز و نخاع و جزء ده کشور دنیا از نظر پیوند اعضای بدن
- جزء هشت کشور صاحب چرخه کامل فضایی
- سومین کشور سدساز دنیا و سومین کشور از نظر رشد شبکه برق
- جزء ده کشور برتر دنیا در علوم نانو تکنولوژی
- جزء بیست کشور سازنده ناوشکن در دنیا و دارنده رکورد سریع ترین اژدر دنیا (۱۰۰ متر در ثانیه)
- و جزء چهار کشور سازنده پهپاد موشک انداز در دنیا، شکار پهپاد RQ۱۷۰ فوق پیشرفته آمریکا و ساخت مدل ایرانی آن
- تنها کشور مستقلی که خود به تکنولوژی هسته ای دست یافت.^۱

اینها گوشه ای از پیشرفت های علم و فناوری در کشور ماست که باعث شده است تا ایران در میان کشورهای منطقه به بالاترین رشد تولید علم با فاصله زیاد (ده برابر رشد دیگران) دست یابد. این پیشرفت های عظیم موجب شده است که ملت های محروم با الگو گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، برای رهایی از وابستگی و کسب استقلال، تلاش کنند. حرکت های حق طلبانه مردم در نقاط دیگر جهان نیز بیش از هر چیز سرمشق گرفته از مقاومت ملت ایران در برابر استکبارگران جهانی است.

بالاتر از همه پیشرفت هایی که در بالا به بخشی از آنها اشاره شد، زنده شدن روحیه خودباوری و احساس عزت و بزرگی در ملت ایران است. ملت ایران اکنون به این باور رسیده است که می تواند در هر زمینه ای رشد و پیشرفت کند. این باور همان وعده خداوند به مؤمنان است که می فرماید:

و لا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ، إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۲ [زیرا که] شما برترید اگر ایمان داشته باشید.*

مردم ایران مانند بسیاری از ملت های محروم دنیا باور کرده بودند که نمی توانند هیچ مشکلی را به تنهایی حل کنند. انقلاب اسلامی این توهم بزرگ را فرو ریخت و به ما نشان داد که ملتی که با هم متحد باشد و برای خدا قیام کند، می تواند با رهبری مدبرانه هر مشکلی را حل کند و خود را به قله های پیشرفت و عزت برساند.

۱- سفیران ثریا؛ گزارش مصور از هفتاد دستاورد برتر جهانی جمهوری اسلامی ایران، محمد علی الفت پور.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

* آیه با ترجمه حفظ شود.

به نظر شما بر قدرت‌هایی که سال‌ها به استثمار ملت‌های محروم پرداخته‌اند، آیا حاضرند به راحتی از ثروت‌های این کشورها چشم‌پوشی کنند؟ فکر می‌کنید آنها چه برنامه‌هایی برای ادامه غارتگری در کشور ما دارند؟



U 2

«لاکهید U2» یک هواپیمای جاسوسی با ارتفاع پرواز بسیار بالاست. این هواپیما از زمان جنگ سرد بارها وارد آسمان چین و شوروی و... شد که به خاطر ارتفاع بلند پروازی قابل شناسایی نبود. البته بعد از اینکه توسط پدافند S2⁰⁰ شوروی منهدم شد، توسط آمریکا مورد تغییرات زیادی قرار گرفت. از لحاظ جنس بدنه، رادارگریزی، تغییر موتور، و اضافه کردن سامانه‌های جاسوسی و راداری دوربرد، بارها مورد ارتقا قرار گرفت به گونه‌ای که قرار بود در سال ۲۰۱۲ بازنشسته شود اما به خاطر ارتقا‌های جدید هنوز عملیاتی است.

U2 در تمام جنگ‌های آمریکا از جمله جنگ‌های کوزوو، صربستان، افغانستان، عراق، لیبی و... حضور مؤثر و موفق داشته است. ارتفاع پرواز این هواپیما به حدی بالاست (هفتاد هزار پا) که خلبان آن باید از لباس‌های فضانوردی استفاده کند.



را در برابر ما آغاز کرد که هشت سال به طول انجامید. اگرچه در این جنگ بسیاری از دولت‌های چپاول‌گر از رژیم صدام، حمایت می‌کردند، اما باز هم ملت ایران با اتکای به خداوند و بدون کمترین وابستگی به قدرت‌های بیگانه، و با دادن نزدیک به دویست هزار شهید، توانست نیروهای متجاوز را از میهن اسلامی بیرون براند.^۱

هم‌زمان با جنگ و تحریم، قدرت‌های استکباری با اجیرکردن منافقان در عملیات‌های متعدد بمب‌گذاری و ترور، حدود هفده هزار نفر از مسئولان و مردم عادی را در داخل کشور به شهادت رساندند.

محاصره اقتصادی، حمله نظامی، ترور و بمب‌گذاری، تفرقه‌افکنی و تلاش برای کودتا و ایجاد جنگ داخلی و... همه نقشه‌هایی بود که استعمارگران بارها و بارها، آنها را پس از انقلاب به کار گرفتند، اما باز هم نتوانستند مردم مسلمان ایران را به زانو درآورند. پس از این مراحل بود که آنان به فکر استفاده از آخرین و مخرب‌ترین سلاح خود در برابر ملت ایران افتادند. سلاحی که از بمب اتمی نیز خطرناک‌تر است.

می‌توانید حدس بزنید این سلاح چیست؟



شکست عبرت‌انگیز

از فتح آندلس^۲ توسط مسلمانان بیش از صد سال می‌گذشت و این کشور آباد و پیشرفته، مرکزی برای تجارت، دانش و صنعت شده بود. وجود کشوری مسلمان و پیشرفته در اروپا، مایه نگرانی کشورهای مسیحی همسایه شده بود. جوانان مسیحی که پیشرفت‌های مسلمانان را می‌دیدند، رفته‌رفته به آنها علاقه‌مند و در نهایت مسلمان می‌شدند. تحمل این وضع برای رهبران اروپایی دشوار بود. از طرفی آنها می‌دانستند با مسلمانان نمی‌توانند بجنگند، پس باید چاره‌ای می‌اندیشیدند. آنها نقشه‌ای کشیدند و نماینده‌ای به سوی حاکم آندلس فرستادند.

۱- در طول جنگ تحمیلی، در میان افرادی که به اسارت نیروهای ما درآمده بودند، سربازانی از ۲۵ ملیت و کشور مختلف وجود داشتند و حتی در مواردی که آمریکایی‌ها می‌دیدند، شکست صدام نزدیک است، خودشان مستقیماً وارد جنگ می‌شدند.
۲- آندلس شامل کشور اسپانیا و بخش وسیعی از کشور پرتغال امروزی بوده است.

پیشنهاد دادند ما حاضریم برای شما مدرسه و اماکن تفریحی رایگان بسازیم و خودمان نیز بدون اینکه از شما پولی بخواهیم آنها را اداره کنیم. مسلمانان می‌توانند به صورت رایگان از این مراکز استفاده کنند. ما حاضریم با شما قراردادی برای تجارت آزاد امضا کنیم؛ یعنی بازرگانان ما و شما بتوانند هر کالایی را که دارند آزادانه به کشورهای یکدیگر ببرند و خرید و فروش کنند.

مدتی بعد، کودکان و نوجوانان مسلمان در مدارس آنان – بدون اینکه خود بدانند – تعلیمات مسیحی می‌دیدند. مراکز تفریحی آنان نیز توسط دختران و زنان بی‌حیا و آلوده‌ای اداره می‌شد که گروه‌گروه از کشورهای همسایه وارد آندلس می‌شدند و هدفشان آلوده کردن جوانان مسلمان به گناه و بی‌بندوباری بود. بازرگانان مسیحی نیز هر روز شراب‌های فراوانی را روانه مراکز تفریحی می‌کردند و جوانان – بی‌خبر از دامی که برایشان بهن شده بود – جذب این مراکز می‌شدند. همکاری‌های تجاری با مسیحیان موجب وابستگی فراوان به آنها و در نتیجه دوری از کشورهای اسلامی شد.

چند سال بعد، دیگر در آندلس نه از فرماندهان دلاور خبری بود و نه از سربازان غیور و از جان‌گذشته و فاتح. تنها چیزی که از آندلس باقی مانده بود حاکمانی وابسته، جامعه‌ای بی‌تفاوت و جوانانی سست اراده بود که غرق در گناه و خوشگذرانی بودند. در این بین، عده کمی هم بودند که هنوز در این باتلاق فرو نرفته بودند، اما از دست آنان کاری بر نمی‌آمد. این همان موقعیتی بود که دشمنان اسلام، سال‌های طولانی انتظار آن را می‌کشیدند. سربازان مسیحی با اولین حمله، آندلس را تسخیر کردند و پس از صدها سال دوباره مردم آن سرزمین را به زور شمشیر مسیحی کردند و هر کس هم که حاضر نشد از اسلام دست بکشد، از دم تیغ گذراندند.^۱



شبیخون فرهنگی

امروزه قدرت‌های استکباری به خوبی دریافته‌اند که جنگ‌های نظامی علاوه بر هزینه‌های بسیار زیاد، باعث نفرت ملت‌ها نیز می‌شود و این مسئله، ادامه کارشان در کشورهای دیگر را مشکل می‌کند.

۱ – برگرفته از: تاریخ حکومت مسلمین بر اروپا، محمدابراهیم آیتی؛ تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون؛ تاریخ فتوحات اسلام در

اروپا، شکیب ارسلان.

به همین دلیل آنها برای به زانو درآوردن ملت‌ها، راهکار جدیدی به نام جنگ نرم^۱ یا شبیخون فرهنگی را در پیش گرفته‌اند.

دشمنان با استفاده از تجربیاتی که از سرگذشت آندلس و حوادث مانند آن اندوخته‌اند، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا با تکرار آن رویدادها، ملت مسلمان ایران را به زانو درآورند. تا به حال به این نکته فکر کرده‌اید کشورهای که حتی به بیماران ما نیز رحم نمی‌کنند و در کنار تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و علمی، اقلام پزشکی و دارویی را نیز تحریم می‌کنند، و حتی به تحریم گندم – اصلی‌ترین نیاز غذایی کشور – اقدام کرده‌اند، چگونه ممکن است تا این اندازه به فکر تفریح و سرگرمی ما ایرانی‌ها باشند و برای پرکردن اوقات فراغت ما سالیانه میلیون‌ها دلار خرج ساخت راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان و یا سایت‌های اینترنتی کنند؟ شبکه‌ها و سایت‌هایی که نتیجه‌ای جز ویران کردن اخلاق و عقاید مردم ندارد و موجب نابودی خانواده‌ها و از بین رفتن اعتقادات اسلامی می‌شود.

آیا این عجیب نیست که کشورهایی که از روی کینه و دشمنی با تحریم صنایع هواییمایی کشور ما، موجب بروز حوادث هوایی و مرگ صدها ایرانی شده‌اند، حالا دلسوز سرگرمی ما شده‌اند و برای ما به صورت رایگان انواع فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای پخش می‌کنند؟

به نظر شما دشمنی که ما را در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و علمی تحریم کرده است، چرا حاضر به تحریم فیلم‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای خود نشده است و آنها را رایگان در اختیار ما قرار می‌دهد؟ تولید فیلم‌های ضد ایرانی و ضداسلامی، تهیه و پخش فیلم‌ها و تصاویر زشت و مبتذل، ساخت بازی‌های رایانه‌ای مُخرب، تولید و پخش مواد مخدر در بین جوانان، تلاش همه‌جانبه برای ترویج بی‌حجابی و بی‌عفتی و کم‌اهمیت جلوه دادن حجاب، عادی‌سازی روابط نادرست بین دختران و پسران، ترویج بی‌عفتی و آلوده کردن جوانان، تمسخر عقاید پاک مسلمانان، القای بی‌فرهنگ بودن مسلمانان و ایرانی‌ها، ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی، ایجاد تفرقه بین مردم و مسئولان، کم‌اهمیت جلوه دادن پیشرفت‌های کشور، بزرگ جلوه دادن قدرت و پیشرفت غربی‌ها، و... بخشی از این جنگ نرم علیه ملت و فرهنگ ماست.^۲

۱- جنگ نرم به اقداماتی گفته می‌شود که به وسیله آن می‌توان یک کشور را بدون استفاده از نیروهای نظامی، سرنگون کرد.

۲- مجلس نمایندگان آمریکا هر سال به صورت رسمی، ده‌ها میلیون دلار را به طرح‌هایی که بتواند نظام اسلامی را در ایران از بین ببرد، اختصاص می‌دهد که این مبلغ معمولاً صرف شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و رادیوهای ضد ایران می‌شود. البته مبلغ واقعی کمک‌های پنهانی صهیونیست‌ها و سایر دشمنان اسلام برای مقابله با انقلاب اسلامی بسیار بیشتر از مبالغی است که به صورت رسمی اعلام می‌شود.



آنها به خوبی می‌دانند که اگر جوانان مسلمان به دستورات اسلام دربارهٔ حفظ حجاب و پاکدامنی عمل کنند، شکست دادن آنها بسیار دشوار خواهد بود. پس تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا آنها را از تعلیمات حکیمانهٔ اسلام دور نگه دارند. خداوند نسبت به این خطرات که از سوی دشمنان اسلام همواره نسبت به مسلمانان وجود دارد هشدار داده است آنگاه که می‌فرماید :

وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ
وَأَن تَبُوءُوا بِيَوْمِكُمْ

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی دشمن از تحریم اقتصادی، جنگ نظامی و شبیخون فرهنگی، چیزی جز نابودی باورهای دینی مردم و دور کردن آنها از اسلام نیست.

اکنون ارزش این کلمات نورانی امیرمؤمنان علیه‌السلام، برای ما روشن‌تر می‌شود که می‌فرماید :

«پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگ‌تر از پاداش انسان عقیف و پاکدامنی نیست که قدرت انجام گناه را دارد، ولی خود را آلوده نمی‌کند؛ انسان پاکدامن نزدیک است فرشته‌ای از فرشته‌ها شود.»^{۲*}

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۱۷.

۲- نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷۴. * متن روایت حفظ شود.



یک بار دیگر، نقشه‌های بیگانگان را برای شکست ایران اسلامی، مرور کنید و درباره راه‌های مقابله با این نقشه‌ها با دوستانتان در کلاس گفت‌وگو کنید.

- ۱- ثمرات انقلاب اسلامی ایران را به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۲- چند نمونه از اقدامات ابرقدرت‌ها برای شکست جمهوری اسلامی ایران را توضیح دهید.
- ۳- خطرناک‌ترین سلاح دشمن در جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- هدف اصلی دشمنان را از اجرای نقشه‌های مختلف در کشورهای اسلامی بیان کنید.

خودت را امتحان کن

الهی

خدایا انقلاب ما را که با مجاهدت و از جان گذشتگی هزاران مرد و
زن به ما رسیده است
از مکر و توطئه دشمنان حفظ کن
خدایا شهیدانی که برای حفظ این انقلاب خون خود را نثار کردند
مورد رحمت خویش قرار ده
و مرا سپرو آنان قرار ده
ویاری ام کن تا من نیز به رشد و پیشرفت کشورم کمک کنم
و برای کشورم افتخار بیافرینم
ای مهربان ترین مهربان ها





اسامی زیر را یک بار مرور کنید :

قابیل، أبرهه، اسکندر مقدونی، چنگیزخان مغول، هیتلر، صدام، جرج بوش!

این نام‌ها شما را به یاد چه موضوعی می‌اندازد؟

با نگاهی گذرا به تاریخ می‌بینیم که هرگاه انسان‌های بی‌ایمان و زیاده‌خواه به قدرتی دست می‌یابند، خیلی زود به جنگ و تجاوز روی می‌آورند و برای تسلط بر جان و مال ملت‌های دیگر به کشتار مردم بی‌گناه می‌پردازند.

این گروه - که در فرهنگ اسلام باطل نامیده می‌شوند - همواره بیشترین دشمنی را با حق دارند، چرا که می‌دانند در این نبرد همیشگی، مؤمنان به هیچ قیمتی در برابر آنها تسلیم نخواهند شد. به همین دلیل یاران شیطان همواره منتظر فرصتی هستند تا حق را برای همیشه از میان بردارند و راه را برای چپاول ملت‌های ضعیف هموار سازند.

به نظر شما وظیفه مؤمنان در این زمان‌ها چیست؟



جهاد در اسلام

کلمه جهاد در زبان عربی به معنای تلاش و کوشش است، اما برای این کلمه در فرهنگ اسلامی معنای دیگری نیز وجود دارد: مبارزه (جنگ) مسلحانه با دشمنان اسلام. جهاد در راه خدا در دین اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که حدود یکصد آیه از آیات قرآن کریم را به خود اختصاص داده است. خداوند بزرگ درباره این عبادت ارزشمند در قرآن می‌فرماید:

خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرد تا [در برابرش] بهشت برای آنان باشد [بنابراین آنان نیز] در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند.	إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ^۱ .
این [موضوع] وعده حق خداوند در تورات و انجیل و قرآن است و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! پس بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ!	

همان‌طور که می‌بینیم، کسی که با دستور خداوند به جهاد با دشمنان برمی‌خیزد، همواره پیروز است؛ زیرا اگر دشمن را شکست دهد و خودش سالم به میهن بازگردد، علاوه بر افتخار و سربلندی، مغفرت و پاداش بزرگ خداوند نیز در انتظار اوست و اگر در جنگ با دشمن شهید شود، به مقامی دست می‌یابد که نزد خداوند با هیچ مقام دیگری قابل مقایسه نیست؛ بنابراین جهاد در راه خدا مبارزه‌ای است که هرگز شکست ندارد.

انواع جهاد

۱- جهاد دفاعی: وقتی کشور اسلامی مورد حمله دشمنان قرار می‌گیرد، بر همه مسلمانان - مرد و زن، پیر و جوان - واجب است با آنچه در توان دارند، به دفاع از کشور اسلامی برخیزند و دشمن را از سرزمین خود بیرون کنند.



دشمنان که می‌دانند دین اسلام همواره باعث بیداری و اتحاد مردم در برابر ظالمان و غارتگران بوده است، برای اینکه بتوانند ملت‌های دیگر را همیشه اسیر خود قرار دهند، پیش از هر چیز نقشه نابودی اسلام را در سر می‌پروراندند. از این رو، هرگونه سستی و کوتاهی در دفاع از میهن اسلامی، گناهی نابخشودنی خواهد بود و عذاب الهی را در پی خواهد داشت. جنگ‌های احد و احزاب در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد دفاعی مسلمانان در آن زمان هستند.

توجه داشته باشیم که دشمنان برای شکستن مقاومت مسلمانان هر کاری بتوانند می‌کنند.

آنها برای تضعیف جبهه حق، به دروغ مسلمانان را به خشونت طلبی و جنگ افروزی متهم می کنند، درحالی که خودشان با به راه انداختن جنگ های بزرگ (مانند جنگ های جهانی اول و دوم و ده ها جنگ بزرگ دیگر در افغانستان، عراق، سوریه، فلسطین، یمن، لبنان و...) میلیون ها انسان بی گناه را به خاک و خون کشیده اند و هر روز شعله جنگ های جدیدی را در دنیا برمی افروزند.

جنگ تحمیلی علیه کشور اسلامی ما ایران، نمونه ای امروزی از این دسیسه ها بر ضد اسلام است.

بیشتر بدانیم

جنگ هشت ساله کشور ما یکی از نمونه های جهاد دفاعی است. جهادی که در آن مردان و زنان بسیاری با ایستادگی و از جان گذشتگی مانع تحقق اهداف دشمنان شدند. داستان زیر نمونه ای کوچک از رنج هایی است که جوانان این سرزمین در دفاع از دین و میهن خود به جان خریدند:

در روزهای سرد زمستان ۶۴ کار سخت و فشرده ای برای آموزش نیروهای غواص به منظور شرکت در عملیات آغاز شده بود.

سرمای زمستان در کارون طاقت فرسا بود. حتی بیرون آب و با لباس هم از شدت سرما می لرزیدیم.



سرما در آب مضاعف می‌شد، طوری که اگر کسی مدتی بی حرکت می ماند سرمازدگی او را از کار می انداخت. لباس‌های غواصی در فواصل آموزش خشک نمی‌شد و بچه‌ها مجبور بودند هر بار لباس‌های خیس را بر تن کنند. این کار هر شبانه روز سه بار (از ساعت ۸ تا اذان ظهر، از سه بعد از ظهر تا اذان مغرب و از نیمه شب تا سه بامداد) تکرار می‌شد و در واقع هیچ‌گاه سرما از وجود بچه‌ها رخت بر نمی‌بست. باورش سخت بود که این نیروها که میانگین سنشان حدود هفده سال بود این گونه دوام بیاورند و این همه فقط با نیروی عشق ممکن بود و بس. در ساعات استراحت، عزاداری و سینه‌زنی یکی از برنامه‌های بچه‌ها بود که ترک نمی‌شد. عشق اهل بیت، خورشیدی در درون بود که با وجود حرارت آن، خشونت و سرما نمی‌توانست ما را از پای درآورد. در آن جمع، محمود نوجوانی بود که حتی قبل از اینکه وارد آب شود از شدت سرما می‌لرزید و وارد آب که می‌شد عضله‌های پایش می‌گرفت. یک بار در مقابل چشمانم بیهوش شد. همه بدنش کرخت شده بود و قدرت حرکت نداشت. به سرعت از آب خارجش کردم. مدتی طول کشید تا حال خود را بازیافت. وقتی متوجه شد که بیرون آب است شروع کرد به گریه کردن که چرا نمی‌گذارید من هم غواصی را یاد بگیرم تا جزو غواصان خط شکن باشم...^۱

جهاد با سرکشان: اگر در کشور اسلامی عده‌ای با گردن‌کشی در برابر قوانین، حکومت اسلامی را تضعیف کنند و به مبارزه مسلحانه با مأموران نظام اسلامی بپردازند، رهبر جامعه اسلامی با ملایمت به ارشاد آنان می‌پردازد و در صورت توبه و بازگشت، جامعه اسلامی آنها را می‌پذیرد و با لطف با آنان رفتار می‌کند.

ولی اگر این افراد از مدارای جامعه اسلامی سوء استفاده کنند و به مبارزه خود با نظام اسلامی ادامه دهند و امنیت جامعه را به خطر اندازند، مسلمانان موظف‌اند با دستور حاکم اسلامی، به جهاد و مقابله با این افراد برخیزند و خطر آنان را از جامعه اسلامی دور کنند. این نوع از جهاد نیز نمونه‌ای از جهادهای دفاعی است.

جنگ حضرت علی علیه السلام با خوارج نهروان در صدر اسلام، نمونه‌ای از این نوع جهاد است.



۱- برگرفته از کتاب لشکر خوبان، خاطرات مهدی قلی رضایی.

۲- جهاد ابتدایی : خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید :

چرا در راه خدا و [برای نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف^۱ نمی‌جنگید؟ این ناتوانان همان کسانی‌اند که می‌گویند : پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر، و از نزد خود برای ما سرپرست و مددکاری قرار ده. کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا مبارزه می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت^۲ می‌جنگند. پس با هواداران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان ضعیف است.^۳

این آیات به روشنی، حاکمان زورگو و سرکشی را که مردم ناتوان را زیر سلطه خود نگاه داشته‌اند و نمی‌گذارند پیام خداوند به آنها برسد، هواداران شیطان می‌نامد. در این زمان لشکر اسلام موظف است - به دستور پیامبر و یا ولی مسلمین - با حاکمان شیطانی جهاد کند و مردم را از اسارت آنها نجات دهد و پیام خدا را به آنها برساند.

البته اسلام هرگز عقاید خود را به زور بر هیچ گروهی تحمیل نکرده است و تنها با سرنگون کردن حاکمان فاسد، پیام دین را به مردم می‌رساند و آنان را در پذیرش این پیام آزاد می‌گذارد. نبرد سپاه اسلام با حکومت‌های ایران و روم در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد ابتدایی اسلام است.

۱- مُسْتَضْعَف یعنی ناتوان نگاه داشته شده.

۲- شیاطین، بت‌ها، حاکمان ستمگر و هر معبودی به غیر از خداوند و هر مسیری که به غیر حق منتهی شود همه طاغوت است. تفسیر

نمونه، ج ۲، ص ۲۸۰.

۳- سوره نساء، آیه‌های ۷۵ و ۷۶.





معین کنید که هر یک از نمونه‌های زیر به کدام یک از انواع جهاد مربوط‌اند.

- ۱- جهاد مردم فلسطین با اشغالگران صهیونیست
- ۲- جهاد مأموران نیروی انتظامی با اشرار و قاچاقچیان مسلح
- ۳- مبارزه مأموران نیروی انتظامی با منافقین تروریست در کشور
- ۴- جنگ هشت ساله ایران در برابر ارتش صدام
- ۵- جهاد مردم مظلوم یمن در برابر حملات وحشیانه سعودی‌ها



کسب آمادگی برای دفاع

تا اینجا دانستیم که جهاد در راه خدا وظیفه همگانی و عبادتی ارزشمند است. اما آیا تا حالا فکر کرده‌اید که اگر دشمنان به صورت ناگهانی به کشور اسلامی ما حمله کنند، چه کسانی می‌توانند به دفاع از اسلام برخیزند و در این عبادت بزرگ شرکت کنند؟ افرادی که هیچ مهارتی در فنون رزمی و جنگی ندارند، چگونه می‌توانند در برابر دشمنان ایستادگی کرده و آنان را شکست دهند؟

خداوند حکیم در این باره می‌فرماید:

وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَهَرَّجَهُمْ فِي مَقَابِلِهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

از قبیل نیرو و اسب‌های ورزیده

وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ

تَرَاهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ

تا با این کار دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید*

می‌دانید دشمنان در چه زمانی به خود جرأت می‌دهند به کشوری اسلامی حمله کنند؟ اگر کشوری در اوج آمادگی و مهارت‌های نظامی باشد، هیچ بیگانه‌ای خیال حمله به آن کشور را در سر نخواهد داشت؛ بنابراین، آمادگی نظامی، علاوه بر پیروزی در جنگ، فایده مهم دیگری دارد

*آیه با ترجمه حفظ شود.

۱- سوره انفال، آیه ۶۰.

که همان ترساندن دشمن و جلوگیری از آغاز جنگ است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

سوارکاری و تیراندازی کنید (اگر تیراندازی کنید نزد من دوست‌داشتنی‌تر از سوارکاری است). خداوند بلندمرتبه سه نفر را به واسطهٔ یک تیر به بهشت می‌برد:

۱- مسلمانی که تیر را می‌سازد؛

۲- مسلمانی که برای رضای خداوند تیرها را تهیه می‌کند و به دست رزمندگان می‌رساند؛

۳- رزمنده‌ای که تیر را در راه خداوند به سوی دشمن پرتاب می‌کند.^۱



با دوستانتان در کلاس گفت‌وگو و بررسی کنید و بگویید که ما برای بالا بردن توان دفاعی خود در دنیای امروز، باید چه آموزش‌هایی را فرا بگیریم.

- ۱- اگر مردم کشوری که مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته‌اند، از کشور خود دفاع نکنند، چه سرنوشتی در انتظار آنان خواهد بود؟
- ۲- جهاد دفاعی در چه زمانی و بر چه کسانی واجب است؟
- ۳- اگر در جامعهٔ اسلامی، عده‌ای به مبارزه با نظام اسلامی بپردازند و امنیت مردم را به خطر بیندازند، مسلمانان چه وظیفه‌ای دارند؟
- ۴- با توجه به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله توضیح دهید که آیا در جهاد با دشمنان اسلام، پاداش خداوند تنها برای کسانی است که در میدان جنگ به مبارزه با دشمنان مشغول‌اند.

خودت را امتحان کن

سرمایه‌ای از جوانی

مسابقه تیراندازی با شور و هیجان در حضور هشام بن عبدالملک، خلیفه ستمکار بنی امیه و بزرگان کشور ادامه دارد که نگهبانان، امام باقر را وارد می‌کنند. امام علیه السلام در گوشه‌ای می‌نشیند. هشام مدت‌ها دنبال فرصتی برای تحقیر امام بود و حالا این فرصت را به دست آورده است:

– ای ابا جعفر، بد نیست تو هم در مسابقه شرکت کنی!

امام علیه السلام می‌فرماید: ای هشام، بهتر است از من صرف نظر کنی که دیگر پیر شده‌ام.

– اصلاً! امکان ندارد! باید تیراندازی کنی!

امام که اصرار هشام را می‌بیند، کمان را می‌گیرد و تیری در کمان می‌گذارد و زه کمان را با قدرت می‌کشد تیر پر می‌کشد و در وسط هدف می‌نشیند. از آن جمعیت هیچ صدایی شنیده نمی‌شود. دهان‌ها از تعجب بازمانده‌اند.

یعنی درست می‌بینند؟! این تیراندازی یک پیر مرد بود؟!!

امام بدون آنکه سخنی بگوید بلافاصله تیر دوم را در کمان می‌گذارد و ...

باور کردنی نیست. هر تیر به پشت تیر قبلی می‌خورد و آن را می‌شکافد و به جای آن می‌نشیند.

نهمین تیر که در هدف می‌نشیند، امام علیه السلام کمان را به دست صاحبش می‌دهد و برمی‌گردد.

چشم‌ها به تیرهای درهم فرو رفته خیره مانده است. زبان هشام از تعجب بند آمده است، در حالی که سعی می‌کند خشمش را پنهان کند، بریده بریده و آرام می‌گوید: ... آفرین! آفرین! ای ابا جعفر! تو این تیراندازی را از کجا آموختی؟

امام علیه السلام با آرامش می‌فرماید: جوان که بودم، گاهی تمرین می‌کردم.^۱



- قرآن کریم
- امالی صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- بحار الانوار (ط- بیروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ هـ/ ۱۹۹۵ م.
- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق/ ۱۳۶۳ ش.
- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابویه، محمد بن علی، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
- حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵ م.
- خصال، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- سیر أعلام النبلاء، ذهبی، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ هـ/ ۱۹۹۳ م.
- شرح نهج البلاغه، ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- صحیفه سجاده، علی بن الحسین علیه السلام، قم، دفتر نشر الیهادی، ۱۳۷۶ ش.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق.
- غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- فیزیکدانان غربی و مسئله خدا باوری، مهدی گلشنی، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹ ش.
- کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- مفاتیح الجنان، قمی، شیخ عباس.
- من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- میزان الحکمة، محمدی ری شهری، تحقیق دار الحدیث، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۵ ش.
- نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، تحقیق صالح، صبحی، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.

